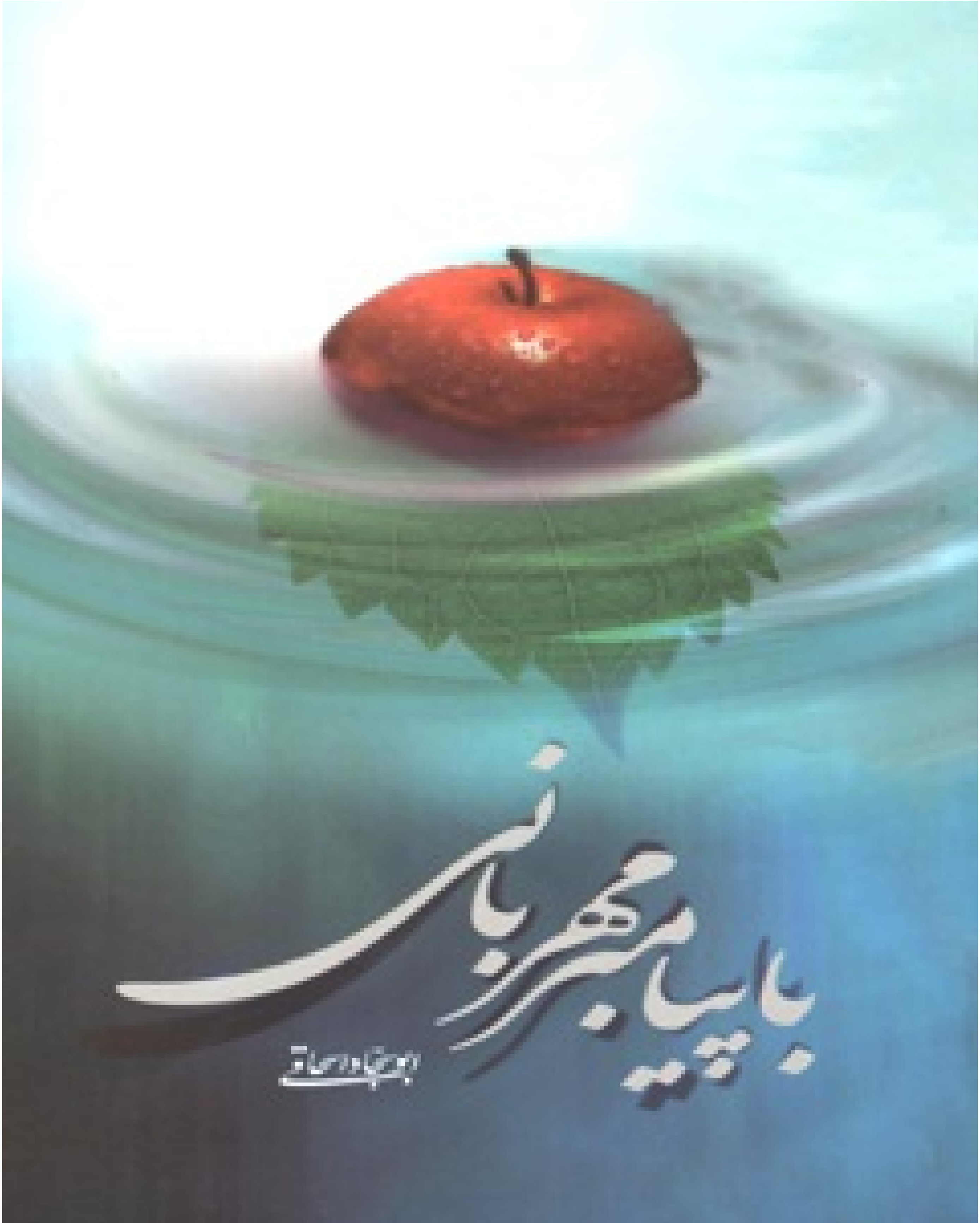

با پیامبر مهربانی

بسم الله الرحمن الرحیم

با پیامبر مهربانی

نویسنده:

حسین اسحاقی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

با پیامبر مهربانی

مشخصات کتاب

سرشناسه : اسحاقی، سیدحسین، ۱۳۴۱ -

عنوان و نام پدیدآور : با پیامبر مهربانی/ ابوسجاد اسحاقی.

مشخصات نشر : تهران: مشعر، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۲۱۶ص.

شابک : ۸-۱۹۰-۵۴۰-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه:ص [۲۱۳] - ۲۱۵؛ همچنین به صورت زیرنویس

موضوع : محمد(ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت -۱۱ق -- .احادیث-- احادیث

موضوع : Muhammad, Prophet -- Hadiths

رده بندی کنگره : BP۱۴۲/۵ /الف۴۶ب۲ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۸

شماره کتابشناسی ملی : ۱۷۶۳۰۰۴

ص:۱

اشاره

زان که ملت را حیات از عشق اوستبرگ ساز کاینات از عشق اوست

اقبال لاهوری

بیان شیرین و سخن دل‌نشین رسول خدا صلی الله علیه و آله، شفابخش‌ترین داروی دل‌های خسته‌ای است که راه و راهنمای کمال و سرچشمه خورشید را جست‌وجو می کنند. حضرت علی علیه السلام در نهج‌البلاغه می‌فرماید:

بی گمان دل‌ها نیز بسان بدن‌ها خسته می‌شوند.

پس برای رفع خستگی دل، طرفه حکمت‌هایی بجویید.

به راستی، سفارش‌ها و رهنمودهای پیامبر، مانند بهاریه‌ای است که فضای جان را سرسبز و باطراوت می‌سازد.

ص:۲

ص:۳

ص:۴۰

ص:۵

ص:۶

ص:۷

ص:۸

ص:۹

ص:۱۰

ص:۱۱

ص:۱۲

ص:۱۳

ص:۱۴

ص:۱۵

ص:۱۶

ص:۱۷

سپیده سخن

ص: ۱۸

صرف باطل نکند عمر گرامی پروین آن‌که چون پیر خرد، راهنمایی دارد

پروین اعتصامی

و خوشا به حال آنان که گل‌های رنگارنگ از شاخ مراد می‌چینند. حال که ناخدای سبزپوش بحر ولایت، جان زمان را به نام همیشه نورانی رسول وحی و پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله آذین بسته، بهترین فرصت برای این کار است و سخنان گهربار پیامبر بهترین هدیه‌ای است که می‌توان در آغاز بهار هدیه همراهان ساخت. نبی مکرم می‌فرماید:

مسلمان به برادرش، بهتر از کلمه‌ای حکمت‌آمیز که بر هدایت او بیفزاید یا او را از سقوط بازدارد، هدیه نمی‌دهد. (۱)

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، هر جا که دل‌های مردم را برای شنیدن آماده می‌دید، سخن می‌گفت؛ چه بر منبر، چه روی زمین و چه سوار بر شتر؛ گاه نیز ایستاده

۱- ورام بن ابی فراس اشتری، مجموعه ورام، تهران، چاپ‌خانه حیدری، ج ۲، ص ۲۱۲

ص: ۱۹

سخنرانی می‌کرد. اگر بر فراز منبر می‌رفت، صورت خود را به طرف مردم می‌کرد و به آنان درود می‌فرستاد و پایان خطابه‌اش با استغفار همراه بود.

همواره محور سخنانش، درود بر خداوند و ستایش او به خاطر نعمت‌هایش، توصیف کمال او، آموزش بنیان‌های اسلام، یادآوری بهشت و دوزخ و سرای واپسین، سفارش به پارسایی و تبیین موارد خشم و خرسندی آفریدگار بود.

چنان شمرده سخن می‌گفت که شنونده می‌توانست واژگانش را بشمارد. همچنین فشرده‌گوترین انسان‌ها بود، ولی در عین ایجاز تمامی آنچه را می‌خواست بگوید، بیان می‌کرد. نه زیاده‌گویی داشت و نه کم‌گویی؛ جمله‌هایش پی در پی بود و میان آنها لحظه‌ای خاموش می‌ماند تا شنونده، سخنانش را دریابد و به خاطر بسپارد.

شیرین‌سخن‌ترین و شیواگوترین مردمان بود و می‌فرمود: «من فصیح‌ترین عربم». باری، بهشتیان به زبان محمد صلی الله علیه و آله سخن می‌گویند. جز به ضرورت

ص: ۲۰

سخن نمی‌گفت و می‌فرمود: «از نشانه‌های دانایی آدمی این است که در مسائل بیهوده، اندک سخن گوید». نه بسیار کم‌سخن بود و نه پرگو. هنگام حرف زدن، دهان را کاملًا باز نمی‌کرد و زمانی که سخن می‌گفت، شنوندگان سرشان را پایین می‌انداختند و چنان آرام بودند که گویا پرنده‌ای بر سرشان نشسته است و چون خاموش می‌شد، آنان حرف می‌زدند. به پُرگویان هشدار می‌داد و می‌فرمود:

هرکه گفتارش بسیار باشد، اشتباهش بسیار شود و کسی که اشتباهش زیاد باشد، گناهانش بسیار گردد و هرکه گناهانش بسیار باشد، دوزخ برای او شایسته‌تر است. (۱)

آن حضرت هیچ‌گاه با نهایت مرتبه عقل و فهم خویش با کسی سخن نگفت و می‌فرمود: «ما پیامبران، مأموریم که با مردم به اندازه عقل و فهم آنان

۱- بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۳۱۸

ص: ۲۱

سخن بگوییم».(۱)

رسول اللَّه صلی الله علیه و آله، نمونه کامل تجلی این هنر و ادب است؛ سخنش عمیق، بامحتوا، زیبا، سنجیده و مختصر بود و اضافه‌گویی و کاستی در سخن ایشان یافت نمی‌شد. آداب سخن را کاملًا رعایت می‌کرد، شمرده و آرام سخن می‌گفت و در گفتارش صراحت لهجه داشت. در سخن گفتن سطح درک و فهم مخاطب را همواره در نظر داشت. او فصیح‌ترین سخن را داشت و لحن سخن او جالب، جذاب و شیرین بود. با صدای کوتاه سخن می‌گفت و کسی را با سخن نمی‌رنجاند. نعمت را هر چند ناچیز، گرامی می‌داشت و از آن بدگویی نمی‌کرد.

سخن از ترسیم سیمای آفتاب است؛ نور و درخشش او چشم‌ها را خیره و دل‌ها را می‌رباید؛ آفتابی که دل و جان هر آزاده‌ای با آن آشناست. این مجموعه، رشحه‌ای از کلمات ناب رسول اللَّه صلی الله علیه و آله

۱- همان، ج ۱۶، ص ۲۸۰

ص: ۲۲

است که از نور محمد صلی الله علیه و آله برگرفته‌ایم و ما تنها وظیفه گوهرنمایی را برعهده داریم. باشد که آیینه کلاممان بتواند عطر وجود پیامبر را از خلال گفته‌های حکمت آموزش، به مشام جان‌ها بیافشاند.

این مجموعه را که با هدف نهادینه‌سازی رهنمودهای پیامبر تهیه شده است و سبزی بهار را در آیینه سخنان رسول اعظم صلی الله علیه و آله می‌جوید، تقدیم زائران ارجمند می‌کنیم؛ باشد که رواق دل‌هایمان با نام و یاد او عطرآگین شود.

ص: ۲۳

آ

آخرت فروشی

بعضـی افراد به دلیل برخورداری از مال و مقام و دیگر ظواهر مادی- که صد البته ناچیز و فانی است- معنویت خود را فدا می کنند و کالای با ارزش ایمان را به قیمت کم می‌فروشـند. اینان پس از مدتی، خود را در این معامله نابرابر، زیان کار می‌بینند و به پشیمانی و عـذاب وجـدان دچار می‌شونـد. آنان به راستی از زیان کارانند. زیان کارتر و بدبخت‌تر از این گروه، کسانی هستند که برای دنیای دیگران، دین خود را می‌فروشـند. اینان به کسانی یاری می‌رساننـد که در روز حساب، یاور آنان نخواهنـد بود. چنین افرادی به دلیل کمک به دنیاپرستان و مسلط کردن آنان بر مردم، گناه بزرگی به گردن خواهند گرفت. پیامبر راستین اسلام می‌فرماید:

ص: ۲۴

إنَّ مِنْ شَرِّ النّاسِ مَنزِلَةً عِنْدَ اللَّهِ یَوْمَ القیامَةِ عَبْدَاً أَذْهَبَ آخِرَتَهُ بِدُنْیا غَیْرِه.(۱)

بدترین مردم از نظر مقام در روز قیامت، کسی است که آخرتش را برای دنیای دیگران بفروشد.

آینده‌نگری در کار

بایـد پیش از انجـام هر کـاری، سود و زیـان مادی و معنوی آن راسـنجید و با مقایسه دریافت که آیا انجام آن کار به سود و صـلاح است یا خیر؟

کسانی که در زنـدگی چنین محاسـبه‌ای را در نظر می‌گیرنـد، نه تنها پشـیمان نخواهنـد شد، بلکه همیشه از نتیجه کار خشـنودند. در حقیقت، هر کـار سـنجیده و حسـاب شـده‌ای به کام‌یابی بسـیار نزدیک است. پس یکی از راه‌های موفقیت در زنـدگی این است که انسان جوانب هر کاری را بسنجد و سود و زیان آن را بررسی کند.

۱- نهج الفصاحهٔ، ش ۹۱۵

ص: ۲۵

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

اذا ارَدْتَ انْ تَفْعَلَ امْراً فَتَدَبَّرْ عاقِبَتَهُ فَانْ کَانَ خَیْرَاً فَامْضِهِ وَ انْ کَانَ شَرَّاً فَانْتَهِ. (۱)

هرگاه خواستی کاری انجام دهی، درباره نتیجه‌اش بیاندیش؛ اگر نتیجه نیک است، انجام بده و اگر بد است، از انجام آن پرهیز کن.

۱- همان، ش ۱۷۱

ص: ۲۶

الف

احترام به حقوق دیگران

همان‌گونه که آدمی دوست دارد دیگران به حق او تجاوز نکنند و احساسش را نادیده نگیرند، خود نیز به حکم وجدان و انسان بودن، وظیفه دارد تا حقوق همه انسان‌ها را محترم شمارد. اگر خدای ناکرده تصمیم گرفتید نسبت به حق کسی بی‌توجهی کنید، شایسته است پیش از اجرای این تصمیم، خود را به جای او قرار دهید و بیاندیشید که آیا اگر او چنین تصمیمی را درباره شما گرفته بود، ناراحت نمی‌شدید؟ به هر حال، بنابر فرمایش رسول گرامی اسلام، انسان باید به فکر آسایش و آرامش هم‌نوعان خود باشد. ایشان می‌فرماید:

احْبِبْ لِلنّاسِ ما تُحِبُّ لِنَفْسِکَ. (۱)

آنچه را برای خود می‌خواهی، برای مردم نیز بخواه.

۱- نهج الفصاحهٔ، ش ۸۷

ص: ۲۷

احترام به هم‌نشینان

انسان بایـد به هم‌نشـینان خود احترام بگـذارد، با آنان برخوردی بی‌تکلف داشـته باشـد و آنان را با بهترین اسم بخواند تا پیوند دینی بین آنان مستحکم‌تر شود.

انسـان بایـد بـا کسـانی هم‌نشـین شـود که هم‌تراز او بوده و از فرهنـگ یکسـانی برخوردار باشـند؛ زیرا هر دسـته و گروهی، رفتـاری متناسب با فرهنگ خود دارنـد و اگر با غیر خود مباشـرت کننـد، به اختلاف و ناسازگاری دچار خواهند شد. بنابراین، برای پایداری دوستی‌ها انسان باید با کسانی معاشرت کند که از نظر دینی و فرهنگی، هم تراز او باشند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این‌باره می‌فرماید:

افْضَلُ الْحَسَناتِ تَكْرِمَةُ الْجُلَساءِ. (۱)

بهترین کارهای نیک، گرامی داشتن هم‌نشنیان است.

همچنین فرموده است:

۱- همان، ش ۳۹۶

ص: ۲۸

لا تَصْحَبَنَّ أَحَداً لایَری لَکَ کَمِثْلِ ماتَری لَهُ. (۱)

با کسی که تو را هم سنگ خود نمی‌داند، هم‌نشینی مکن.

احسان و نیکوکاری

دستگیری از محرومان و کمک به مستمندان، عبادت است و خداوند را خشنود می‌سازد. گاهی صدقه در قالب کمک‌های مالی معنا می‌یابد و خداوند نیز برای صدقه دهنده، پاداش‌های فراوانی را در نظر گرفته است. البته با گسترش مفهوم صدقه، آن را می‌توان به هرگونه ترک آزار دیگران نیز تعمیم داد. اگر کسی سلیم‌النفس باشد و در پی آزار دیگران نباشد، نزد خداوند، ثواب کسی را دارد که به دیگران صدقه داده و در حق آنان احسان کرده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرمود:

تَرْکُ الشَّرِّ صَدَقَةٌ.(۲)

ترک کردن بدی، صدقه است.

۱- همان، ش ۲۴۶۱

۲- تحف العقول، ص ۵۷

ص: ۲۹

ارزش علم و عبادت

از دیر زمـان ایـن پرسـش مطرح بـوده اسـت که علم برتر است یـا عبـادت؟ نشسـتن در حلقه علمی بهـتر است یـا پرداختن به تکلیف عبادی؟ بایـد دانست که در عبادت، انسان فقط به خود می‌رسـد، ولی دانش، هم فایـده فردی دارد و هم سود اجتماعی. البته دانشـی مورد تأیید اسـلام است که به حال فرد و جامعه، مفید باشد. دانشـی که فایده‌ای نداشـته باشد یا متضـمن زیانی باشد، از گردونه این مقایسه خارج است. دانش می‌توانـد بشـر را به تکنولوژی برتر برسانـد و نیز می‌توانـد زمینه‌ساز وارد آمـدن زیان‌های جبران‌ناپـذیری برای جامعه انسانی باشد. نمونه آن در ساختن سلاح‌های میکروبی، شیمیایی یا بمب‌های اتمی و هیدروژنی به خوبی نمایان است.

در کنار این نباید از یاد ببریم که بسـیاری از پیشـرفت‌های بشـر در پرتو دانش صورت گرفته است. پیامبر ارجمند اسـلام درباره وزن علم و عبادت می‌فرماید:

ص: ۳۰

فَضْلُ الْعِلْمِ احَبُّ الَیَّ مِنْ فَضْلِ الْعِبادَةِ وَ افْضَلُ دِینِکُمُ الْوَرَعُ. (۱)

فضیلت علم نزد من از فضیلت عبادت محبوب‌تر است و برترین دستور دین شما، پرهیزگاری و پارسایی است.

ارزش هدایت دیگران

هدایت دیگران و بازداشتن آنان از انحراف، یکی از بزرگ‌ترین وظایف انسان است. برخی می‌پندارند این مهم را تنها یک دانشمند یـا عالم دینی بایـد انجام دهـد، در حالی که چنین نیست و همه اعضای جامعه اسـلامی بایـد برای انجام آن بکوشـند. چه بسا با یک رفتار سنجیده یا سخن منطقی، آینده روشنی برای یک فرد یا خانواده و در نتیجه، جامعه رقم بخورد.

همه روزه، حوادث گوناگونی رخ می‌دهد که اگر افراد در آن مسئله پا در میانی کنند، ممکن است به راه‌های تاریک کشیده نشود. بسیار اتفاق می‌افتد که

۱- تحف العقول، ص ۴۱

ص: ۳۱

پس از رخ دادن حادثه‌ای، انسان خود را ملامت می‌کند که چرا در راه صلح و سازش و هدایت دیگران گامی برنداشته است. پیامبر بزرگوار اسلام در این باره می‌فرماید:

لَانْ یَهْدِیَ اللَّهُ عَلی یَدَیْکَ رَجُلًا خَیرٌ لَکَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَیْه الشَّمْسُ وَ غَرَبَتْ. (۱)

اینکه خداوند به دست تو، شخصی را هدایت کند، از همه چیزهایی که خورشید بر آن طلوع و غروب می‌کند، برای تو بهتر است.

استبداد رأی

استبداد رأی، نشانه خودخواهی و یکی از صفات ناپسند اخلاقی است. دارنده این صفت، انتظار دارد که دیگران حتماً سخن او را بپذیرند و بی‌چون و چرا اجرا کنند. این‌گونه افراد به دلیل انتظار پوچ و بی‌اساس خود، بیشتر با ناکامی روبه‌رو می‌شوند و مردم به آنان، پاسخ مثبت نمی‌دهند. به‌طورکلی،

۱- نهج الفصاحه، ش ۲۲۱۶

ص: ۳۲

نفس سلیم انسانی در برابر زورگویی‌ها، واکنش منفی نشان می‌دهد و هرگز زیر بار تحمیل و اجبار نمی‌رود. شایسته است که افراد، از دیگران انتظار بی‌جا نداشته باشند و خود را با واقعیت‌های موجود، سازگار سازند. پیامبر گرامی اسلام در نکوهش این خصلت ناپسند می‌فرماید:

... وَ کَفی بِالْمَرْءِ جَهْلًا إِذا أَعْجَبَ بِرَأْیِهِ. (۱)

... در گمراهی شخص همین بس که به رأی خود مغرور شود.

استفاده از تجربه‌های دیگران

برخی انسان‌ها با زیرکی و حسابگری ویژه خود، از تجربه‌های دیگران بهره می‌برند. بسیار اتفاق می‌افتد که افراد در کوتاه‌ترین زمان ممکن به کمک تجربه‌های دیگران به مسائل جدیدی دست می‌یابند، در حالی که اگر به خود متکی بودند، برای رسیدن به آن، باید زمان زیاد و هزینه‌های هنگفت

۱- نهج الفصاحهٔ، ش ۲۱۲۹

ص: ۳۳

صرف می‌کردند. بنابراین، انسان می‌تواند با استفاده از تجربه‌های ارزنده دیگران که حاصل سال‌ها رنج و تلاش آنان است:

الف) کاستی‌های تجربه گذشتگان را برطرف کند.

ب) به تجربه‌های تازه و غیرمنتظره‌ای دست یابد.

انسان می‌تواند از اندوخته‌های جمعی دیگران، بیشترین بهره را ببرد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این‌باره می‌فرماید:

... لا حَکیمَ إلّا ذُو تَجْرِبَهٍ. (۱)

... آن کس که تجربه نیاندوزد، خردمند نیست.

اظهار خوشحالی از گناه

برخی پس از انجام دادن گناه، از کار خود شرمنده و پشیمان می‌گردند و همین پشیمانی سبب می‌شود که به خدا روی آورند و دیگر به گناه آلوده نشوند. آنان می‌کوشند تا دیگران هرگز از کارشان باخبر نشوند.

۱- همان، ش ۲۴۹۱

ص: ۳۴

در مقابل، عده‌ای دیگر چنان پرده حیا را دریده‌اند که بدون هیچ نگرانی، دیگران را از کار زشت خود آگاه و حتی از آن، احساس خوشحالی می‌کنند. بی‌تردید، این افراد که در ردیف بدترین انسان‌ها قرار می‌گیرند و در برابر آیین انسان‌ساز اسلام که به پرده‌پوشی گناه دستور داده است، ایستاده‌اند، به عقوبتی دردناک دچار می‌شوند. پیامبر گرامی اسلام در هشداری آموزنده می‌فرماید:

مَنْ أَذْنَبَ وَ هُوَ یَضْحَکُ دَخَلَ النّارَ وَ هُوَ یَبْکی. (۱)

هر که گناه کند و خندان باشد، در حالی که گریان است، وارد آتش می‌شود.

اظهار کردن حق

بسیاری از انسان‌ها با اینکه حق را تشخیص می‌دهند، ولی از بیان صریح و آشکار آن خودداری می‌کنند. این گریز از ادای حق و حقیقت، دلایل

۱- نهج الفصاحهٔ، ش ۲۹۵۹

ص: ۳۵

گوناگونی دارد. گاهی برای تضییع حقوق دیگران است. زمانی، به خاطر رنجشی است که از طرف مقابل دارند و می‌خواهند بدین وسیله، او را ناراحت کنند و مایه آرامش خود را فراهم آورند. گاهی هم ممکن است با اینکه در قلب، تمایل خاصی به ادای حق دارند، ولی ابهت و قدرت زورمندان، آنان را از بیان واقعیت بازمی‌دارد. این در حالی است که بر اساس آموزه‌های آزادی‌بخش اسلام، هر انسان مسلمان و آزاده‌ای وظیفه دارد به کمک مظلوم بشتابد. رسول آزادمردان جهان می‌فرماید:

لا تَمْنَعَنَّ احَدَكُمْ مَهابَةُ النّاسِ أنْ يَقُومَ بِالْحَقِّ إذا عَلِمَهُ. (۱)

مبادا ابهت مردم، شما را از اقامه حقّی که از آن آگاهید، باز دارد.

امیدواری به رحمت خداوند

در هیچ حال، نباید از بخشش خداوند بزرگ ناامید شد. ممکن است گناه فرد، بسیار بزرگ باشد، ولی

۱- همان، ش ۲۴۸۸

ص: ۳۶

هرگز نمی‌توان از رحمت پروردگار بزرگ و بخشنده قطع امید کرد. گناه هر قدر بزرگ باشد، هرگز از رحمت بی‌پایان الهی بزرگ‌تر نیست. ازاین‌رو، ناامیدی از رحمت خداوند، گناهی بزرگ شمرده شده است. پس انسان مسلمان باید در خوف و رجا باشد. از یک سو، به آمرزش الهی امیدوار باشد و از سوی دیگر، از گناه خود بترسد و به توبه و استغفار روی آورد. باشد که درهای رحمت حضرت حق بر وی گشوده شود و مورد آمرزش قرار گیرد. پیامبر بزرگ اسلام می‌فرماید:

أَلفاجِرُ الرّاجی لِرَحْمَةِ اللَّهِ تَعالی أَقْرَبُ مِنْها مِنَ الْعابِدِ الْمُقْنِطِ. (۱)

بدکاری که به رحمت خدا امید دارد، از عابد ناامید، به خدا نزدیک‌تر است.

۱- همان، ش ۲۰۶۲

ص: ۳۷

ب

بازگشت

به جز معصومین علیهم السلام، هیچ کس از گناه ایمن نیست.

افراد عـادی کم و بیش بر اثر غفلت و ناآگـاهی گنـاه می‌کننـد و از یاد می‌برنـد که عالم محضـر خـداست و آدمی نبایـد در حضور خداوند، چنین جسارتی کند.

با این حال، چه بسـیارند کسانی که توفیق زبانی شامل حالشان می‌شود و از کرده خود پشـیمان و به پاك‌سازی دل مشغول می‌شوند. آنـان در تلاشـند بـا دلی پـاك و روانی آرام از جهـان خـاکی به سوی ملکوت اعلا پر بگشاینـد. اینان آن گاه که بر اثر وسوسه‌های شیطانی، دامن خود را به گناه می‌آلاینـد، از خدا اسـتغفار می‌جویند و رنج توبه را بر خود هموار می‌سازند. این حالت، اعتقاد راسـخ آنـان به معـاد و جهان آخرت را نشان می‌دهـد. وقتی انسان در برابر دیـدگان همیشه بیـدار خداونـد، گناه کرد و فقط او از آن آگاه شد، سپس احساس شرمندگی به او

ص: ۳۸

دست داد و با رنـج عبادت و اشک دیـدگان، در صـدد جبران لغزش‌ها برآمـد، خداونـد نیز او را شامل رحمت خود می‌کنـد و از او درمی‌گذرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ترغیب به توبه و بازگشت می‌فرماید:

طُوبی لِصُورَةٍ نَظَرَ اللَّهُ الَیهَا تَبْکِی عَلیَ ذَنْبٍ لَمْ یَطَّلِعْ عَلَی ذَلِکَ الذَّنْبِ احَدٌ غَیْرُ اللَّهِ. (۱)

چه خوش است صورتی که خداوند به آن نظر افکند و بر گناهی که کسی جز خداوند از آن آگاه نیست، گریه می‌کند.

بدترین فقر

نادانی، بیماری درمان ناپذیری است. نادان استقلال فکری ندارد و مانند بید، با هر بادی به سویی می‌چرخد. همیشه چشم به دیگران دوخته است تا برای او تصـمیم بگیرنـد و در این میان نمی‌دانـد که مسیر هـدایت را می‌پیماید یا راه گمراهی را؛ زیرا این موضوع را راهنمایی نادان مشخص می‌کند. اگر

۱- تحف العقول، ص ۸

ص: ۳۹

انسانی عاقل و باتدبیر راهنمای او شود، مسیر نور و روشنایی نصیب او می گردد. در غیر این صورت، از گمراهان خواهد بود. داوری‌های نادان، غلط؛ اظهار نظرهای او، نادرست؛ گفتارش، متناقض و کردارش، نامبارک است.

چنین انسانی تا مرز سعادت و نیک‌بختی بسیار فاصله دارد. اگر به سوی بصیرت و دانایی نرود، در دنیا و آخرت چون کوران، خواهد زیست. پیامبر اسلام درباره فقر فرهنگی این افراد می‌فرماید:

یَا عَلِیُّ! انَّهُ لا فَقْرَ اشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ.(۱)

ای علی! همانا فقری سخت‌تر از نادانی نیست.

بدگویی در غیاب افراد

بدگویی و غیبت از عادت‌های بسیار ناپسند است.

شخص بدگو و غیبت‌کننده، در غیاب دیگران درباره آنان سخنانی می گوید که ایشان را ناراحت می کند.

ازاین‌رو، همواره از آشکار شدن سخن خود، در رنج

۱- تحف العقول، ص ۶

ص: ۴۰

و هراس به سر می‌برد تا مبادا چهره منافقانه‌اش پدیدار شود. این ناپسندترین برخورد با دوستان است که در غیاب آنان، اسرارشان را هویـدا کنیم یا به بدگویی از ایشان بپردازیم. آیا بهتر نیست که انسان، مراقب کردار خود باشد و به دیگران احترام گذارد تا خود نیز محترم باشد. پیامبر گرامی اسلام درباره معیار غیبت می‌فرماید:

ما کَرِهتَ أَنْ تُواجِهَ بِهِ اخاکَ فَهُوَ غیبَتُهُ. (۱)

هر چیزی را که دوست نداری روبه‌روی برادر خویش اظهار کنی، غیبت است.

بدهکاری در اثر قرض‌های نابجا

انسان گاهی در زنـدگی خود به کمک مالی دیگران نیاز پیـدا می‌کنـد. پس باید نیازهای اساسـی خود را از راه «قرض الحسـنه» که یک سنّت اصیل اسلامی است، برآورده کند. با این حال، متأسفانه بعضی افراد در بسیاری از مسائل جزئی، به سوی این و آن دست

۱- نهج الفصاحه، ش ۲۶۵۵

ص: ۴۱

نیاز دراز می‌کنند و در جاهایی که ضرورت چندانی ندارد، خود را مدیون و بدهکار می‌سازند. آدمی‌باید خویشتن‌دار باشد و بکوشد مقروض دیگران نشود؛ زیرا ممکن است شخصیت والای انسانی او به دلیل تأخیر در بازپرداخت بدهی خدشه‌دار شود. پیامبر بزرگوار و عزیز اسلام می‌فرماید:

ایّاکُمْ وَ الدَّیْنَ فَإِنَّهُ هَمٌّ بِاللَّیْلِ وَ مَذلَّةٌ بِالنَّهارِ.(۱)

از قرض کردن بپرهیزید؛ زیرا غم شب و ذلت روز است.

برادران الهی

تنها دوستانی ارزشمندند که انسان را در مسیر صحیح هدایت کنند و از گرداب‌های انحراف، نجات بخشند. چنین دوستانی، حافظ دین و ایمان انسان هستند و او را در گرفتاری‌های زندگی یاری خواهند کرد. باید بکوشیم با افرادی که از کردار و گفتارشان، عطر الهی برمی‌خیزد، طرح دوستی

۱- نهج الفصاحهٔ، ش ۹۹۰

ص: ۴۲

بریزیم. افزون بر آن، خود نیز باید به اخلاق الهی آراسته باشیم تا در شمار کسانی درآییم که پیامبر رحمت و مدارا، آنان را می‌ستاید. ایشان می‌فرماید:

خِیارُکُمْ مَنْ ذَکَّرَکُمْ بِاللَّهِ رُؤْیَتُهُ وَ زادَ فِی عِلْمِکُمْ مَنْطِقُهُ وَ رَغَّبَکُمْ فِی الْآخِرَةِ عَمَلُهُ. (۱)

بهترین شما آن کس است که دیدار او، خدا را به یاد شما آورد و سخنانش، بر دانش شما بیافزاید و رفتارش، شما را به آخرت، مشتاق سازد.

بهترین کردار

ترک محرمات و انجام واجبات، راه دست‌یابی به کمال و اطاعت از ذات الهی است. در کنار این اعمال عبادی و دوری از گناهان، آدمی باید قناعت پیشه کند و به روزی تقسیم شده الهی راضی باشد.

حرص و طمع از موانع کمال آدمی هستند و انسان کمال‌جو، در دام آنها اسیر نمی‌شود. مگر نه این

۱- همان، ش ۱۴۷۸

ص: ۴۳

است که خداوند پیش از تولد کودک، روزی ا و را از پیش مهیا ساخته است و در اعماق دریاها و اوج آسمان‌ها هیچ جنبنده‌ای را بی‌غذا رها نمی‌سازد.

پس چگونه انسان مؤمن در غم روزی فرو می‌رود و به هزاران ترفند دست می‌زند تا نصیب و بهره‌ای بیشتر عایدش شود. چگونه خاطر آسوده نداریم و در آرامش نباشیم وقتی که آفریننده‌ای مهربان، ناظر بر احوال بندگان است؟ آیا بهتر نیست که برای دست‌یابی به زندگی زودگذر، زیر بار منت و تملق نرویم و در هر حال، عزت و کرامت خویش را حفظ کنیم. به راستی که آزادگان از جیفه دنیا و از بند تعلق آزادند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

احَبُّ الْعَمَلِ الَی اللَّهِ ثَلاثُ خِصالٍ: مَنْ اتَی اللَّهَ بِمَا افْتَرَضَ عَلَیْهِ فَهُوَ مِنْ اعْبَدِ النَّاسِ وَ مَنْ وَرَعَ عَنْ مَحارِمِ اللَّهِ فَهُوَ مِنْ اوْرَعِ النَّاسِ وَ مَنْ قَنَعَ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ فَهُوَ مِنْ اغْنَی النَّاسِ. (۱)

۱- تحف العقول، ص ۷

ص: ۴۴

بهترین کارها نزد خـدا، سه کار است: انجام دادن واجبات و کسـی که واجبات خود را به جا بیاورد، از عابدترین مردم است؛ دوری از گناهان و هر کس از محرمات اجتناب کنـد، از پارساترین مردم است؛ قناعت به داده خدا و شخصـی که به روزی خدا قانع باشد، از بی‌نیازترین مردم است.

بی‌احترامی به والدین

پـدر و مـادر حق بزرگی بر انسـان دارنـد؛ زیرا حیات و هستی انسان‌ها، مرهون وجود والـدین است و خـدمات شـبانه‌روزی فرزنـدان نمی‌توانـد ذره‌ای از تلاـش خالصـانه و بی‌دریغ آنـان را پاسخ‌گو باشـد. چه بسـیار ناپسـند است اگر انسـانی که توان کوچـک‌ترین حرکتی را نداشت و با مراقبت و نگه‌داری والدین، به دوران شـکوفایی و جوانی رسـیده است، با ناسپاسـی و نمک‌نشناسی به والدین ناسزا بگوید و مایه رنجش خاطر آنان گردد. ادب و انسانیت اقتضا می‌کند که دست کم اگر نمی‌توانیم تلاش‌های

ص: ۴۵

طاقت‌فرسـای آنـان را ارج بنهیم، با آزار دادن و بی‌حرمتی به والـدین، خود را گرفتار عـذاب و نفرین الهی نسازیم. پیامبر رحمت در کلامی گران‌سنگ می‌فرماید:

مَلْعُونٌ مَنْ سَبَّ أَبَاهُ مَلْعُونٌ مَنْ سَبَّ أُمَّهُ. (۱)

کسی که به پدر و مادرش ناسزا گوید، ملعون است.

۱- نهج الفصاحه، ش ۲۷۴۴

ص:۴۶

ص: ۴۷

پ

پرحرفی

انسان‌های پُرگو، مخزن سخنان پوچ و بی‌ارزشند.

آنان برای اینکه رشته سخن را از دست ندهند، می‌کوشند بی‌اندیشه و ناسنجیده، مطالبی را بر زبان آورند. بدین ترتیب، شنوندگان نه تنها به سخنان او توجه نمی‌کنند، بلکه با ناراحتی و تنفر، هر لحظه منتظرند که سخنان او پایان پذیرد تا دمی بیاسایند. از آن پس نیز سعی می‌کنند که از هم‌نشینی با او بپرهیزند.

بنابراین، انسان باید در سخن گفتن، اعتدال را رعایت کند تا به لغزش دچار نشود و دل‌زدگی دیگران را فراهم نسازد. پیامبر ارجمند اسلام می‌فرماید:

مَنْ کَثُرَ کَلامُهُ کَثُرَ سَقَطُه. (۱)

هر کس کلامش زیاد باشد، لغزشش نیز زیاد می‌شود.

۱- همان، ش ۲۷۵۱

ص: ۴۸

همچنین می‌فرماید:

نِعْمَ الْهَدِیَّةُ الْکَلِمَةُ مِنْ کَلامِ الْحِکْمَةِ. (۱)

چه نیکو هدیه‌ای است یک گفتار حکمت‌آموز.

پرخوری

بعضـی افراد گمان می‌کنند هر چه بر سر سـفره گذاشـته‌اند، برای مصرف است و با تلاش و اصرار زیاد می‌خواهند آن را میل کنند. در حالی که این کار، سرآغاز بسیاری از بیماری‌ها و بر خلاف توصیه‌های ائمه معصومین علیهم السلام است. آن بزرگواران تأکید دارنـد پیش از سیری کامل و با وجود داشتن اشتها به غـذا، از سر سـفره برخیزید. بسیاری از اوقات، با اینکه پزشکان، افراد را از خوردن غـذای بیش از حـد منع می‌کننـد، بـاز می‌بینیم که آنـان نمی‌تواننـد از اشـتهای کـاذب خود جلوگیری کننـد. در نـتیجه، به بیماری‌های دیگری دچار می‌شوند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در بیان

۱- همان، ش ۳۱۳۲

ص: ۴۹

زیان‌های پرخوری می‌فرماید:

مَنْ قَلَّ طَعْمُهُ صَحَّ بَدَنُهُ وَ مَنْ کَثُرَ طَعْمُهُ سَقُمَ بَدَنُهُ وَ قَسا قَلْبُهُ. (۱)

هر کس کم بخورد، بدنش سالم می‌ماند و هر کس زیاد بخورد، بدنش بیمار و قلبش پر قساوت خواهد شد.

پرخوری و سخت دلی

کسانی که به پرخوری عادت دارنـد، از کارهای عبادی و وظایف معنوی خود باز می‌ماننـد؛ زیرا پرخوری، امکان هرگونه فعالیتی را از آنان می گیرد.

در این صورت، به تدریـج در چنگال انواع بیماری‌های جسـمی و روحی گرفتار می‌شونـد و سـلامتی خود را از دست می‌دهند. نبود سلامتی نیز قدرت اندیشیدن را از آنان می گیرد. افزون بر این، ممکن است بعضی افراد، برای سیر کردن خود، به هر حلال و حرامی پناه ببرند. بدین ترتیب باید منتظر عذاب الهی باشند. پیامبر اسلام می‌فرماید:

۱- همان، ش ۲۷۷۹

ص: ۵۰

مَنْ تَعَوَّدَ کَثْرَةَ الطَّعامِ وَالشَّرابِ قَسا قَلْبُهُ. (۱)

هر کس به پرخوری عادت کند، سخت دل می‌شود.

پرده‌پوشی

چون انسان معصوم نیست، ممکن است در طول زندگی مرتکب گناه یا اشتباهی شود که هر چند از نظرگاه الهی دور نمی‌ماند، ولی دوست ندارد اسرارش در بین مردم، آشکار و رسوای عام و خاص شود. بنابراین، اگر انسان از اعمال پنهانی کسی آگاه شود، اجازه ندارد آن را آشکار کند؛ زیرا سبب لکه‌دار شدن حیثیت و آبروی آن فرد می‌شود و چه بسا وی گستاخ‌تر شود و حتی آشکارا به کارهای بدتر دست یازد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره حفظ اسرار دیگران می‌فرماید:

لا تَخْرِقَنَّ عَلی احَدٍ سِتراً. (۲)

هرگز پرده اسرار دیگران را نَدرید.

۱- نهج الفصاحهٔ، ش ۲۷۷۶

۲- همان، ش ۲۴۳۱

ص: ۵۱

پرسش قیامت

یکی از نام‌های قیامت، «یوم الحساب» است. در این روز، انسان بایـد پاسخ گوی گفتار و رفتار خود باشد، هرچند خداوند از نهان و پنهـان مـا آگـاه است. در این روز، از سـرمایه عمر انسـان می‌پرسـند و از اینکه عمر گران‌مـایه را در چه راهی به کار گرفته است. از بهترین دوران عمر که می‌توانـد بار و بنه فراوان برچینـد (یعنی جوانی) می‌پرسـند که چگونه از بهار عمر، بهره‌برداری کرده است. از مـالش می‌پرسـند که آن را از چه راهی به دست آورده و در چه طریقی مصـرف کرده است. در پایـان نیز می‌پرسـند که آیـا عشق و محبت اهـل بیت علیهم السـلام را در تار و پود وجود خود تنیـده یا از آن فاصـله گرفته و جاده گمراهی را پیموده است. به هر حال، سعادت و شقاوت هر کس در گرو پاسخی است که در چنته دارد. پیامبر خدا، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

لا تَزُولُ قَدَما عَبْدٍ یَوْمَ الْقِیَامَةِ حَتی یُسْأَلَ عَنْ

ص: ۵۲

اَرْبَعٍ: عَنْ عُمْرِهِ فِيما افْناهُ وَ عَنْ شَبابِهِ فيما ابْلاهُ وَ عَنْ مالِهِ مِنْ ايْنَ اكْتَسَبَهُ وَ فِيمَا انْفَقَهُ وَ عَنْ حُبِّنا اهْلِ الْبَيْتِ. (۱)

روز قیامت، هیچ بنده‌ای قدم از قدم بر نمی‌دارد تا اینکه چهار چیز از او پرسیده شود:

از عمرش که در چه کاری آن را گذرانده است؛ از جوانی‌اش که در چه کاری آن را صرف کرده است؛ از مالش که آن را از کجا به دست آورده و در چه موردی خرج کرده است و از محبت ما اهل بیت.

پرسش‌گری

اساساً هر پرسشی که از اهل آن پرسیده شود، بر دانسته‌های آدمی افزاید و درجه‌ای هم نزد خالق هستی می‌یابد. اگر انسان رنج پرسیدن را بر خود هموار کند، در پرتو نور و روشنایی دانش، آرامش می‌یابد. پرسیدن، عیب نیست و چیزی از مقام و

۱- بحارالانوار، ج ۷، ص ۲۵۸؛ ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۵

ص: ۵۳

مرتبه او نمی‌کاهد، بلکه ندانستن، عیب است. آدمی هیچ‌گاه نباید به خاطر حیای نابجا، لذت دانستن را از دست بدهد. پس شایسته است در هر موقعیتی، پرسش‌های خود را با عالمان مطرح کنیم.

پرسش می‌تواند منشأ علم و کمال شود و اسلام هم همگان را به پرسشگری فرا می‌خواند، ولی پرسش‌های نهفته در ذهن آدمی، کارگشا نیست.

عیب‌های آدمی با پرسشگری رفع و با هر پرسشی، گنجینه دانش دانشمندان به سوی دیگران گشوده می‌شود و آنان شایسته برخورداری از پاداش معنوی می‌شوند. چه بسا افراد دیگری نیز همین پرسش را دارند که با پاسخ عالم، جان خویش را از جام دانش سرشار می‌سازند. بر این اساس، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

الْعِلْمُ خَزائِنُ وَ مَفَاتِيحُهُ السُّؤالُ، فَاسْأَلُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَانَّهُ تُؤْجَرُ ارْبَعَةٌ: السَّائِلُ وَ الْمُتَكَلِّمُ وَ الْمُسْتَمِعُ وَ الْمُحِبُّ لَهُمْ. (۱)

۱- تحف العقول، ص ۴۱

ص: ۵۴

دانش، گنجینه‌ها و پرسیدن کلیدهای آنها است. پس بپرسید. خدا رحمت کند شما را؛ زیرا در این بین، چهار نفر پاداش می‌برند: پرسنده، پاسخ گو، شنونده و دوستدار آن.

پرهیز از نجوا

اگر خواستیـد سـخنی خصوصـی را به کسـی بگوییـد، سـعی کنیـد گفت‌وگوی‌تان در حضور دیگران، نجواگونه نباشد؛ زیرا در این حـالت، اطرافیـان می‌پندارنـد دربـاره آنان صـحبت می‌کنیـد یا اینکه شـما، آنان را غریبه فرض کرده و سـخن‌تان را با ایشان در میان نگذاشته‌اید. در نتیجه، بدگمانی پدید می‌آید و رشته محبت و دوستی از هم گسیخته خواهد شد.

شایسـته است از گفت‌وگوهای خصوصـی در حضور دیگران بپرهیزیم تا زیان‌های روحی به دیگران وارد نیاید. پیامبر گرامی اسـلام نیز در هشداری می‌فرماید:

اذا کانُوا ثَلاثَةً فَلا یَتَناجی إِثْنان دُونَ الثّالِثِ. (۱)

۱- نهج الفصاحهٔ، ش ۲۳۵

ص: ۵۵

وقتی سه تن با هم هستند، دو نفرشان جدا از سومی نجوا نکنند.

پشتکار

بعضـی افراد با اینکه هوش و اسـتعداد کافی دارند و زمینه‌های رشد و تعالی نیز برای آنان فراهم است، ولی پیشرفت چندانی ندارند. این ناکـامی بیشتر به دلیـل نداشـتن همت و پشـتکار کـافی است. در مقابـل، افراد بی‌اسـتعدادی را می‌بینیم که بـا پشـتکار و تلاش و پی‌گیری همه جانبه به بهترین موفقیت‌ها دست می‌یابنـد. باری، آدمی با پشـتکار می‌تواند بسـیاری از ضـعف‌ها و ناتوانی‌های خود را جبران کند و به پیروزی‌های عالی دست یابد. رسول اللَّه صلی الله علیه و آله در تشویق به پی‌گیری و تلاش می‌فرماید:

مَنْ یُدِمْ قَرْعَ الْباب یُوشَکُ أنْ یُفْتَحَ لَهُ. (۱)

هر کس به کوفتن در ادامه دهد، در را به سوی

۱- همان، ش ۳۰۶۵

ص: ۵۶

او بگشایند.

پناهگاه نیازمندان

بعضی از انسان‌ها نزد مردم جایگاهی بس ارزشمند دارند و مردم در رفع مشکلاتشان به سوی آنان می‌شتابند. این توفیقی ربّانی است که شامل حالشان شده است تا گشایشگر گره‌های کور زندگی دیگران باشند. زمانی که به این اشخاص مراجعه می‌کنیم، با نهایت احترام و عزّت با دیگران برخورد می‌کنند، به گونه‌ای که فرد احساس حقارت نمی‌کند، بلکه آنان را چون برادرانی مهربان می‌بیند. این بزرگواران، بی‌اعتنا از کنار مشکلات دیگران نمی‌گذرند، بلکه خود به سویشان می‌شتابند و رنج سؤال را از دوش آنان برمی‌دارند. آنان از کمک به دیگران شادمانند و رفع خواسته‌های دیگران را تحفه‌ای رحمانی می‌شمارند. چه سعادتی از این بهتر که آدمی، پناه‌گاهی برای دیگران باشد؛ تکیه‌گاهی مطمئن که خود به پناه‌گاهی قدرتمند پیوسته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره چنین انسان‌هایی می‌فرماید:

انَّ لِلَّهِ عِباداً یَفْزَعُ الَیْهِمُ النَّاسُ فِی حَوائِجِهِم، اولئِکَ هُمُ الْآمِنُونَ مِنْ عَذابِ اللَّهِ یَوْمَ

ص: ۵۷

الْقِیامَهِٔ. (۱)

خداوند بندگانی دارد که مردم در نیازمندی‌ها و مشکلاتشان‌به آنان مراجعه می‌کنند و پناه‌می‌برند.

آنان در روز قیامت از عذاب خدا ایمن هستند.

پندآموزی از درگذشتگان

رفتن به گورستان و اندیشیدن درباره فرجام کار، انسان را متوجه سرنوشت آینده خود می‌کند و با اندکی تأمل، پی می‌برد که دوران خوشی‌ها و ناخوشی‌ها به سرعت ابر و باد در گذر است. باری، آنچه انسان را به سعادت و سربلندی می‌رساند، رفتار نیک اوست. پس نیکوست که از گذر ایام و سرگذشت مسافرانی که به سرای آخرت شتافته‌اند، عبرت گیریم و خود را برای این سفر خطیر آماده کنیم. پیامبر بزرگوار اسلام درباره اهمیت پندآموزی از درگذشتگان می‌فرماید:

اطَّلِعْ فِی الْقُبُورِ وَ اعْتَبِرْ بِالنُّشُورِ. (۲)

در قبرها بنگر و از روز رستاخیر پند بگیر.

۱- تحف العقول، ص ۵۲

۲- نهج الفصاحه، ش ۳۳۰

ص: ۵۸

پند و اندرز

هیچ کس نباید خود را از نصیحت بی‌نیاز بداند. چه بسا بزرگانی که به دلیل بی‌توجهی، دچار لغزش می‌شوند، به راهنمایی نیاز دارند. در حکومت اسلامی، مسئولان ارشد و عالی رتبه نیز باید خود را از اشتباه مصون ندانند و در همه حال، پذیرای راهنمایی اهل منطق باشند. همچنین اگر مردم، سیاست‌مداران یا حاکمان خود را در لغزش و اشتباه ببینند، باید به نصیحت آنان بپردازند. بنابراین، همگان وظیفه دارند تا با نصیحت یکدیگر، راه از چاه باز شناسند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

اذا وَجَدَ أَحَدُکُمْ لِاخیهِ نُصْحاً فِی نَفْسِه فَلْیَذْکُرْهُ لَهُ. (۱)

اگر کسی برای برادر خود نصیحتی در خاطر می‌یابد، باید به او بگوید.

۱- همان، ش ۲۴۵

ص: ۵۹

ت

تأخیر در انجام کار

یکی از ویژگی‌های انسان‌های سست اراده این است که با وجود آگاهی از ارزش فرصت‌های زمانی، انجامِ کارها را به فردا حواله می‌دهند و گاهی تا هفته‌ها، ماه‌ها و سال‌ها از انجام آن خودداری می‌کنند. تأخیر در کار، هیچ توجیهی ندارد و در پایان نیز خود وی زیان می‌بینند؛ زیرا فرصت‌ها هیچ‌گاه تکرار نمی‌شود. گاهی هم کارها چنان انباشته می‌شود که به هیچ وجه نمی‌توان آنها را انجام داد. بر این اساس، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در توصیه‌ای نیکو می‌فرماید:

لا تَدَعَنَّ حَقّاً لِغَدٍ فَانَّ لِكُلِّ يَوْمٍ ما فِيهِ. (۱)

کاری را برای فردا مگذار؛ زیرا هر روزی را کاری هست.

۱- همان، ش ۲۴۳۳

ص: ۶۰

تحقیر دیگران

هر انسانی برای خود احترام قائل است و هرگز نمی‌خواهد دیگران، او را تحقیر کنند. چگونه انسان مسلمان حاضر می‌شود روح و روانِ برادر دینی خود را آزرده سازد؟ به راستی، انسانی که شخصیت والا ـ و روحی لطیف و پاک دارد، هرگز حاضر نیست به دیگران اهانت کند و آنان را بی‌ارزش و حقیر سازد. چنین کاری، مخالفت صریح با دستور پیامبر اسلام است که می‌فرماید:

أَذَلُّ النّاسِ مَنْ اهانَ النّاسَ. (۱)

خوارترین مردم کسی است که به مردم اهانت کند.

تدبیر و خویشتن‌داری

انسان درصورت از دست دادن روحیه خود، روز به روز و لحظه به لحظه در منجلاب تباهی‌ها فرو خواهد رفت. بی‌تردید، اگر انسان به خود تلقین کند

۱- همان، ش ۲۵۰

ص: ۶۱

که نیروی فوق‌العاده‌ای دارد و می‌تواند با تلاش و پشتکار و همت بلند خویش بر ناکامی‌ها چیره شود، به پیروزی‌های چشم‌گیری دست خواهد یافت.

برعکس، اگر خود را کوچک شمارد، در برابر کوچک‌ترین مشکلی، تاب مقاومت را از دست می‌دهد و شکست را پذیرا خواهد شد. پس بکوشیم به کمک همت بلند انسانی، با نابسامانی‌ها و حوادث به مبارزه برخیزیم و خویشتن‌دار باشیم. پیامبر گرامی اسلام دراین‌باره فرموده است:

لاعَقْلَ کَالتَّدْبیرِ وَ لاوَرَعَ کَالْکَفِّ. (۱)

عقلی، مانند تدبیر و تقوایی چون خویشتن‌داری نیست.

ترویج فساد

بنیان‌گذار هر مکتب و ایده‌ای، عامل اساسی در ترویج آن سنت و ایده است. چه بسا کسانی که مکتبی را تأسیس و در طول تاریخ، افراد زیادی از آن

۱- همان، ش ۲۵۰۴

ص: ۶۲

مکتب پیروی می‌کنند. این اشخاص ممکن است سنت نیکویی را پایه‌گذاری کنند یا راه غلطی را به دیگران رهنمون شوند. بی‌شک، هر ایده‌پردازی به پیروانی نیاز دارد که افکار او را تبلیغ کنند و آن را در میان مردم رواج دهند. افرادی که فکر نادرست یا کردار زشتی را در میان دیگران رواج می‌دهند، در فرهنگ‌سازی غلط، نقش فراوانی دارند. آنها می‌کوشند تا روز به روز افراد دیگری را در مسیر راه و رسم نادرست هم‌فکران خود قرار دهند و آنان را از جاده سلامت خارج سازند. اگر نبود تلاش‌های این افراد، هیچ‌گاه آن‌گونه که باید و شاید، آن ایده یا فکر نادرست در میان دیگران نهادینه نمی‌شد. پس اگر بنیان‌گذار مکتب انحرافی، گناه‌کار است، ترویج‌گران این ایده‌ها نیز بخشی از مسئولیت و بار گناهان را بر دوش می‌کشند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ اذاعَ فَاحِشَةً کَانَ کَمُبْتَدِعِهَا. (۱)

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۵۶

ص: ۶۳

کسی که گناهی را انتشار دهد، مانند کسی است که آن را ایجاد کرده باشد.

تظاهر به گناه

گناهی که انسان آشکارا و در حضور دیگران مرتکب می‌شود، مستوجب مجازات بیشتری خواهد بود؛ زیرا این کار به معنای بی‌اهمیت دانستن دستورهای الهی و پشت پا زدن به آنهاست. تظاهر به گناه، حیا و عفت عمومی را خدشه‌دار می‌کند و سبب می‌شود تا دیگران برای انجام گناه گستاخ شوند. در نتیجه، میزان گناه و فساد در جامعه افزایش می‌یابد و محیط پاک و سالم جامعه اسلامی آلوده می‌شود. پیامبر گرامی اسلام درباره نکوهش این ناهنجاری می‌فرماید:

کُلُّ امَّتی مُعافی إِلّا الْمُجاهِرینَ. (۱)

همه امّت من بخشیده خواهند شد مگر تظاهرکنندگان به گناه.

۱- نهج الفصاحه، ش ۲۱۶۷

ص: ۶۴

تظاهر و ریا

ریـا، نوعی بیمـاری است که بعضـی از مردم به آن دچـار هسـتند. این افراد در هر کـار خیری و در هر عمـل مفیـدی، به ریا و تظاهر عادت دارنـد. اینان اگر بداننـد در کاری، نام و نشانی از آنها نیست و تعریف و تمجیدی نمی‌شوند، از انجام آن سر بازمی‌زنند. این انسان‌های متظاهر، خواه ناخواه در اجتماع شـناخته می‌شوند و مردم به نیت‌شان پی می‌برند. آنان عبادت‌ها و رفتارهای خیر خود را به دلیـل تظـاهر، باطـل و بی‌ارزش می‌کننـد. در مقابل، شـخص با ایمان، با اخلاص کامل، عملش را برای رضای خـدا انجام می‌دهـد و انتظـار تشـکر از سوی مردم را نـدارد؛ زیرا پـاداش الهی، بزرگ و بی‌پایان است. وی به روزی چشم دوخته است که مال و فرزنـد و متاع دنیوی فایده‌ای ندارد و اخلاص، گشاینده بسیاری از درهای بسته به روی او خواهد بود. بنابراین، کردار نیک خود را با ریا به

ص: ۶۵

هـدر نمی‌دهد. اگر هم نیت بدی از دلش گذشت، به فکر چاره می‌افتد تا خود را از این بیماری مهلک برهاند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشانه ریاکار را چنین برمی‌شمارد:

لِلْمُرائِی ثَلاثُ عَلاماتٍ: یَنْشَطُ اذَا کَانَ عِنْدَ النَّاسِ وَ یَکْسَلُ اذَا کَانَ وَحْدَهُ وَ یُحِبُّ انْ یُحْمَدَ فِی جَمِیعِ الْامُورِ. (۱)

شخص ریاکـار سه نشـانه دارد: وقتی که میان مردم است، با نشاط است؛ هنگامی که تنهاست، کسل است و دوست دارد که در همه کارها از او ستایش شود.

تلاوت قرآن

آدمی در طول زنـدگی و در رویـارویی بـا مسائـل گوناگون مادی به زنگارها و آلودگی‌هایی دچار می‌شود که برای زدودن آن، به تصفیه روحانی نیاز دارد. یکی از بهترین راه‌های تصفیه ناخالصی‌ها،

۱- تحف العقول، ص ۱۰

ص: ۶۶

تلاوت قرآن است. قرآن، گوهر گران‌بهایی است که با هر چه برخورد کند، به آن رنگ خدایی می‌دهد و ناخالصی‌ها را به نورانیت و صفا تبدیل می کند. در حقیقت، کلام قرآن، معجون شفابخش و داروی هر دردی است که خدای بزرگ، آن را برای تصفیه دل‌های بیمار قرار داده است. با شنیدن آیات الهی، نورانیت به قلب انسان وارد می‌شود و معنویت خاصی، سراسر وجود آدمی را فرا می گیرد و احساس آرامش و آسایش به او دست می‌دهد. پس بیاییم ساعتی از شب یا روز را به این مهم اختصاص دهیم که پیامبر اسلام فرموده است:

إِنَّ هذِهِ الْقُلُوبَ تَصْدَءُ كَمايَصْدَءُ الحَديدُ. قيل فما جَلاءُها؟ قالَ: ذِكْرُ الْمَوْتِ وَ تِلاوَةُ الْقُرْانِ. (۱)

دل‌ها مانند آهن زنگ می‌زند. گفتند: «صیقل آن چیست»؟ گفت: «یاد مرگ و خواندن قرآن».

۱- نهج الفصاحه، ش ۹۳۴

ص: ۶۷

تنفر از گناه

ممکن است انسان بر خلاف میل خود ناگزیر شود در محل معصیت یا جایی که گروهی در آنجا گناه می‌کنند، حضور یابد. در چنین شرایطی، اگر احساس ناراحتی به او دست دهد و مایل باشد که هر چه زودتر آنجا را ترک گوید، باید به خود و ایمانش امیدوار باشد، ولی اگر از بودن در آنجا احساس ناراحتی نمی‌کند و چه بسا با آنان هم‌گام شود یا در درون خود خوشحال است، باید به حال خود متأسف باشد. باید بدانیم اگر شخصی در جمع معصیت‌کاران باشد و از این توقف احساس ناراحتی کند، مانند کسانی است که در آن شرکت نداشته‌اند. برعکس، اگر قلب و فکر او، با مجالس لهو و لعب باشد و از حضور در آن احساس شادمانی کند، مانند حاضران در آن است. پیامبر ارجمند اسلام می‌فرماید:

مَنْ حَضَرَ مَعْصِیَةً فَکَرِهَها فَکَأَنَّما غابَ عَنْها وَ

ص: ۶۸

مَنْ غابَ عَنْها فَرَضِیَها فَکَانَّهُ حَضَرَها.(۱)

هر کس ناظر گناهی باشـد و از آن متنفر شود،ماننـد کسـی است که در آنجا نیست و هر کس در محل گناه نباشـد و از آن راضـی باشد، مانند کسی است که در آنجا حضور دارد.

توکل به قدرت الهی

انسان از نظر جسـمانی، از بسیاری موجودات دیگر ضعیف‌تر است، ولی از نظر قدرت اراده و استعداد، اشرف مخلوقات است. همین قدرت روحی سـبب شده است تا خداوند، موجودات دیگر را به تسـخیر او درآورد. انسان با قدرت اراده، زمین و آسـمان و آنچه را در آن وجود دارد، تا حـدودی به سـیطره خود درآورده است. آن گاه که انسان به قـدرت بی‌پایان الهی می‌پیونـدد و پای خود را از محدوده زندگی مادی فراتر می‌نهد، این توانایی افزایش می‌یابد. در این حال، خود را از هر چیز جز قدرت الهی بالاتر

۱- نهج الفصاحهٔ، ش ۲۹۲۷

ص: ۶۹

می‌بیند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در توجه دادن و پیوند داشتن به این رشته مستحکم الهی می‌فرماید:

مَنْ احَبَّ انْ یَکُونَ اقْوىَ النّاسِ فَلْیَتَوَکَّلْ عَلَى اللَّهِ. (۱)

هر کسی دوست دارد از همه مردم قوی‌تر باشد، باید به خدا توکل کند.

تهمت دزدی

بعضـی مال‌باختگان پس از دزدیـده شدن اموالشان، به هر کس بخواهند تهمت می‌زنند. آنان بدون تحقیق کافی و اسـتدلال منطقی، بی‌درنگ دادگاه غیابی تشـکیل می‌دهنـد و آبروی دیگران را بر باد می‌دهند، در حالی که هتک حیثیت یک انسان آبرومند در دید شرع و عرف خطـاست. آبروی افراد نبایـد بـازیچه پنـدارهای ناصواب ما شود. پس در چنین مواردی، فرد بایـد تعادل روحی خود را حفظ کند و اگر دلیل و مدرک مستندی دارد، به دادگاه صالح مراجعه کند، نه

۱- همان، ش ۲۸۱۹

ص: ۷۰

اینکه با هیاهو، حقوق دیگران را پای‌مال سازد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نکوهش چنین رویه‌ای می‌فرماید:

لاٰیَزالُ الْمَسْرُوقُ مِنْهُ فِی تُهْمَةِ مَنْ هُوَ بَرِیٌّ مِنْهُ حَتّی یَکُونَ أَعْظَمَ جُرْماً مِنَ السّارِقِ. (۱)

دزد زده کسانی را که از دزدی بی‌خبرند، آن قَدر تهمت می‌زند که گناهش از خود دزد بیشتر خواهد شد.

۱- همان، ش ۲۵۳۹

ص: ۷۱

ث

ثروتمندان بی‌تفاوت

ثروتمندان در برابر درماندگان وظیفه سنگینی بر عهده دارند و نباید به بهانه‌های واهی از این تکلیف الهی- وجدانی شانه خالی کنند. اگر هم نمی‌خواهند به دیگران کمک کنند، با برچسب‌هایی همچون دروغ گو، دارا، شیّاد، کلاه‌بردار، تنبل و مانند آن، دیگران را نرنجانند. توانگران نباید به ثروت‌های بی‌شمار خود مغرور شوند. چه بسا ممکن است در حادثه‌ای، همه دارایی‌شان را از دست بدهند یا به دلیل بیماری و از دست دادن سلامتی، هیچ یک از سرمایه‌های دنیایی برایشان سودمند نیافتد. آیا بهتر نیست به شکرانه بازوی توانا و دارایی خدادادی، به یاری ناتوانان بشتابند و بدانند که این گونه اعمال نه تنها از ثروت‌شان نمی کاهد، بلکه خوش‌نامی دنیا و آخرت را برایشان به ارمغان می‌آورد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

ص: ۷۲

در نکوهش ثروت‌مندان بی‌تفاوت می‌فرماید:

وَیْلٌ لِلْاغْنِیاءِ مِنَ الْفُقَراءِ. (۱)

وای بر توانگران [به دلیل رسیدگی نکردن به] نیازمندان.

۱- همان، ش ۳۱۸۷

ص: ۷۳

ج

جبران نیکی

پاسخ دادن به احسان دیگران، نشانه ادب و بزرگی آدمی است، ولی شیوه پاسخ گویی به توان آدمی بستگی دارد. اگر کسی می‌تواند، به هدایای مالی مردم پاسخ مالی بدهد، نباید از آن دریغ ورزد. اگر هم توانایی این کار را نداشت، باید قدردانی و سپاس گزاری خود را حتی با زبان و سخن ابراز کند.

چنین پاسخی بازتاب‌های خوبی هم برای خود فرد و هم برای هدیه‌دهنده در پی دارد. سپاس گزار با این کار، احساس سبکی و آرامش می‌کند و احسان کننده نیز به کار خیر تشویق می‌شود. به طور کلی، باید دانست کسی که از خوبی‌های دیگران سپاس گزاری نکند، در مقابل نعمت‌های بی‌شمار الهی نیز زبان به قدردانی نمی‌گشاید. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این باره دستورالعمل ویژه‌ای صادر کرده است:

ص: ۷۴

مَنْ اتَی الَیْکُمْ مَعْرُوفاً فَکافُوهُ، فَانْ لَمْ تَجِدُوا فَأَثْنُوهُ فَانَّ الثَّناءَ جَزَاءٌ. (۱)

کسی که به شما احسان کرد، آن را جبران کنید و اگر نتوانستید، تشکر کنید؛ زیرا سپاس گزاری، پاداش و جبران به شمار می‌آید.

جدال همیشگی

بعضـی افراد همیشه در فکر جـدال و بـا دیگران در حـال ستیزنـد و به بهانه‌هـای واهی، محیـط امن خانواده را به صـحنه‌های جنگ و جدال تبدیل می‌کنند. از همه بدتر اینکه حتی با خود نیز درگیرند و همیشه زیرلب غرولند می‌کنند. رفتار و گفتار آنان نشان می‌دهد که در درون خویش با کسـی، درگیری لفظی یا فیزیکی دارنـد. اینان در خواب آرامش ندارنـد و با داد و قال‌های کـذایی از خواب می‌پرند و عرصه را بر خود و همگان تنگ می‌کنند. این افراد تعادل روحی ندارند. اطرافیان باید با کمک

۱- تحف العقول، ص ۴۹

ص: ۷۵

همـدیگر، از انجام دادن کارهایی که آنان را تحریک می‌کنـد، پرهیز کنند. پیامبر گرامی اسـلام، جدال همیشـگی را مردود شـمرده است و می‌فرماید:

کَفی بِکَ إِثْماً أَنْ لاتَزالَ مُخاصِماً. (۱)

همین گناه تو را بس که پیوسته در حال ستیزه‌جویی باشی.

جلب اعتماد مردم

بعضـی‌ها آن قـدر پاک و با ایمانند که دیگران در امور دین و دنیای خود به آنان اعتماد می‌کنند و در گرفتاری‌ها و سـختی‌ها، آنان را پشـتوانه خویش می‌دانند. بسیار نیکوست که انسان به چنان مرتبه والایی دست یابد که دیگران او را مایه دلگرمی خود بشمارند و اسـرار و درخواست‌هـای خود را بـا او در میـان بگذارنـد. چنین فردی که برای وجـدان و شـرافت انسـانی احترام قائل است، در هیچ حالی، ارزش‌های معنوی خویش را فدای خواسته‌های زودگذر دنیوی

۱- نهج الفصاحه، ش ۲۱۳۸

ص: ۷۶

نمی‌کند. به یقین، خداوند به این افراد که پناه‌گاه و تکیه‌گاه مردمند، نظر لطف دارد و آنان را مشـمول رحمت خویش قرار می‌دهد.

پیامبر اسلام، اعتماد مردم را مایه خوشبختی انسان می‌داند و می‌فرماید:

کَفی بِالْمَرْءِ سَعادَةً أَنْ یُوثَقَ بِهِ فی أَمْرِ دینِهِ وَ دُنْیاهُ. (۱)

در خوشبختی مرد همین بس که در کار دین و دنیایش به او اعتماد کنند.

جلب رضایت الهی

اگر انسان تشخیص دهد که کاری مورد رضایت الهی است، باید با تمام توان در انجام آن بکوشد، هر چند دیگران را ناخوش آید. حتی اگر دیگران به او اعتراض کنند، وی نباید در انجام وظیفه کوتاهی کند.

آنچه اهمیت دارد، ترجیـح دادن رضـایت الهی بر رضـایت بنـدگان است. چنین کرداری از اعتقـاد عمیق و ایمـان راسـخ انسان‌هـای وارسته ریشه می‌گیرد که

۱- همان، ش ۲۱۳۵

ص: ۷۷

دنیا را بسیار ناچیز و هر حب و بغضی را در برابر خشم و رضای الهی ناپایدار می‌دانند. جلب رضایت الهی از توصیه‌های پیامبر گرامی اسلام است. ایشان می‌فرماید:

مَنْ إِلْتَمَسَ رِضیَ‌اللَّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ رَضِیَ‌اللَّهُ عَنْهُ .... (۱)

هر کس رضای خدا را بر خشم مردم ترجیح دهد، خداوند از او راضی می‌شود ....

جواب نامه

بعضی افراد در پاسخ دادن به نامه دوستان و آشنایان درنگ می‌کنند یا نامه را برای زمانی طولانی یا برای همیشه بی‌پاسخ می‌گذارند. وقتی کسی نامه‌ای می‌نویسد، در انتظار پاسخ است و پاسخ ندادن، نوعی سهل انگاری و بی‌توجهی به نویسنده نامه است. چه بسا در نامه درخواستی داشته باشد که با

.

۱- نهج الفصاحهٔ، ش ۲۷۸۳

ص: ۷۸

پاسخ‌گویی به آن، تکلیف کار معلوم شود و فرد بتواند خواسته خود را از راه دیگری تأمین کند. بر این اساس، پیامبر اسلام می‌فرماید:

انَّ لِجوَابِ الْكِتابِ حَقّاً كَرَدِّ السَّلامِ. (۱)

به درستی که پاسخ نامه لازم است، همان‌گونه که پاسخ سلام واجب است.

۱- همان، ش ۸۸۰

ص: ۷۹

چ

چشم داشتن به مال دیگران

چه خوب است که انسان به فکر کار خویش باشـد و فکر و ذهنش را به کار و مال دیگران ندوزد؛ زیرا این کار، نه تنها سودی برای وی ندارد، بلکه سبب اختلال روحی او می‌شود و از وقت و انرژی او می کاهد. بدین ترتیب نیرویی را که می‌تواند در توسعه زندگی خود به کـار گیرد، در خیال‌ها و اوهام هزینه می کنـد. موضوع اینکه فلانی چه می کنـد، چه معامله‌ای انجام داده، چقـدر سود برده و چقـدر مال و منال انـدوخته است، نه تنها فایده‌ای ندارد، بلکه مایه نگرانی فرد می‌شود و گاهی درصدد مقایسه برمی‌آید. گاهی هم دچار تردید در روزی‌رسانی خداوند می‌شود و به همین سـبب، خود و دیگران را سرزنش می کند. رسول اللَّه صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

مَنْ مَدَّ عَیْنَیْهِ الَی مَا فِی ایْدِی النَّاسِ مِنْ

ص: ۸۰

دُنْیاهم طالَ حُزْنُهُ وَ سَخَطَ مَا قَسَّمَ اللَّهُ لَهُ مِنْ رِزْقِهِ وَ تَنَغَّصَ عَلَیْهِ عَیْشُهُ. (۱)

کسی که به مال و منال مردم چشم داشته باشد، غم و اندوه او طولانی می‌شود و از رزقی که خدا برای او مقرر فرموده است، خشم‌ناک می‌گردد و زندگی برای او تیره می‌شود.

۱- تحف العقول، ص ۵۱

ص: ۸۱

ح

حفظ آبرو

آبرو برای هر انسانی مسئله با اهمیتی است که برای حفظ آن حاضر است جان خود را فدا کند. آبروی انسان، بزرگ‌ترین تکیه گاه شخصیت اوست، ولی متأسفانه در بعضی موارد، بجا یا نابجا، چنان آبروی افراد بر باد می‌رود که تا پایان عمر از زیر بار سنگین بی‌آبرویی خارج نمی‌شوند. در این حال فکر می‌کنند همه حیثیت آنان لکه‌دار شده است و زبانزد خاص و عام گشته‌اند. به این دلیل از ارتباط با مردم دست می‌کشند و خود را از دیگران پنهان می‌سازند.

چه پسندیده است حتی در مواردی که فرد، اشتباهی انجام داده است، گونه‌ای با او رفتار شود که آبرویش محفوظ بماند. به یقین، اگر کسی، حیثیت بی‌گناهی را بی‌دلیل لکه‌دار کند، خود نیز به خواری خواهد افتاد. پیامبر بزرگوار اسلام درباره حفظ آبروی

ص: ۸۲

برادران دینی می‌فرماید:

مَنْ رَدَّ عَنْ عِرْضِ اخیهِ رَدَّ اللَّهُ عَنْ وَجهِهِ النّارَ. (۱)

خدا، آتش را از چهره کسی که از آبروی برادر دینی خویش دفاع کند، بازمی‌دارد.

حق‌کشی

برخی افراد، تنها و تنها به منافع خویش می‌اندیشند و برای به دست آوردن سود بیشتر می‌کوشند از راه‌های گوناگون، اموال و حقوق دیگران را از چنگ آنان بیرون آورند. این افراد، گاهی مستقیم و زمانی غیرمستقیم، برای اجرای این مقاصد شوم، نقشه‌های گوناگونی طرح می‌کنند تا صاحب حق را به چشم‌پوشی از حق خویش وادار کنند. طول دادن، امروز و فردا کردن و به تأخیر انداختن حق یا کار مردم به منظور خسته کردن و گذشتن از حق خویش

۱- نهج الفصاحه، ش ۳۰۱۴

ص: ۸۳

از این نقشه‌های فریب‌کارانه به شمار می‌رود. پیامبر گرامی اسلام در نکوهش این عمل ناپسند می‌فرماید:

وَیْلٌ لِمَنْ اسْتَطالَ عَلی مُسْلِمٍ فَانْتَقَصَ حَقَّهُ. (۱)

وای بر کسی که حق مؤمنی را به تدریج می‌خورد.

حل اختلاف

رفع اختلاف، از بهترین کارهایی است که مورد رضای خداوند و مخلوقات اوست. این اختلاف‌ها ممکن است در سطح خانواده به وجود آید که اگر ریشه‌دار شود، سبب از میان رفتن بنیان‌های خانوادگی می‌گردد. چنانچه اختلاف در سطح اجتماع باشد، زیان‌های آن به مراتب بیشتر است.

البته گاهی طرفین دعوا از کرده خود پشیمان می‌شوند و انتظار دارند کسی با میانجی‌گری، آنان را آشتی دهد و محبت و مودّت پیشین را به آنان

۱- نهج الفصاحهٔ، ش ۳۱۹۲

ص: ۸۴

بازگرداند. رسول گرامی اسلام در این‌باره می‌فرماید:

أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ إِصْلاحُ ذاتِ الْبَیْنِ.(۱)

بهترین صدقه، اصلاح و آشتی میان دو نفر است.

حلال و حرام

برخی می‌پندارند برای رسیدن به مقام‌های معنوی، باید بسیاری از نعمت‌های پروردگار را بر خود حرام کنند و از آنها بهره نگیرند. ازاین‌رو، می‌کوشند با پرهیز از خوردنی‌ها و نعمت‌های گوناگون خداوند، برخود و خانواده خویش، سخت‌گیری کنند. چنین رفتاری، آنان را به مراتب قرب معنوی نمی‌رساند، بلکه به چاه کفران و گمراهی درخواهد افکند. رشد مادی و معنوی، به سلامت مزاج و روح آدمی بستگی دارد و این مسئله، هنگامی برای او فراهم می‌آید که در مسیر طبیعی و در چارچوب حلال و حرام الهی، گام بردارد. سخت‌گیری بی‌مورد، روح و

۱- همان، ش ۴۰۷

ص: ۸۵

جسم انسان را بیمار و به کسالت و ملال دچار می‌کنـد. در نتیجه، پیمودن مسـیر تعالی بر او ناممکن می‌شود. پیامبر رحمت در تشبیه هشدار دهنده‌ای می‌فرماید:

إِنَّ مُحَرِّمَ الْحَلالِ كَمُحَلِّلِ الْحَرامِ. (۱)

کسی که حلال خدا را حرام می‌کند، مانند کسی است که حرام خدا را حلال می‌کند.

حیا و ایمان

حیـا بـا فلسـفه وجودی انسان، پیونـدی دیرینه دارد. از نظر اسـلام کسـی که حیا نـدارد، دین نـدارد؛ زیرا دین می‌کوشـد تا انسان، به اخلاق و رفتار انسانی آراسـته شود، در حالی که شـخص بی‌حیا، از این هدف فرسـنگ‌ها فاصـله دارد. البته حیا به این معنا نیست که انسان به گونه‌ای سـر به زیر باشد که در هر جا فریب بخورد یا توان پرسش از مشکلات خود را نداشته باشد یا نتواند از حقوق خود پاسداری کند. اسلام

۱- همان، ش ۹۰۲

ص: ۸۶

چنین حیـایی را مردود می‌شـمارد. انسـان بـا حیـا کسـی است که در گفتـار و کردار، ادب و نزاکت را رعایت و در زمان مناسب، از منافع دنیوی و اخروی خود دفاع کند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله:

الحیاءُ وَالایمانُ قُرِنا جَمیعا فَاذا رُفِعَ احَدُهُما رُفِعَ الْآخَرُ. (۱)

حیا و ایمان قرین یکدیگرند. وقتی یکی رفت، دیگری هم خواهد رفت.

۱- نهج الفصاحهٔ، ش ۱۴۲۹

ص: ۸۷

خ

خبر ناموثق

بعضـی افراد به محض اینکه خبری را شـنیدند، بدون آگاه شدن از درستی یا نادرستی‌اش، آن خبر را برای دیگران نقل می‌کنند و به گونه‌ای رفتار می‌کننـد که انگار خود شاهد ماجرا بوده‌اند و این کار در پیش دیدگانشان انجام شده است. این کار، نشانه بی‌توجهی و بی‌دقتی گوینـده است و شایـد سـبب پیدایش اختلاف یا ریختن آبروی دیگران شود. اگر واقعی نبودن خبر آشـکار شود، گوینده، احترام و اعتبار خود را نزد دیگران از دست می‌دهد و از آن پس، مردم حتی اخبار صادقانه او را نیز نامسـتند و غیرواقعی می‌پندارند. بنابراین، انسان باید سخنان خود را با دلیل و سند و اطمینان از درستی آن نقل کند تا به پی‌آمدهای منفی آن دچار نشود. حضرت

ص: ۸۸

محمد صلی الله علیه و آله- آن امین راست‌گو- می‌فرماید:

کَفی بِالْمَرءِ إِثْماً أَنْ یُحَدِّثَ بِکُلِّ مایَسْمَعُ. (۱)

در گناه‌کار بودن فرد همین بس که هر چه را می‌شنود، نقل کند.

خداترسی

انسان پرهیزگار در شرایط گوناگون زندگی، خود را در محضر پروردگار متعال می‌بیند و خدا را شاهد و ناظر رفتار خویش می‌داند. ایمان به خداوند در اعماقِ جانِ چنین فردی ریشه دوانیده است و رشته حضور الهی را هیچ‌گاه گسسته نمی‌بیند. وی به هنگام خوشی و ناخوشی، سختی و سادگی، خداوند را نزدیک‌ترین یاور خود می‌داند و همچون کسانی نیست که تنها در سختی‌ها به درگاه ربوبی روی می‌آورند و پس از حل مشکل، به خدافراموشی و خودگرایی مبتلا می‌شوند. او، مودّت و امنیت الهی را بر جاذبه مال و مقام ترجیح

۱- همان، ش ۲۱۳۶

ص: ۸۹

می‌دهد و دار قرار را بر دار فرار نمی‌فروشد. پیامبر گرامی اسلام در این‌باره می‌فرماید:

اتَّقِ اللَّهَ فِی عُسْرِکَ وَ یُسْرِکَ.(۱)

هنگام سختی و خوشی، خداترس باش.

خداخواهی

مردان خدا می‌توانند با رفتار پسندیده خود، دیگران را نیز با طریق قرب الهی آشنا کنند. آنان می‌توانند با سخنان دل‌نشین و عمیق خود، وجدان خداجو و خداگرای افراد را بیدار سازند و با کردار خود، اسوه عملی دیگران باشند. رفتار خالصانه اهل حق، اکسیری است که قلب بندگان را جلا می‌بخشد و به محبت و مودّت خالق، رهنمون می‌کند. چه زیبا است انسان به درجه‌ای از ایمان و یقین برسد که دیگران با دیدن او به یاد خداوند بزرگ بیافتند. همانا اینان رستگارانند. حضرت محمد صلی الله علیه و آله؛ بنده برگزیده خدا که بشریت را از بربریت به معبودی یگانه،

۱- همان، ش ۳۳

ص: ۹۰

رهنمون ساخت، می‌فرماید:

حَبِّبُوا اللَّهَ إِلی عِبادِهِ یُحِبُّکُمُ اللَّهُ. (۱)

خدا را نزد بندگانش محبوب سازید تا او شما را دوست بدارد.

خدمت به مردم

بعضی از مردم برای خدمت به دیگران هیچ علاقه‌ای ندارند و همچون طلب‌کاران در انتظار کمک و یاری دیگران نشسته‌اند. آنان با اینکه امکانات کافی نیز دارند، ولی همچنان منتظر مساعدت بیشتر هستند. از سوی دیگر، با نیکانی روبه‌رو می‌شویم که در راه خدمت به خلق اللّه، چنان شیفته و از خود باخته‌اند که سر از پا نمی‌شناسند و هر شب به امید آن می‌خوابند که فردا، باری از دوش درمانده‌ای بردارند و دل‌های شکسته‌ای را آرامش بخشند. اینان نه تنها از خدمت به مردم خسته نمی‌شوند، بلکه هر روز در این راه تشنه‌تر می‌شوند.

۱- نهج الفصاحهٔ، ش ۱۳۴۴

ص: ۹۱

در حقیقت، آنان محبوب خداوندند که رفع نیاز مردم دردمند به دست آنان سپرده شده است. پیامبر رحمت می‌فرماید:

إِذا ارادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَیْرَاً صَیَّرَ حَوائجَ النّاسِ الَیْه. (۱)

وقتی خداوند برای بنده‌ای نیکی بخواهد، حاجت مردم را در دست او قرار می‌دهد.

خشم

اسب سرکش، گاهی اختیار را از سوارش می گیرد و با بی‌رحمی تمام، او را بر زمین می کوبد و برای مدتی وی را در پی دوا و درمان راهی می کند. حتی ممکن است این سرکشی، به قیمت جان او تمام شود. خشم و غضب نیز همین حالت را دارد؛ یعنی تعادل روحی و روانی آدم را برهم می‌ریزد و ابزار تعقل او را از کار می‌اندازد. در این هنگام، تصمیم‌هایی می گیرد که پی‌آمدهای جبران‌ناپذیری

۱- نهج الفصاحه، ش ۱۴۴

ص: ۹۲

خواهد داشت. چه بسا انسان‌هایی که برای یک لحظه عصبانیت، سالیان درازی ازعمر ارزشمند خود را پشت میله‌های زندان به سر برده و حتی جان خود را از دست داده‌اند. افزون بر این، بر اثر خشم فراوان، آدمی کارهایی انجام می‌دهد یا سخنانی را بر زبان می‌آورد که از وقار او می‌کاهد و چهره اجتماعی و خانوادگی وی را زیر سؤال می‌برد. برای رهایی از چنین پی‌آمدهای زیان‌باری، راهنمایان دینی، آدمیان را به بردباری و مهار خشم و غضب فراخوانده‌اند. مردی به پیامبر اسلام گفت: مرا سفارشی بفرمایید. حضرت فرمود: خشم مکن. بار دیگر عرض کرد: باز هم توصیه‌ای بفرمایید:

حضرت باز هم فرمود: خشم مکن. سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

لَیْسَ الشَدیدُ بِالصُّرعَةِ انَّمَا الشَدیدُ الَّذی یَمْلِکُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ. (۱)

نیرومند آن نیست که دیگری را بر زمین

۱- تحف العقول، ص ۴۷

ص: ۹۳

بکوبد، بلکه نیرومند آن است که هنگام خشم بر نفس خود مسلط باشد.

خواب صبح‌گاهی

بعضی افراد، صبح‌گاهان از بستر خواب برمی‌خیزند و با نشاطی مضاعف، کار و تلاش را از سر می‌گیرند. عده‌ای دیگر با گذشت زمانی از روز، همچنان در بستر خود به این سمت و آن سمت می‌غلتند و مانند بیماری رنجور، توان برخاستن ندارند. این سستی، ناشی از پرخوابی آنان است که به دلیل همین عادت ناپسند، بسیاری از فرصت‌ها را از دست می‌دهند. در حالی که دیگران بخشی از کارهای روزانه خود را انجام داده‌اند، وی با کسالت از خواب برمی‌خیزد و تا پایان روز همچنان در سستی باقی می‌ماند. پس شایسته است که به توصیه‌های حضرت رسول صلی الله علیه و آله عمل کنیم و از خواب بی‌ثمر چشم بپوشیم. ایشان می‌فرماید:

ص: ۹۴

أَلصُّبْحَةُ تَمْنَعُ الرِّزْقَ. (۱)

خواب صبح‌گاهی مانع روزی است.

خواندن نامه دیگران

از عادت‌های زشتی که در برخی افراد وجود دارد، این است که بی اجازه، نامه دیگران را می‌خوانند یا در کار دیگران تجسس می‌کنند. اینان برای توجیه کار نادرست خود می‌گویند: «من و او نداریم»، «بین ما یگانگی کامل وجود دارد». البته این عذری ناپذیرفتنی است و حتی اگر پدر و فرزند، نامه‌های همدیگر را بخوانند، ناراحت می‌شوند؛ زیرا ممکن است مطالبی وجود داشته باشد که صاحب نامه نمی‌خواهد دیگران از آن آگاه شوند. پیامبر گرامی اسلام با توصیه به ترک چنین کار نکوهیده‌ای، می‌فرماید:

مَنْ نَظَر فِی کِتابِ أخیهِ بِغَیرِ إِذْنِه فَکَأَنّما یَنْظُرُ فی النّارِ. (۲)

۱- نهج الفصاحه، ش ۱۸۵۷

۲- نهج الفصاحهٔ، ش ۲۸۴۶

ص: ۹۵

هر کس بی‌اجازه برادرش به نامه او نگاه کند، مانند آن است که در آتش نگریسته است.

خوش‌بویی

انسان بنا بر طبیعت خود، بوی خوش و نیکو را دوست دارد و از بوی بد بیزاری می‌جوید. ازاین‌رو، همواره می‌کوشد فضای زیستگاهش عطرآگین باشد و از بوی بد پرهیز دارد. مکتب اسلام، پاکیزگی و بهداشت فردی و اجتماعی را سرلوحه دستورهای ارزشمند خود قرار داده است و بر رعایت آن در مکان‌های ارزشمند مانند مساجد و زیارت‌گاه‌ها بیشتر تأکید می‌کند؛ زیرا سبب جذب بیشتر مردم به این مکان‌ها می‌شود. پیامبر اسلام نیز همیشه خوش‌بو بود و به دیگران توصیه می‌فرماید:

انَّ خِیارَ عِبادِاللَّهِ المُوفوُنَ المُطیبُونَ. (۱)

بهترین بندگان خدا کسانی هستند که به وعده وفا می‌کنند و عطر به کار می‌برند.

۱- همان، ش ۸۵۰

ص: ۹۶

خوش‌رفتاری با خانواده

اعضای خانواده در برابر یکدیگر، وظایف و حقوقی دارند، مانند: تأمین امکانات رفاهی و آسایش و خوش‌رفتاری متقابل. متأسفانه افرادی یافت می‌شوند که در بیرون از محیط خانه، بسیار خوش اخلاق و خوش برخورد هستند، ولی زمانی که وارد محیط خانواده می‌شوند، بسیار سخت گیرند و مانند انسان‌های خودخواه و پرتوقع، انتظار دارند که دیگران مطیع دربست آنان باشند. اینان هرگز با کسی مشورت نمی‌کنند و برای اعضای خانواده ارزشی قائل نیستند. به سخنان دیگران گوش نمی‌دهند و بی‌حوصله و زورگو هستند. گویی این فرد همان انسان خوش رو و خوش اخلاق بیرون از خانه نیست. اسلام این خصلت ناپسند را بسیار نکوهش کرده است و پیامبر گرامی اسلام برای تأمین ثبات و آسایش خانواده و توصیه به بهترین رفتارها در محیط خانواده می‌فرماید:

ص: ۹۷

خِیارُکُمْ خَیْرُکُمْ لِاهْلِهِ. (۱)

بهترین شما کسانی هستند که برای اهل‌خود بهترند.

خیرخواهی

انسان مسلمان خود را در غم و شادی دیگران شریک می‌داند؛ یعنی آنچه را برای خود می‌خواهد، برای دیگران نیز خواهان است و آنچه را برای خود آرزو می کند، برای دیگران نیز آرزومند است. در این حال، اگر موفقیت و کمالی نصیب دیگران شود، لذت می‌برد و این، اوج خیرخواهی است. مسلمانان عضو خانواده بزرگ اسلامی‌اند و باید در غم و شادی یکدیگر شریک باشند. پس بکوشیم به فرمایش رسول‌اکرم صلی الله علیه و آله جامه عمل بپوشانیم و چنین احساسی را در خویشتن پدید آوریم، آنجا که می‌فرماید:

احْبِبْ لِلنّاسِ ما تُحِبُّ لِنَفْسِکَ. (۲)

آنچه برای خود می‌پسندی، برای دیگران نیز بخواه.

۱- همان، ش ۱۴۷۷

۲- همان، ش ۸۷

ص:۹۸

ص: ۹۹

د

دانش‌اندوزی

همه کسانی که به مراتب بالایی از علم و آگاهی رسیده‌اند، از هر فرصتی برای کسب دانش سود جسته‌اند. آنان از مطالبی که دیگران قابل مطالعه نمی‌دانند و به راحتی از کنار آن می‌گذرند، بی‌اعتنا نمی‌گذرند و در راه تحصیل علم، مرارت‌ها و سختی‌های فراوانی را بر خود هموار می‌کنند. آنان با چشم‌پوشیدن از خواب و خوراک، کنار نهادن تکبر و غرور و با فروتنی و احترام در برابر استاد، ساعت‌ها و ماه‌ها و سال‌ها به تعلیم و آموختن نشسته‌اند. در نظر اینان، دانش همانند آب دریا است که هرچه از آن می‌آشامند، همچنان خود را تشنه‌تر و نیازمندتر می‌بینند. پیامبر گرامی اسلام در توصیه به فراگیری دانش می‌فرماید:

ص: ۱۰۰

اعْلَمُ النّاسِ مَنْ جَمَع عِلْمَ النّاسِ الی عِلْمِهِ. (۱)

دانشمندترین شخص آن است که علم دیگران را بر علم خود بیافزاید.

دانشجو باید از تنبلی و بی‌کاری دوری کند و با پشتکار به کسب دانش بپردازد. دانشجو باید از هر فرصتی که پیش می‌آید، بیشترین بهره را ببرد تا موفقیت لازم را به دست آورد. دانش‌طلبان از شتاب نکردن در بهره‌گیری از زمان، بیشترین زیان را می‌بینند؛ زیرا دانشجو باید در طلب علم همچون تیری از چله کمان رها شود و از اما و اگرها و امروز و فرداها رها باشد. پیامبر گرامی اسلام که پی‌جویی و پی‌گیری علم را تا راه‌های دوردست توصیه می‌کرد، درباره جد و جهد برای فراگیری دانش، سخنی نیکو به یادگار گذاشته است:

اغْدُوا فِی طَلَبِ الْعِلْمِ فَانّ الْغُدُوَّ بَرَکَهٌ وَ نَجاحٌ. (۲)

۱- همان، ش ۳۶۰

۲- نهج الفصاحهٔ، ش ۳۷۶

ص: ۱۰۱

در طلب دانش زودخیز باشید؛ زیرا در زودخیزی، برکت و کام‌یابی است.

دانشمندان بی‌عمل

بعضی از مردم، دیگران را ارشاد و راهنمایی می‌کنند و راه خیر و سعادت را به آنان نشان می‌دهند. آنها را از زشتی گناه آگاه می‌کنند و راه خیر و سعادت را پیش پای آنان قرار می‌دهند. به طور کلی، مردم در پرتو دانش و فضل این دانشمندان به رضوان الهی دست می‌یابند و سعادتمند و رستگار می‌شوند، ولی آن گاه که نوبت به خودشان می‌رسد و باید به دانستنی‌های خود عمل کنند، درمانده می‌شوند و در مقام عمل کم می‌آورند. تو گویی این اندوخته‌ها را فقط برای راهنمایی دیگران در مخزن ذهن خود بایگانی می‌کنند. این افراد جز حسرت و پشیمانی و گزیدن زبان‌های خویش بهره‌ای ندارند.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله درباره وضعیت این عالمان بی‌عمل می‌فرماید:

ص: ۱۰۲

يُطْلِعُ قَوْمٌ مِنْ اهْلِ الْجَنَّةِ الَى قَومٍ مِنْ اهْلِ النَّارِ فَيَقُولُونَ مَا ادْخَلَكُمُ النَّارَ وَ قَدْ دَخَلنَا الْجَنَّةَ لِفَضْلِ تَأدِيْبِكُمْ وَ تَعْلِيْمِكُمْ فَيَقُولُونَ انَّا كُنَّا نَأمُرُ بِالْخَيْرِ وَلَا نَفْعَلُهُ.(۱)

گروهی از بهشتیان به عـده‌ای از دوزخیان نظر می‌افکننـد و می گویند: چه کاری شـما را به آتش کشانید در صورتی که ما به برکت تـأدیب و آمـوزش شــما داخـل بهشـت شـده‌ایم. آنـان در پاسـخ می گوینـد: مـا بـه نیکی امر می کردیـم، ولی خودمـان بـه آن عمل نمی کردیم.

دانشمند فاسد

اگر دانشـمندی از جاده سـلامت خارج شود و از دانش خود در مسـیر نادرست بهره‌برداری کنـد، می‌توانـد زیان‌های جبران‌ناپـذیری برای بشـریت داشـته باشـد. عالم چون از ظرایف امور آگاه است، اگر گمراه شود، می‌توانـد تعـداد زیادی را به ورطه نابودی بکشد. عالم، راه گمراه کردن مردم را بهتر

۱- وافی، ج ۱۴، ص ۵۲

ص: ۱۰۳

می‌شناسد و می‌داند چگونه حقیقت را وارونه و باطل را حق جلوه دهد. امروزه بسیاری از آسیب‌ها و زیان‌های جامعه انسانی بر اثر سوءاستفاده دانشمندان از دانششان رخ می‌دهد.

دانشمند، نه تنها می‌تواند فکر مردم را بیمار کند، بلکه از راه دستاوردهای علمی او، گاهی زیان‌های فراوانی متوجه مردم می‌شود. بنابراین، همان‌گونه که یک عالم بافضیلت می‌تواند افراد زیادی را به سوی رستگاری راهنمایی کند تا جامعه انسانی از دانش او بهره بگیرد، عالم گمراه هم منشأ آسیب‌های بسیاری خواهد شد. از پیامبر گرامی اسلام پرسیدند:

ایُّ النَّاسِ شَرٌّ.

کدام یک از مردم بدترند؟

ایشان فرمود:

الْعُلَمَاءُ اذَا فَسَدُوا. (۱)

دانشمندان هر گاه فاسد شوند.

۱- تحف العقول، ص ۳۵

ص: ۱۰۴

دانشوری

علم در منطق اسلام، نوری است که پروردگار آن را در قلب‌های مستعدی پروراند و او را به راه راست و بندگی عاشقانه و عارفانه فرا می‌خواند. سعادت و نیک فرجامی آدمی در سایه این دانش به دست می‌آید. علم، آدمی را از تاریکی و ظلمت می‌رهاند و او را به سوی نور و روشنایی رهنمون می‌سازد.

آدمی چگونه می‌تواند از این منبع درخشان، روی‌گردان و بی‌بهره بماند، در حالی که در آموزه‌های روایی، پی‌گیری آن حتی در دوردست‌ترین سرزمین‌ها (یعنی چین) سفارش شده است. اصولًا آدمی برای رسیدن به گوهری ارزشمند، تا اعماق زمین و دریاها را می‌کاود و دانش نیز چنین است؛ گوهری ارزشمند و عافیت‌آفرین که هر رنج و زحمتی برای به دست آوردن آن رواست. باید کوشید و لباس زیبای دانش را بر تن کرد و خود را به زیور ارزش‌ها

ص: ۱۰۵

آراست که اگر چنین شود، منزلت دنیوی و سعادت اخروی نصیب آدمی می‌شود. علم ارزشی، مسیر زندگی را به درستی می‌نمایاند و بهترین یار و یاور آدمی در حل مشکلات و آراستن به فضایل اخلاقی است. انسان دانشمند، بسیار دقیق است و هر چیزی را آن‌گونه که باید، ادا می‌کند. پیامبر دانش‌گستر و دانشمندپرور در فضیلت دانش می‌فرماید:

بِالْعِلْمِ یُطاعُ اللَّهُ وَ یُعْبَدُ وَ بِالْعِلْمِ یُعْرَفُ اللَّهُ وَ یُوَحَّدُ وَ بِهِ تُوصَلُ الْاَرْحامُ وَ یُعْرَفُ الْحَلالُ وَ الْحَرامُ وَ الْعِلْمُ امامُ الْعَقْلِ. (۱)

با دانش، اطاعت و پرستش خدا انجام می‌گیرد.

به واسطه دانش، خداوند شناخته می‌شود و عقیده به یگانگی او پیدا می‌شود. به وسیله دانش، حق خویشان ادا می‌شود و حلال و حرام شناخته می‌گردد و دانش، پیشوای عقل است.

۱- تحف العقول، ص ۲۸

ص: ۱۰۶

درخواست

تمنّا کردن از دیگران، از شخصیت و بزرگی آدمی می‌کاهد. بر این اساس، اسلام برای تکریم شخصیت انسانی، دستور داده است تا آنجا که می‌توانید دست نیاز به سوی این و آن دراز نکنید. در حقیقت، بی‌نیازی در پس پرده مناعت طبع قرار دارد. کسـی که عزت نفس و بزرگی دارد، هیـچ‌گاه به خاطر تأمین انـدکی از نیازهای خود، رنـج خواهش از دیگران را بر خود هموار نمی‌کنـد و خود را پیش دیگران خوار و کوچـک نمی‌سـازد. عملکرد معصومین ما در قناعت و درخواست نکردن بسـیار آموزنـده است. آنان هیـچ‌گاه برای به دست آوردن چیزی از دیگران مطالبه نمی‌کردند و بردباری پیشه می‌کردند تا در زمان مناسب به خواسته مشروع خود دست پیـدا کننـد. فقر و غنـا به داشـتن مـال و منال نیست، بلکه چه بسـیار فقیرانی که در حقیقت، اسـتغنای نفس داشـته‌اند و بزرگنـد و چه دارندگانی که هنوز هم دست نیاز به

ص: ۱۰۷

سوی این و آن دراز می‌کننـد. اینـان در واقع، خود به نوعی فقر و نیازمنـدی دچارنـد که در ظـاهر دیـده نمی‌شود. به راستی مـا جزو کدام دسته‌ایم؟

پیامبر ارجمند اسلام درخواست کردن غیر ضروری را نشانه فقر می‌شمارد و می‌فرماید:

قِلَّهُ طَلَبِ الْحَوائِجِ مِنَ النَّاسِ هُوَ الْغِنَی الْحَاضِرُ وَ کَثْرَهُ الْحَوائِجِ الَی النَّاسِ مَذَلَّهٌ وَ هُوَ الْفَقْرُ الْحاضِرُ.(۱)

کم خواهش کردن از مردم، بی‌نیازی حاضر و زیاد خواهش کردن از مردم، خواری و فقر حاضر است.

دروغ‌گویی

دروغ یکی از انحراف‌های شدید اخلاقی است.

دروغ گـو پیوسـته دچـار تشـویش و نگرانی است و بیم آن دارد که حقیقت مطـالب آشـکار و او رسـوا شـود. بر اثر کشف حقـایق، شرافت ذاتی دروغ گو از دست

۱- تحف العقول، ص ۹

ص: ۱۰۸

می‌رود و وی نزد دیگران حقیر و ناچیز می‌شود.

دروغ گویی از صفات ناپسندی است که در همه آیین‌ها عامل انحطاط شخصیت فرد و آسیب اجتماعی شمرده شده است. هر کس راست‌گوتر باشد، سخن مردم را زودتر باور می‌کند و هر که دروغ‌گوتر است، بیشتر مردم را دروغ‌گو می‌شمارد.

از روایات معصومین برمی‌آید که درمان دروغ گویی بر بهسازی روحی و معنوی آدمی تأثیر فراوانی دارد. در حقیقت، وقتی آدمی، مادر زشتی‌ها را ترک می‌کند، رفته رفته کاستی‌های اخلاقی دیگر را نیز از خود دور می‌سازد. پیامبر بزرگوار اسلام با تأکید بر پرهیز از دروغ می‌فرماید:

ایَّاکَ وَ الْکِذْبَ فَانَّ الْکِذْبَ یُسَوِّدُ الْوَجْهَ، ثُمَّ یُکْتَبُ عِنْدَ اللَّهَ کَذَّاباً وَ انَّ الصِّدْقَ یُبَیِّضُ الْوَجْهَ وَ یُکْتَبُ عِنْدَ اللَّهِ صادِقاً وَ اعْلَمْ أَنَّ الصِّدْقَ مُبارَکٌ وَ الْکِذْبَ مَشْؤُومٌ. (۱)

از دروغ بپرهیز؛ زیرا دروغ، رو را سیاه می‌کند و

۱- تحف العقول، ص ۱۴

ص: ۱۰۹

سپس مرتکب آن، نزد خداوند دروغ‌گو نوشته می‌شود و راست گویی، رو را سفید می‌کند و نزد خداوند راست‌گو نوشته می‌شود و بدان که راست گویی، مبارک و دروغ گویی، شوم است.

دعا در غیاب دیگران

دعاهـایی که در نبود افراد، در حق آنان انجام می‌شود، بسیار به اجابت، نزدیک و نشان‌دهنـده کمال اخلاص دعا کننـده است؛ زیرا ممکن است دعاهـایی که در حضور دیگران انجام می‌شود، با شایبه ریا و جلب اعتماد و رضایت ذی‌نفع همراه باشـد. به یقین، چنین اعمالی نزد پروردگار متعال، هیچ ارزشی نخواهد داشت. دعا کننده در دعاهای پنهانی که تنها برای رضایت الهی است، دعا را حتی پس از اجابت نیز فاش نمی‌سازد تا ذی‌نفع متوجه نشود که با چه واسطه‌ای، مورد لطف خداوند قرار گرفته است.

پیامبر اسلام، عمل خالصانه را گران‌سنگ‌ترین و با ارزش‌ترین اعمال می‌داند و می‌فرماید:

ص: ۱۱۰

اسْرَعُ الدُّعاءِ اجابَةً دعاءُ غائِبٍ لِغائِبٍ. (۱)

سریع‌ترین دعا که اجابت می‌شود، دعای غایب برای دیگری است.

دعوت به گمراهی

هر کس مسئول رفتار و گفتار خویش است، ولی گاهی انسان با گفتار یا رفتار خویش در گناه یا ثواب دیگران شریک می‌شود و آن در صورتی است که فرد، دیگران را به انحراف بکشاند. برعکس، چنانچه انسان، دیگران را به کار و سنت نیکو فرا بخواند تا به سعادت دنیا و آخرت برسند، در ثواب عمل‌کنندگان نیز شریک خواهند بود. پس مبادا که با گفتار و کردار خویش، دیگران را گمراه کنیم؛ زیرا در آن صورت، عذابی دردناك در انتظارمان خواهد بود. رسول گرامی اسلام در این‌باره می‌فرماید:

ایَّما داعٍ دَعا الی ضَلالَةٍ فَاتُّبِعَ فَانَّ عَلَیْهِ مِثْلَ

۱- نهج الفصاحه، ش ۲۹۱

ص: ۱۱۱

اوْزارِ مَنِ اتَّبَعَهُ ....(۱)

هر کس که مردم را به گمراهی بخواند و از او پیروی کنند، گناهی مثل گناه عمل‌کنندگان به آن خواهد داشت ....

دگرگونی‌های زندگی

زندگی همیشه یکنواخت نیست، بلکه همیشه با تغییر، دگرگونی و فراز و نشیب‌هایی همراه است. انسان اندیشمند از تحول‌های مثبت و منفی روزگار، درس زندگی می‌آموزد و درمی‌یابد که چه عواملی در شکست یا پیروزی اثرگذار است. از طبیعت بی‌جان که با رویش جوانه‌ها و دمیدن روح بهار، طراوت و سرزندگی می‌یابد و از پایدار نبودن جاه و مقام‌ها، به ماهیت این سرای گذر، پی می‌برد. در نتیجه، از خواب غفلت برمی‌خیزد و خود را برای روزی آماده می‌کند که مال و فرزند به یاری انسان نمی‌شتابند. بلکه قلب سلیم و پرهیزگاری، دستگیر انسان است. پیامبر اسلام، کسانی را که از گذر زمان و فراز و فرودهای روزگار پند

۱- همان، ش ۱۰۲۶

ص: ۱۱۲

نمی گیرند، نکوهش می کند و می‌فرماید:

اغْفَلُ النَّاسِ مَنْ لَمْ یَتَّعِظْ بِتَغَیُّرِ الدُّنْیا مِنْ حالٍ إِلی حالٍ. (۱)

غافل‌ترین مردم کسی است که از دگرگونی‌های دنیا پند نگیرد.

دنیاگرایی

مردم دنیا پرست بسیارند و افراد دنیادار هم بی‌شمار.

تمام فکر این افراد در دایره مادیات سیر می کند و اندیشه آنان از شهوت‌ها فراتر نمی‌رود. اگر از دین سخن می گویند، بسیار سطحی و گذرا است. آنان دین را هم وسیله دست‌یابی به اهداف دنیوی خویش قرار داده‌اند. اگر میان دین و دنیایشان تزاحمی پیش آید و مجبور شوند یکی را برگزینند، حتماً در پی دنیا خواهند رفت. در صورت به مخاطره افتادن دینشان، هیچ حساسیتی نشان نمی‌دهند و بی‌اعتنا از کنار آن می گذرند، ولی شتابان

۱- نهج الفصاحهٔ، ش ۳۷۹

ص: ۱۱۳

به دور دنیا می‌چرخند و تمام نیروی خود را به کار می‌گیرند تا توشه دنیایی را به دست آورند. حتی در این راه از ستمگری و حق‌کشی، نیرنگ و مانند آن هم روی‌گردان نیستند. آنان نمی‌دانند که چه گوهرهای ارزشمندی را در راه به دست آوردن مال ناچیز دنیا هدر داده‌اند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله برای پیش‌گیری از این وضعیت اجتماعی و بر حذر بودن از این‌گونه افراد می‌فرماید:

یَأتِی عَلَی النَّاسِ زَمانٌ لَا یُبَالِی الرَّجُلُ مَا تَلِفَ مِنْ دِیْنِهِ اذَا سَلِمَتْ لَهُ دُنْیَاهُ. (۱)

زمانی برای مردم پیش خواهد آمد که مردم به تلف شدن دین اهمیتی نمی‌دهند، هنگامی که دنیای آنها محفوظ و سالم باشد.

دوری از مواضع اتهام

گاهی انسان، خود، شخص محترم و آبرومندی است، ولی به دلیل نشست و برخاست با کسانی که

۱- تحف العقول، ص ۵۲

ص: ۱۱۴

مورد اتهام هستند، در معرض تهمت قرار می گیرد.

مردم می‌پندارنـد او نیز در سـلک و پیشه آنان است؛ چون اگر با آنان مخالف بود، به هم‌نشـینی با آنان ادامه نمی‌داد. چه بسا ممکن است او فرد درست کاری باشـد، ولی به دلیل رفت و آمـد با بدان، به تدریج خوی و خصـلت آنان را بگیرد و رنگ الهی خویش را از دست بدهد. بنابراین، بسـیار شایسـته است که انسان، برای سـلامت روح و روان و دوری از اتهام، دوستی با چنین افرادی را ترک کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

اوْلَی النَّاسِ بِالتُّهْمَهِٔ مَنْ جالَسَ اهْلَ التُّهْمَهِٔ.(۱)

هر که با متهمان هم‌نشینی کند، بیش از همه سزاوار تهمت است.

دوستی خدا

آفرینش انسان به گونه‌ای است که حب به ذات دارد، هرچند به دیگر انسان‌ها نیز علاقه نشان می‌دهد.

۱- نهج الفصاحه، ش ۹۷۵

ص: ۱۱۵

حب به ذات سبب می‌شود انسان برای حفظ جان خویش تلاش کند و برای پایداری دوستی‌ها به فداکاری و جانبازی دست بزند. برترین گونه عشق و محبت که به آن عشق واقعی می گویند، حب به ذات لا-یزال الهی است. عاشق خداوند، دوستی او را بر هر چیزی مقدم می‌دارد و همه هستی خویش را برای محبت او فدا می کند. محبت به خدا در زندگی دنیوی، با کمک به نیازمندان، انجام خدمات خداپسندانه و اصلاح امور هم‌نوعان تجلی می‌یابد.

پیامبر گرامی اسلام در توصیه به علاقه مُحبّ و محبوب می‌فرماید:

مَنْ اثَرَ مَحَبَّةَ اللَّهِ عَلی مَحَبَّةِ النّاسِ کَفاهُ اللَّهُ مَؤُنَةَ النَّاسِ. (۱)

هر که محبت خدا را بر محبت مردم ترجیح دهد، خداوند، گرفتاری مردم را از او کفایت می کند.

۱- همان، ش ۲۸۳۷

ص:۱۱۶

ص: ۱۱۷

ر

راست‌گویان دروغین

ظاهر و باطن برخی افراد یکسان است و به دلیل این ویژگی، همواره مورد احترام مردم هستند و دیگران به آنان اعتماد دارند. در مقابل، با افرادی روبه‌رو می‌شویم که با ظاهرسازی و ریاکاری‌های حساب شده، خود را به عنوان انسان‌های راست‌گو معرفی می‌کنند، ولی در مواقع مقتضی، برخلاف انتظار ظاهر می‌شوند. در این حالت، افرادی که به آنان اطمینان کرده‌اند، پشیمان می‌شوند و اعتماد آنان به‌طور کامل از بین می‌رود. رسول اللّه صلی الله علیه و آله، این راست‌گویان دروغین را به شدت مورد انتقاد قرار می‌دهد و می‌فرماید:

کَبُرَتْ خِیانَةً أنْ تُحَدِّثَ أَخاکَ حَدیثاً هُوَ لَکَ بِهِ مُصَدِّقٌ وَ أَنْتَ لَهُ کاذِبٌ. (۱)

۱- نهج الفصاحة، ش ۲۱۲۰

ص: ۱۱۸

خیانتی بس بزرگ است که تو به برادر خویش سخنی بگویی که او تو را راست‌گو شمارد، در حالی که دروغ گفته باشی.

راهنمایی

از کارهـای پسـندیده آن است که ره گم‌کردگان را به راه راست هـدایت کنیم تا به مقصـد برسـند. در یک قیاس کوچک می‌توان گفت گاهی به افرادی که مسافر و غریبه‌اند، برمی‌خوریم که کوچه‌ها و خیابان‌های شـهر ما را نمی‌شناسند. ما وظیفه داریم تا آنان را به مقصـد راهنمـایی کنیم؛ زیرا کـاری پسـندیده و ارزشـمند است. همچنین گاهی افرادی هسـتند که راه را از چاه باز نمی‌شناسـند و گمراهند. در اینجا نیز انسان مشـفق و خیرخواه می‌کوشد تا راه راست را به او باز شـناساند و وی را به سوی جاده سـلامت و سعادت رهنمون شود.

پیامبر گرامی اسلام درباره هدایت ره‌جویان می‌فرماید:

ص: ۱۱۹

... ارْشادُکَ الرَّجُلَ فی أَرْضِ الضَّلالِ لَکَ صَدَقَةٌ .... (۱)

... راهنمایی کسی که راه را گم کرده است، صدقه است ....

رسوایی آخرت

بی‌شک، انسان پس از مرگ با نتیجه اعمال خود روبه‌رو خواهد شد و روز حساب بیش از هر چیز دیگری به انسان نزدیک‌تر است. راست‌گوترین افراد؛ یعنی پیامبران و امامان، با تصدیق این امر، مردم را از انجام کارهای زشت برحذر داشته و فرموده‌اند که نتیجه هر کار خوب یا بدی به انسان بازمی‌گردد. روزی فرامی‌رسد که پرده‌ها فرو می‌افتد و باطن و حقایق انسان آشکار می‌شود و انسان‌های بدکار، رسوای عام و خاص خواهند شد. پس ای عزیزا! ما که حاضریم برای حفظ آبروی خود در دنیا، هزینه‌های گزاف بپردازیم، چگونه در برابر حفظ آبروی خود در زندگی جاوید بی‌توجهیم. آیا نباید

۱- نهج الفصاحه، ش ۱۱۱۹

ص: ۱۲۰

برای حفظ آبروی خود در دنیای دیگر چاره‌ای بیاندیشیم؟ پیامبر راستین اسلام در این‌باره می‌فرماید:

فُضُوحُ الدُّنْیا أَهْوَنُ مِنْ فُضُوحِ الْآخِرَهِ. (۱)

رسوایی دنیا آسان‌تر از رسوایی آخرت است.

۱- همان، ش ۲۰۵۷

ص: ۱۲۱

ز

زهد و پارسایی

زهـد به معنـای غایب شـدن از بین مردم و پناه بردن به غار و بیابان نیست. زهـد به معنای تسبیـح به دست گرفتن و به طور کلی امور دنیا را وانهادن نیست.

زهـد به معنای بی‌خبری انسان از عالم سـیاست و ناآگاهی از آنچه در پیرامونش می‌گذرد، نیست. زهد به معنای گوشه‌گیری و گره گشـایی نکردن از امور فردی و اجتماعی دیگران نیست. اینها همه تفسـیرهای نادرست از زهـد و پارسایی است. در اسـلام، زاهـد به کسـی گفتـه می‌شـود کـه از دنیـاگرایی شدیـد و محـور قرار دادن امـور مـادی پرهیز می‌کنـد و اگر هم انـدوخته‌ای دارد، بر اسـاس چارچوبی که دین آن را تعیین کرده است، هزینه می‌کنـد و به دیگران نیز یاری می‌رسانـد. حقیقت زهد و پارسایی را باید در سـیره رفتاری و کلام نورانی معصومین علیهم السلام جست‌وجو کرد؛ زاهدانی حقیقی که پارسایان شب

ص: ۱۲۲

و شیران روز بودند. پیامبراعظم صلی الله علیه و آله در ترسیم گوشه‌ای از حقیقت زهد می‌فرماید:

الزُّهْدُ فِی الدُّنْیا قَصْرُ الْاَمَلِ وَ شُکْرُ کُلِّ نِعْمَةٍ وَالْوَرْعُ عَنْ کُلِّ مَا حَرَّمَ اللَّهُ(۱)

زهد در دنیا، کوتاهی آرزو، به جا آوردن شکر هر نعمت و پرهیز از هر چیزی است که خداوند آن را حرام کرده است.

زیبا سخن گفتن

به راستی که کلام، معجزه گر است و می‌تواند تأثیر فراوانی بر مخاطبان خود داشته باشد. سخن زیبا، محکم، مستدل و منطقی، آدمی را ارشاد و راهنمایی می‌کند و او را به راه راست نزدیک می‌سازد. سخن نیکو در خاندان عصمت و طهارت به روشنی دیده می‌شود. آنان هرجا دل‌های مردم را برای شنیدن آماده می‌دیدند، به سخنرانی می‌پرداختند. کوتاه سخن می گفتند؛ زیاده گو و تناقض گو نبودند.

۱- همان، ص ۵۸

ص: ۱۲۳

شیرین‌سخن‌ترین و شیواگوترین مردمان بودند.

آورده‌اند حتی بهشتیان نیز به زبان محمد صلی الله علیه و آله سخن می‌گویند. آنان هیچ‌گاه با نهایت مرتبه عقل و فهم خویش با کسی سخن نمی‌گفتند. به اندازه عقل و فهمشان حرف می‌زدند. حتی دشمنان نیز در رویارویی با سخنان دل‌نشین معصومین علیهم السلام، لب به اعتراف و اقرار می‌گشودند و بر زیبایی کلامشان صحه می‌گذاشتند. آنان نه تنها خود نیکوسخن بودند، بلکه پیروانشان را نیز به شیوایی، ساده‌گویی و نیکوسخنی دعوت می‌کردند. آنان با رعایت ادب در گفتار، از دیگران می‌خواستند گفتار خویش را پاس بدارند و آن را به ناسزاگویی و سخنان ناپسند آلوده نسازند. آنان سخن زیبا را با ارزش‌تر و اثرگذارتر از چهره زیبا می‌دیدند. پیامبر گرامی اسلام، سرسلسله نیکوسخنان فرموده است:

الْجَمَالُ فِی اللِّسانِ. (۱)

زیبایی در زبان است.

۱- تحف العقول، ص ۳۷

ص:۱۲۴

ص: ۱۲۵

س

سست ایمانی و تجمل‌گرایی

بعضی مردم عادت کرده‌اند زندگی تجملی داشته باشند. اینان که به رفاه‌طلبی و دنیادوستی روآورده‌اند، ساده‌زیستان را که در راهی جز راه آنان گام برمی‌دارند، عقب افتاده و واپس‌گرا می‌نامند.

آنان چنان در تجمل‌گرایی فرورفته‌اند که به کلی از کاروان انسانیت عقب مانده‌اند و ساده‌زیستی را که هنر مردان خداست، به باد تمسخر و استهزا می‌گیرند. خانه دل و جان تجمل‌گرایان از معنویت تهی است و همیشه سزاوار نکوهشند. ساده‌زیستی، روش پسندیده پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام است و آنان اسوه و الگوی دیگرانند. پیامبر اسلام می‌فرماید:

أَخْشی ما خَشیتُ عَلی أُمَّتی کِبَرُ البَطْنِ وَ مُداوَمَهُ النَّوْمِ وَ الْکَسَلُ وَ ضَعْفُ الْیَقینِ. (۱)

۱- نهج الفصاحه، ش ۱۰۹

ص: ۱۲۶

بر امت خویش بیشتر از هر چیز، از شکم‌پرستی و پرخوابی و کسالت و سست‌ایمانی بیم‌ناکم.

ستایش بدکار

بی‌شک، هر انسانی به تشویق و تنبیه نیاز دارد تا از کارهای نیک و بد خود آگاه شود و در به کار بستن روش درست دقت کند. آدمی با تشویق، انگیزه قوی‌تری نسبت به انجام دادن کار می‌یابد و با تنبیه می‌کوشد از تکرار آن پرهیز کند. این اصل مسلّم باید در جای خود به کار گرفته شود. اگر شخص بدکاری از تشویق و تحسین بهره‌مند شود، نه تنها نوعی بی‌عدالتی نسبت به نیکوکاران خواهد بود، بلکه این کار به زیان بدکاران هم است؛ زیرا او را به ادامه دادن و تکرار کار زشتش مصمم‌تر خواهد کرد. از آن گذشته، تحسین فرد بدکار در حقیقت نشانه رضایت از کار زشت او خواهد بود که چنین تمجیدی خلاف عقل و منطق است. این رویه حتی تعادل اخلاقی جامعه را برهم می‌زند و روز به روز بر

ص: ۱۲۷

شمار زشت‌کاران می‌افزاید. بنابراین، تشویق و تنبیه هر چند اهرم‌های کارسازی در انجام عمل و بازدارندگی هستند، ولی شیوه استفاده بجا از آنها بسیار مهم است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نهی از ستایش بدکاران می‌فرماید:

اذا مُدِحَ الْفاجِرُ اهْتَزَّ الْعَرْشُ وَ غَضِبَ الرَّبُّ.(۱)

هنگامی که از آدم بدکار ستایش شود، عرش الهی به لرزه درمی‌آید و خداوند خشمناک می‌شود.

سحرخیزی و بی‌نیازی

سحرخیزی و بی‌نیازی از ویژگی‌های مردان خداست. آنان در سایه سحرخیزی، روحی سرشار از عشق الهی و صفای باطن دارند، به گونه‌ای که انسان، ناخودآگاه در نگاه نافذ آنان گم می‌شود و تحت تأثیر عظمت و بزرگواری آنان قرار می گیرد.

اینان هر چند از امکانات مادی بی‌بهره‌اند، ولی چنان

۱- تحف العقول، ص ۴۶

ص: ۱۲۸

عزت نفسی دارند که هیچ کس نمی‌تواند از اسرارشان آگاه شود. آنان نزد همه کس حتی دشمنان خود، عزیز و قابل احترامند. سخن‌شان اثرگذار و کارشان مورد تأیید همگان است. این بزرگ‌مردان همیشه از الطاف الهی برخوردار بوده‌اند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز وجود این خصلت‌های نیکو را در آنان می‌ستاید:

شَرَفُ الْمُؤْمِنِ قِیامُهُ بِاللَّیْلِ وَ عِزُّهُ اسْتِغْناؤُهُ عَنِ النَّاسِ. (۱)

شرف مؤمن در شب زنده‌داری اوست و عزت وی در بی‌نیازی از مردم است.

سراشیبی سقوط

پیروی از هوا و هوس، به بخل رو کردن، به حرص درآویختن، به خود بالیدن، خود بزرگ‌بینی و مانند آن، آدمی را به ورطه هلاکت و نابودی نزدیک می‌سازد و او را به سراشیبی سقوط می‌کشاند. انسان

۱- نهج الفصاحهٔ، ش ۱۸۱۵

ص: ۱۲۹

در هر حـال به راهبری قابـل اعتمـاد نیاز دارد که با یادآوری، او را از پیروی هوا و هوس و گرایش به رذایل اخلاقی باز دارد و جاده سلامت دنیا و سعادت عقبی را به او نشان دهـد. این راهنمایان، پیامبران الهی هسـتند که همواره در کنار مردم می‌زیسـتند. ایشان با گفتار و رفتار نیکوی خود، اسوه‌های عملی برای بشریت به شمار می‌روند.

آنانی که پیش از سـفارش کاری به دیگران، خود، عامل آن کار بودنـد. پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله دسـتوری سعادت آفرین و نجات بخش به آدمیان هدیه کرده است:

ثَلَاثٌ مُوبِقاتٌ: هَویً مُتَّبَعٌ وَ شُحٌّ مُطاعٌ وَ اعْجابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ. (۱)

سه چیز موجب هلاکت است: هوا و هوسـی که پیروی می‌شود؛ حرص و بخلی که از آن فرمان برنـد و خود پسـندی که عایـد انسان شود.

۱- تحف العقول، ص ۸

ص: ۱۳۰

سرعت در خیرات

برخی مردم، دارایی و اندوخته‌های خود را در راه خدا انفاق می‌کنند و هنگام دیدار خدا، سبک‌بارند؛ زیرا زاد و توشه سفر آخرت را از پیش فرستاده‌اند.

گروهی دیگر، تنها هنگامی به اندیشه انفاق می‌افتند که سلامت جسم را از دست داده و در یک قدمی مرگ قرار گرفته‌اند. در این حال، چون از نبود زاد و راحله سفر آخرت، وحشت کرده‌اند، با شتاب، به انفاق و بخشش می‌پردازند. هرچند این عمل نیز از پاداش برخوردار است، ولی بخششی که برای رضای خداست، با بخششی که از ترس مرگ است، بسیار فرق دارد. گروه سوم، کسانی هستند که حتی هنگام مرگ نیز دست بخشش ندارند و آشکار نیست که دارایی‌شان پس از مرگ، در چه راهی مصرف خواهد شد. بر این اساس، پیامبر اسلام می‌فرماید:

لَأَنْ یَتَصَدَّقَ الْمَرْءُ فی حَیاتِهِ بِدِرْهَمٍ خَیْرٌ لَهُ

ص: ۱۳۱

مِنْ أَنْ یَتَصَدَّقَ بِمِأَئةٍ عِنْدَ مَوْتِهِ. (۱)

اگر انسان در حیات خود، درهمی صدقه دهد، بهتر است از اینکه هنگام مرگش، صد درهم صدقه بدهد.

سستی در عبادت

سستی در هر کاری ناپسند است و سبب می‌شود که کارها به درستی انجام نشود و در نتیجه، اثر مطلوبی در پی نداشته باشد. عبادت هم از کارهایی است که به اخلاص، نشاط و سرزندگی نیاز دارد. اگر یکی از این عوامل نباشد، به همان اندازه به عبادت آسیب می‌رساند. در این میان، سستی و کاهلی و بی‌میلی در عبادت به شدت، از دامنه اثر آن می‌کاهد. بی‌میلی نشانه بی‌انگیزه بودن است و هنگامی که شوق و علاقه در کار نباشد، عبادت، اثر روحی و معنوی نخواهد داشت.

نمازی آدمی را از منکر و زشتی باز می‌دارد که با رعایت تمام شرطها انجام شود تا اثر گذار و

۱- نهج‌الفصاحه، ش ۲۲۱۰

ص: ۱۳۲

بازدارنـده باشـد. در غیر این صورت، عبـادت زبـانی که تنهـا لقلقه زبـان آدمی است، نمی‌توانـد آدمی را از زشتی‌ها باز دارد. پیامبر گرامی اسـلام به نمـاز اهمیت فراوان می‌داد. بـا شـادابی و نشـاط بسـیار، برای برگزاری نمـاز آمـاده می‌شـد و نمـاز تـا عمق جـان او می‌نشست، به گونه‌ای که گفته‌اند پیامبر در حال نماز بود و آوای گریستن او همچون آوای جوشیدن دیگ بود. ایشان نماز خواندن را چنان سازنـده می‌دانست که با اشتیاق تمام، وقت نماز را انتظار می‌کشـید و آن را با آداب کامل بجا می‌آورد. ایشان در سفارشـی زیبا به علی علیه السلام برای آموزش پیروانشان این‌گونه سخن می‌گوید:

یَا عَلِیُّ آفَهُ الْعِبَادَهِ الْفَتْرَهُ. (۱)

ای علی! آفت عبادت، سستی است.

سلام

سلام، بهترین هدیه‌ای است که با کمترین هزینه و بیشترین فایده به همدیگر می‌بخشیم. سلام،

۱- تحف العقول، ص ۶

ص: ۱۳۳

واژه‌ای معجزه آفرین است که غبار کدورت را می‌زداید و رشته‌های محبت را مستحکم می‌سازد.

از درود و سلام فرستادن دریغ نورزیم و این کلمه زیبا را با تکان دادن سر یا برداشتن کلاه یا اشاره و رفتارهای ماشینی عوض نکنیم.

سلام را آشکار کنیم و صداقت و صفا و احترام به دیگران هدیه دهیم. در سیره پیامبر گرامی اسلام آمده است که ایشان در سلام دادن حتی به کودکان، پیش‌قدم بود و کسی نتوانست در این مسابقه، گوی سبقت را از ایشان برباید. آن پیامبر رحمت می‌فرماید:

افشُوا السَّلامَ تَسْلَموا. (۱)

سلام را آشکار سازید تا سلامت بمانید.

سوغات سفر

سوغات سفر، صرف نظر از ارزش مادی، نشان‌دهنده محبت و علاقه افراد به یکدیگر است.

۱- نهج الفصاحه، ش ۳۸۲

ص: ۱۳۴

در واقع، مسافر با این کار می‌فهماند که در سفر نیز به یاد دوست خود بوده است. در حقیقت، این کار، یکی از بهترین راه‌های تحکیم پیمان دوستی و جلب محبت طرف مقابل است. بنابراین، بسیار شایسته است انسان هنگام بازگشت از مسافرت، در حد توان، سوغات دوستان و خویشان را تهیه کند.

البته در این رهگذر، نباید خود را به تکلف و سختی افکند و به ارزش مادی اشیا توجه کند؛ زیرا راضی کردن دیگران به بهای به زحمت انداختن بیش از حد خود، مطلوب نیست. پیامبر اسلام برای احیای این سنت حسنه می‌فرماید:

اذا قَدِمَ احَدُکُمْ مِنْ سَفَرٍ فَلْیَقْدَمْ مَعَهُ بِهَدِیَّةٍ وَ لَوْ یُلْقی فی مِخْلاتِهِ حَجَراً. (۱)

هرگاه کسی از سفر می‌آید، باید با خود سوغاتی بیاورد، اگر چه سنگی در توبره خود بیاندازد.

۱- نهج الفصاحه، ش ۲۲۸

ص: ۱۳۵

سوگند ناصواب

بعضـی افراد عادت کرده‌انـد برای اثبات گفته‌های خود در امور کوچک و بزرگ، قسم می‌خورند. اگر سوگند به دروغ باشد، حرام و غیرشـرعی است. اگر راست باشد و برای امور ضروری باشد، مانند اثبات حق یا برطرف کردن ستم، مانعی ندارد. با این حال، اگر فرد در امور جزئی و پیش پا افتاده قسم بخورد، خـدا را کوچک می‌کنـد و رفته رفته از عظمت و قـداست الهی می‌کاهـد. البته انسان برای ترک هر عـادتی بایـد رنـج آن را بر خود هموار کنـد تـا عادت‌هـای نکوهیـده از او دور شونـد و خود را به خلق نیکو بیارایـد. پیشوایان معصوم، این عادت ناپسند را برنمی‌تابند و از پیروان خود می‌خواهند آن را ترک کنند. پیامبر محبوب اسلام می‌فرماید:

لَا تَحْلِفْ بِاللَّهِ کَاذِباً وَ لَا صَادِقاً مِنْ غَیْرِ ضَرُورَةٍ وَ لَا تَجْعَلِ اللَّهَ عُرْضَةً لِیَمِینِکَ

ص: ۱۳۶

فَانَّ اللَّهَ لَا یَرْحَمُ وَ لَا یَرْعی مَنْ حَلَفَ بِاسْمِهِ کَاذِباً.(۱)

سوگند دروغ به خدا مخور و سوگند راست هم بدون ضرورت یاد مکن و خداوند را در معرض قسم خود قرارمده؛ زیرا خدا به‌کسی که به نام او سوگند دروغ می‌خورد، رحم نمی‌کند و او را مورد ملاطفت خود قرار نمی‌دهد.

۱- تحف العقول، ص ۱۴

ص: ۱۳۷

ش

شادی چشم‌ها

وحشتی بی‌سابقه، دهشتی بی‌مانند، هولی پریشان‌زا و هیبتی بیچاره کننده همه مردم را دربرمی گیرد. همه دل‌ها مضطرب و در تشویش؛ همه بدن‌ها لرزان؛ همه چشم‌ها گریان و همه در اندیشه فرجام کار خویشند. جایی برای فرار نیست. نمی‌توان به مکر و حیله روی آورد و به‌گونه‌ای از مهلکه خود را رهانید و نام آن را زرنگی نهاد. گاهی در دنیای خاکی، بعضی افراد از این راه‌ها برای گریز و رهایی سود می‌جستند، ولی اینجا پایان دنیاست. جایی که انسان‌ها همه در پیش گاه عدل الهی قرار می گیرند و کردارها سنجیده می‌شود. جملگی در اضطراب و هراسند جز مؤمنان و فرمانبرداران؛ آنان که توشه از پیش فرستاده و امنیت را با بندگی خریده و اینک در سایه‌سار لطف الهی قرار گرفته‌اند. آنان چنین فرجام

ص: ۱۳۸

نیکی را بـا شب‌زنـده‌داری و حرکت در دایره شریعت برای خویش مهیـا ساخته‌انـد. همان وعـده‌ای که رسول رحمت به ایشان داده بود:

كُلُّ عَيْنٍ بَاكِيَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الّا ثَلاثَةَ اعْيُنٍ: عَيْنٌ سَهِرَتْ فِى سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَيْنٌ غُضَّتْ عَنْ مَحارِمِ اللَّهِ وَ عَيْنٌ فَاضَتْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ. (۱)

هر چشـمی در روز قیامت گریان است، جز سه چشم: چشـمی که در راه خدا شب بیداری کشـیده باشد؛ چشـمی که به چیزهایی که خدا حرام کرده است، نگاه نکرده باشد؛ چشمی که از خوف خدا اشک بسیار ریخته باشد.

شایسته‌سالاری

بایـد گفت هر کسـی اگر در جایگـاه خود قرار گیرد، می‌توانـد در کارهـا پیشـرفت کمّی و کیفی ایجـاد کنـد، ولی اگر در راسـتای انگیزه‌ها، توانایی‌ها و علاقه‌های خود قرار نگیرد، نه تنها پیشرفتی در کار ایجاد

۱- تحف العقول، ص ۸

ص: ۱۳۹

نمی کند، بلکه عامل رکود و افت در کارها می‌شود.

بنابراین، شایسته است در تقسیم کارها بین نیروهای انسانی به این مهم توجه شود. همچنین اگر کسی نابجا در جای دیگری که استحقاق آن کار را دارد، قرار گیرد، جلو رشد فردی و اجتماعی خودش گرفته می‌شود؛ زیرا شخصی که دارای تخصص، اطلاعات و توانایی مناسب باشد و در جای خود قرار داده شود، عامل پیشرفت و موفقیت در کارها می گردد. بنابراین، بهتر است برای پیشرفت کیفی در کارها و پیش گیری از رکود و کم کاری افراد، کارها به دست اهلش سپرده شود. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

مَنْ عَمِلَ عَلَی غَیْرِ عِلْمٍ کَانَ مَا یُفْسِدُ اکْثَرَ مِمَّا یُصْلِحُ. (۱)

کسی که از روی نادانی کاری انجام دهد، افساد او بیش از اصلاحش خواهد بود.

۱- تحف العقول، ص ۴۷

ص: ۱۴۰

شتاب در توبه

کاروان مرگ بی‌خبر به سراغ ما می‌آید. همیشه بیماری، مقدمه مرگ نیست. چه بسا حوادث گوناگون به انسان مهلت نمی‌دهد تا چشمان باز خود را ببندد یا چشمان بسته‌اش را باز بگشاید. پس چرا اکنون که فرصت باقی است، از گذشته‌های خود باز نگردیم و ره به سوی سلامت و سعادت نسپاریم تا رحمت بی‌منتهای الهی شامل حالمان شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در هشداری ارزنده می‌فرماید:

تُوبُوا الی رَبِّکُمْ مِنْ قَبْلِ انْ تَمُوتُوا ....(۱)

پیش از آنکه مرگتان فرا رسد، به سوی خدای خود توبه کنید ....

شنیدن سخنان خوب

مؤمن- همچون عاشقی که در راه رسیدن به معشوق سر از پا نمی‌شناسد- نه تنها از آموختن مطالب

۱- نهج الفصاحه، ش ۱۱۸۸

ص: ۱۴۱

حکمت‌آمیز و هر آنچه او را به سوی محبوب هدایت کند، خسته نمی‌شود، بلکه اشتیاق او برای شنیدن حکمت، روز به روز افزایش می‌یابد. وی چنان در این راه مصمم است که هیچ‌گونه ضعف و سستی در او دیده نمی‌شود. مؤمن حیات معنوی خود را به این سخنان خوب و باارزش وابسته می‌داند و از هم‌نشینی با عالمان مهذب و مطالعه کتاب‌های سودمند لذت می‌برد. هم‌نشینی با خوبان، خواه ناخواه آثارمثبتی در انسان بر جا می‌نهد. پس بکوشیم حقِّ گوش را که شنیدن نیکوست، ادا کنیم.

پیامبر اسلام در تحسین این رویه پسندیده می‌فرماید:

لَنْ یَشْبَعَ الْمُؤْمِنُ مِنْ خَیْرٍ یَسْمَعُهُ حَتّی یَکُونَ مُنْتَهاهُ الجَنَّةَ. (۱)

مؤمن هرگز از شنیدن سخنان خیری که می‌شنود، خسته نخواهد شد تا به بهشت برسد.

۱- همان، ش ۲۲۹۲

ص: ۱۴۲

شهادت دروغ

دروغ یکی از گناهـان بزرگ است و دروغ‌گـو نزد مردم ارزش و جایگـاهی نـدارد، ولی بـدترین دروغ آن اسـت که شـخص برای پای‌مال کردن حق دیگران، شـهادت دروغ بدهـد. این کار، روح فرد را به ناپاکی می‌آلاید و حقوق دیگران را ضایع می‌کند. شاهد دروغین، افکار را به راه خطا و ناصواب می‌کشاند.

در نـتیجه، طرف مقابـل نیز برای احقـاق حـق خـود، به سـتیزه‌جویی روی می‌آورد. پیـامبر رحمت در هشـداری به شـهادت‌دهندگان دروغین می‌فرماید:

لَنْ تَزُولَ قَدَمُ شاهِدِ الزُّوُّرِ حَتّی یُوجِبَ اللّهُ لَهُ النّارَ.(۱)

شاهد دروغین از جای نمی‌جنبد، مگر اینکه خداوند، دوزخ را بر او واجب می‌کند.

۱- نهج الفصاحهٔ، ش ۲۲۸۷

ص: ۱۴۳

ص

صداقت در تجارت

اگر تجارت و معامله، عادلانه و بر اساس قانون الهی باشد، بسیار پسندیده است، ولی بعضی سودجویان، از این رهگذر، به انواع بی‌رحمی‌ها دست می‌یازند. این زیاده‌طلبان، برای غارت اموال مردم، با انواع و اقسام حیله و بازارگرمی، اجناس خود را به چندین و چند برابر می‌فروشند و همچنان می‌پندارند که سرمایه مفیدی اندوخته‌اند. آیا درست است که افزون‌خواهان، با پنهان ساختن و انبار کردن اجناس مورد نیاز مردم، آن را به قیمت گزاف بفروشند و با گستاخی تمام، خود را مسلمان نیز بدانند؟ پیامبر خدا در توصیه به راستی و صداقت در کسب و کار می‌فرماید:

یا مَعْشَرَ التُّجّارِ إِنَّ اللَّهَ باعِثُكُمْ يَوْمَ الْقِيامَةِ

ص: ۱۴۴

فُجّاراً إِلّا مَنْ صَدَقَ وَ أَدَّی الْأَمانَهَ. (۱)

ای گروه تاجران! خدا شما را فاجر محشور می‌کند جز آنان که امین و درستکار هستند.

صله رحم

اسلام بر دیدار و رسیدگی به حال خویشاوندان بسیار تأکید کرده است. این امر، محبت و دوستی را بین اقوام و خانواده‌ها پدید می‌آورد و سبب می‌شود آنان در گاه گرفتاری، با انگیزه بیشتری به یاری یکدیگر بشتابند. البته باید کوشید این دیدارها، به محفلی برای بدگویی و غیبت دیگران تبدیل نشود. این دیدارها زمانی سودمند است که با بحث‌های مفید و آگاهی دادن به یکدیگر همراه باشد. پیامبر گرامی اسلام نیز برای دیدار و رسیدگی به خویشاوندان، اهمیت بسیاری قائل بود. ایشان می‌فرماید:

لایَدْخُلُ الْجَنَّهَ قاطِعُ رَحِمٍ. (۲)

قطع کننده رحم وارد بهشت نخواهد شد.

۱- همان، ش ۳۲۰۴

۲- همان، ش ۲۵۳۳

ص: ۱۴۵

ض

ضیافت مقبول

ترتیب دادن مجلس مهمانی کار بسیار خردمندانه و پسندیده‌ای است، اگر:

۱. برای تحکیم رشته‌های محبت باشد.

۲. به شکرانه اعطای نعمتی از جانب خداوند باشد.

۳. سبب اسراف و هدر رفتن نعمت‌های الهی نگردد.

در این صورت، نشست و برخاست‌ها، وسایل رشد مادی و معنوی افراد را فراهم می‌آورد.

بنابراین، باید تلاش شود تا افزون بر پذیرایی، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، دیگران را به وظایف انسانی‌شان آگاه سازیم. در این میان، آنچه مورد نکوهش اولیای الهی است، این است که دعوت شدگان تنها از میان ثروتمندان و صاحبان قدرت و شوکت باشند. به راستی آیا می‌توان انسان‌هایی را که

ص: ۱۴۶

تنها گناهشان، نداشتن مال و قدرت ظاهری است، از ورود به چنین مجالسی منع کرد؟ آیا این بزرگ‌ترین توهین به مقام انسانیت نیست؟ حضرت ختمی مرتبت می‌فرماید:

بِئْسَ الطَّعامُ طعامُ العُرْسِ یَطْعَمُهُ الأَغْنِیاءُ وَ یُمْنَعُهُ الْمَساکینُ. (۱)

چه بد است خوراک عروسی که ثروتمندان از آن بخورند و فقیران محروم بمانند.

۱- نهج الفصاحهٔ، ش ۱۰۸۰

ص: ۱۴۷

ط

طلب عافیت برای دیگران

برخی انسان‌ها پیش از دعا برای خود، در حق دیگران دعا می‌کنند و این نشان‌دهنده علاقه و محبتی است که نسبت به دوستان و نزدیکان خود دارند. تجربه نشان داده است چنین کسانی زودتر از دیگران به حاجت خود می‌رسند. شاید این موفقیت سریع آنان به دلیل گذشت و نیت پاک آنان باشد؛ زیرا چه بسا دعای خالصانه آنان بدون اطلاع و تقاضای طرف مقابل، صورت می‌گیرد و این، نشان‌دهنده اخلاص و علاقه بسیار آنان به شخص دعا شده است. رسول اسلام یکی از رمزهای اجابت دعا را چنین معرفی می‌کند:

اطْلُبِ الْعافِیَهَٔ لِغَیْرِکَ تَرْزُقْها فِی نَفْسِکَ. (۱)

برای دیگران عافیت بخواه تا نصیب تو گردد.

۱- همان، ش ۳۲۶

ص:۱۴۸

ص: ۱۴۹

ع

عالم به دنیا و جاهل به آخرت

دانش زمانی ارزشمند است که به مسائل مادی و دنیوی محدود نگردد و سعادت دنیا و آخرت صاحب دانش را تأمین کند. امروز بیشتر ویرانی‌ها و خرابی‌ها، به دلیل نگاه یک بُعدی به علوم بوده است. به گونه‌ای که برخی در مسائل مادی اطلاعات بسیار ریز و دقیقی دارند، ولی متأسفانه در مسائل دینی و اخروی بسیار کم‌خبرند.

بنابراین، چنانچه علوم مادی با علوم مربوط به دین و آخرت همراه شود، بشر را به سعادت و سربلندی می‌رساند.

هر عالمی باید باتوجه به فایده‌های دنیوی و اخروی هر علم، با بینشی درست و حساب شده، آن را به کار برد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

ص: ۱۵۰

انّ اللَّهَ یُبْغِضُ کُلَّ عالِمٍ بِالدُّنْیا جاهِلٍ بِالآخِرَهْ. (۱)

خداوند هر کسی را که به کار دنیا، دانا و در کار آخرت، نادان است، دشمن می‌دارد.

عبادت مخفی

برخی عبادت‌ها در دین اسلام، جنبه شعاری دارند؛ یعنی برای تعظیم شعایر، باید آنها را آشکارا انجام داد. عبادت‌هایی چون اذان، نماز جماعت، حج و جهاد، روح یگانگی را در همگان تقویت می‌کند و مردم را در راه اجرای آنها مصمم‌تر می‌سازد. بعضی دیگر از عبادت‌ها باید مخفیانه انجام گیرد.

عبادت‌هایی مانند نماز شب، روزه و دستگیری از مستمندان اگر پنهانی انجام گیرد، ارزشمندتر و مطلوب‌تر است؛ زیرا بیم ریاکاری و وسوسه‌های شیطانی در این موارد زیاد است. پیامبر گرامی اسلام تأکید دارد که این‌گونه کارها پنهانی صورت گیرد تا جنبه خودنمایی به خود نگیرد و پاداش آن از بین

۱- همان، ش ۷۹۶

ص: ۱۵۱

نرود. بنابراین می‌فرماید:

اعْظَمُ الْعِبادةِ اجْرَاً أَخْفیها. (۱)

بالاترین عبادت از نظر پاداش، مخفی‌ترین آنهاست.

عذرپذیری

گاهی انسان در برخوردهای اجتماعی خویش، با دیگران اختلاف پیدا می‌کند که گاه به مشاجره لفظی یا برخورد فیزیکی می‌انجامد، ولی سرانجام ممکن است خود آن فرد یا با واسطه نزدش بیاید و عذرخواهی کند. در چنین حالی، مروّت و جوان‌مردی اجازه نمی‌دهد دست رد به سینه او بزنیم؛ زیرا وی خودش را شرمسار می‌داند و از عذاب وجدان رنج می‌برد. پسندیده است که با برخوردی بزرگوارانه، عذرش را بپذیریم و برای انجام این کار نیک، از او سپاس‌گزاری کنیم. رسول گرامی اسلام در این باره می‌فرماید:

۱- نهج الفصاحهٔ، ش ۳۴۹

ص: ۱۵۲

مَنْ لَمْ یَقْبَلِ الْعُذْرَ مِنْ مُتَنَصِّلٍ صادِقاً کانَ اوْ کاذِباً لَمْ یَنَلْ شَفاعَتی. (۱)

هر کس عذر پوزش گری را- راست باشد یا دروغ- نپذیرد، به شفاعت من نمی‌رسد.

عزت نفس

برخی نیازمندان چون طبع بلند دارند، همواره می کوشند خود را بی‌نیاز نشان دهند و به اصطلاح «با سیلی، صورت خود را سرخ نگه دارنـد». در مقابـل، به افرادی برمی‌خوریم که بـا داشـتن رفـاه و برخورداری از امکانـات مـالی، همچنان دست نیاز به سوی این و آن دراز می کنند. اینان، فرومایگانی هستند که به آسانی، عزت نفس خود را از دست می‌دهند و دین و شخصیت خود را می‌فروشند.

آیین اسـلام به پیروانش دسـتور می‌دهد که هیچ گاه شخصـیت والای خود را به بهای ناچیز نفروشند و برای به دست آوردن نیازهای مادی خویش،

۱- همان، ش ۲۷۵۷

ص: ۱۵۳

به سوی این و آن دست دراز نکنند. پیامبر عظیم‌الشأن اسلام می‌فرماید:

إِسْتَغْنُوا عَنِ النّاسِ وَ لَوْ بِشَوْصِ السِّواکِ. (۱)

از مردم بی‌نیاز باشید و از آنان، یک قطعه چوب مسواک هم نخواهید.

عفو به هنگام قدرت

هر انسانی حق دارد نسبت به آن مقدار حقی که از او ضایع شده است، دادخواهی کند و حق خود را باز پس گیرد. با این حال شایسته است انسان خود را به گونه‌ای تربیت کند که عفو و بخشش را اصل قرار دهد و فقط در مواردی که ضرورت دارد، از حق انتقام استفاده کند. این خصلت، ویژه کسانی است که از کرامت نفس و روحیه والای گذشت برخوردارند.

چه بسا ممکن است با این روح بزرگوارشان، انسان‌های گناه کار و متجاوز را دگرگون سازند و به پاسداری از حقوق دیگران، رهنمون شوند. پیامبر

۱- همان، ش ۲۸۳

ص: ۱۵۴

رحمت در این باره می‌فرماید:

اذِا قَدَرْتَ عَلی عَدُوِّکَ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ شُکْراً لِلْقُدْرَهِْ عَلَیْهِ. (۱)

وقتی بر دشمنت چیره شدی، عفو را شکرانه این چیرگی قرار ده.

عیادت از بیماران

نشـاط روحی و روانی تأثیر فراوانی در بهبودی بیماری دارد. بیمار به دلیل درد و رنـج، به غم و انـدوه مبتلا می‌شود و با فرو رفتن در خود، خزیـدن در گوشه تنهـایی و دوری از اجتمـاع، بر عـذاب روح خود می‌افزایـد. پیـامبر عزیز اسـلام به دوسـتان و خویشـان بیمار توصـیه می‌کنـد که به دیـدار وی برونـد؛ چون برای قدم‌هایی که در این راه برمی‌دارند، ثواب‌های فراوانی در نظر گرفته شده است. آن گاه که کنار بیمار می‌نشینید، از خوشی‌ها و امیدها و سلامتی سخن بگویید تا حالت نشاط و

۱- همان، ش ۲۲۷

ص: ۱۵۵

سرزندگی و امید در او پدید آید و با روحیه مناسب با بیماری مبارزه کند. ایشان در سخنی جاودانی می‌فرماید:

عائِدُ الْمَریضِ یَمْشی فی طَریقِ الْجَنَّةِ حَتّی یَرْجِعَ. (۱)

کسی که بیماری را عیادت می‌کند، تا هنگامی که باز می‌گردد، در راه بهشت قدم می‌زند.

عیادت بیماران، آداب و شرایط ویژه‌ای دارد.

بیمار به استراحت و آرامش جسمی و روحی نیاز دارد. ازاین‌رو، عیادت طولانی نه تنها او را شادمان نمی‌کند، بلکه مایه رنجش خاطر وی نیز خواهد شد. همچنین شایسته است عیادت کننده هنگام دیدار، ارمغانی را که با ذایقه بیمار سازگار است، به او هدیه کند. عیادت کننده نباید بسیار سخن بگوید، بلکه باید برای سلامتی بیمار دعا کند و وعده بهبودی بدهد تا او را به آینده امیدوار سازد. پیامبر ارجمند اسلام در ستایش این عمل پسندیده و توجه

۱- نهج الفصاحهٔ، ش ۱۹۲۶

ص: ۱۵۶

به آداب آن می‌فرماید:

افْضَلُ الْعِبادَةِ أَجْراً سُرْعَةُ الْقِيام مِنْ عِنْدِ الْمَريضِ. (۱)

از بهترین عبادت این است که از نزد بیمار، زودتر برخیزی.

۱- همان، ش ۴۱۲

ص: ۱۵۷

غ

غذای دسته جمعی

یکی از آسیب‌های زندگی ماشینی و صنعتی این است که به دلیل کثرت مشاغل و نیازهای مادی، میان افراد خانواده‌ها جدایی انداخته است. کمتر اتفاق می‌افتد که همه اعضای یک خانواده، بر سر یک سفره، غذا بخورند. این وضعیت، به تدریج، روح انزواطلبی را در افراد خانواده پدید می‌آورد و از محبت و الفت آنان نسبت به یکدیگر می‌کاهد.

هم‌نشینی و گرد آمدن بر سر یک سفره، صمیمیّت و صفای خاصی دارد و حتی لذت خوردنی‌ها را در ذایقه انسان افزایش می‌دهد. چه بسا مشکلات خانوادگی هم پس از خوردن غذا، قابل بررسی و نتیجه‌گیری است. پیامبر رحمت درباره دل‌چسب بودن خوردنی‌ها می‌فرماید:

ص: ۱۵۸

احَبُّ الطَّعامِ الَی اللَّهِ ما کَثُرَتْ عَلَیْهِ الْایدی. (۱)

بهترین غذاها آن است که گروه زیادی بر گرد آن بنشینند.

غرور علمی

بی‌شک، بهره‌مندی از دانش، کمال انسانی است و همه مردم، دوستدار دانش و دانشمندند. دانشمندان همانند درختان میوه، هرچه پربارتر باشند، بیشتر فروتن خواهند شد. گذشته از عالمان واقعی، عده‌ای نیز بی‌دلیل، ادعای برخورداری از دانش را دارند. در حقیقت، این مدعیان دروغین که با تبلیغات نادرست، برای خویش، مقام و موقعیتی کسب کرده‌اند، از تجربه‌های علمی بی‌بهره‌اند. دانشمندان واقعی هیچ‌گاه در دانش خود، تظاهر نکرده‌اند و از دانش خود، برای تکامل مادی و معنوی جامعه استفاده می‌کنند. پیامبر گرامی اسلام به مدعیان دانش هشدار می‌دهد:

۱- همان، ش ۸۲

ص: ۱۵۹

مَنْ سَمَّعَ النّاسَ بِعِلْمِهِ سَمَّعَ اللَّهُ بِهِ مَسامِعَ خَلْقِهِ یَوْمَ الْقِیامَهِٔ وَ حَقَّرَهُ وَ صَغَّرَهُ. (۱)

هرکس، گوش مردم را از علم خود پر کند [و به آن ببالد]، خداوند در روز رستاخیز، گوش مردم را از رسوایی وی پر و او را حقیر و ناچیز می‌سازد.

غنیمت شمردن لحظه‌ها

حقیقت این است که هیچ کس نمی‌تواند به زندگی فردای خود اعتماد داشته باشد؛ زیرا هر لحظه در معرض مرگ است و نمی‌داند چه چیزی برایش اتفاق خواهد افتاد. چگونه انسان می‌تواند فردا را جزو عمر خود به حساب آورد، در حالی که پیرامون خویش، کسانی را می‌بیند که در یک چشم برهم زدن با مرگ طبیعی یا حوادث ناگهانی، به سوی سرای دیگر کوچ می‌کنند. پس برای تهیه ره‌توشه آخرت، با امید به فردا و فرداها نمی‌توان زیست.

۱- نهج الفصاحه، ش ۲۸۲۱

ص: ۱۶۰

بایـد لحظه‌ها را غنیمت دانست و از آن بهره برد؛ زیرا جز ذات الهی، کسـی نمی‌داند چه سـرنوشتی برای فرادی او رقم خورده است.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله درباره امید داشتن واهی به فرداها می‌فرماید:

مَنْ عَدَّ غَداً مِنْ أَجَلِهِ فَقَدْ أَساءَ صُحْبَةَ الْمَوْتِ. (۱)

هر کس، فردا را از عمر خویش شمارد، مرگ را خوب نشناخته است.

۱- نهج الفصاحهٔ، ش ۲۹۲۶

ص: ۱۶۱

ف

فداکاری برای دین

در اسلام، مال و جان و دین اهمیت ویژه‌ای دارند و انسان مسلمان باید در برابر به خطر افتادن هر یک از آنها حساسیت نشان دهد و برای احیای آنها مبارزه کند. البته اهمیت اینها به یک اندازه نیست. درست است که مال و جان ارزشمندند و به دفاع نیاز دارند، ولی وقتی پای دین به میان می‌آید، همه چیز را تحت الشعاع قرار می‌دهد. پیشوایان ما نیز وقتی صحبت دین به میان می‌آمد، دشوارترین سختی‌ها و از دست دادن اموال را به راحتی تحمل می‌کردند تا دین پاینده بماند. این گذشت‌ها در زندگی ائمه معصومین به ویژه پیامبر گرامی اسلام به خوبی دیده می‌شود. ایشان در ۲۳ سال سخت‌ترین شرایط را در مکه و مدینه تحمل کرد تا نهال اسلام بارور شود وانسان‌ها بتوانند در پرتو آموزه‌های دینی راه کمال و

ص: ۱۶۲

سعادت بپیمایند. ایشان در پندی گران‌بها به حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

وَ ابْذُلْ مَالَکَ وَ نَفْسَکَ دُونَ دِیْنِکَ. (۱)

مال و جانت را در راه دین خود فدا کن.

فریب‌کاران

مردم دو دسته‌اند؛ گروهی راه صواب می‌پیمایند و دیگران را یا از هم‌نوعان خود یا از هم‌کیشان خویش می‌شمارند. ازاین‌رو، در برخوردهای فردی و اجتماعی با صداقت و سلامت با آنان روبه‌رو می‌شوند. گروه دیگر، در پی حیله‌گری و فریب دادن دیگران برای به دست آوردن مقام و موقعیت اجتماعی یا زرق و برق دنیایی برمی‌آیند و برای به دست آوردن توشه دو روزه دنیا، از زیان رساندن به دیگران هیچ‌گونه پروایی ندارند. اینان در روابط اجتماعی خود با دیگران از در نیرنگ وارد می‌شوند.

بی‌شک، مردم در رویاروی با این افراد سودجو،

۱- تحف العقول، ص ۶

ص: ۱۶۳

آرامش خویش را از دست می‌دهند و تلاش می‌کنند از شر نقشه‌های آنان رها شوند. این افراد، اعتماد اجتماعی را از میان می‌برند و امنیت روانی را نابود می‌سازند. چگونه است که بعضی افراد، از مسلمانی و پیروی از اسوه فضیلت و تقوا؛ یعنی پیامبر گرامی اسلام دم می‌زنند، ولی در عمل، هیچ بهره‌ای از رفتار پیامبر ندارند. حضرت رسول اللَّه صلی الله علیه و آله این افراد را از دایره مسلمانی جدا می‌سازد و می‌فرماید:

لَیْسَ مِنَّا مَنْ غَشَّ مُسْلِماً اوْ ضَرَّهُ اوْ ماکَرَهُ. (۱)

کسی که با مسلمانی غل و غش کند یا به او زیان برساند یا با او از در مکر و خدعه درآید، از ما نیست.

۱- تحف العقول، ص ۴۲

ص:۱۶۴

ص: ۱۶۵

ق

قرض گرفتن

برخی عادت کرده‌انـد که به شـیوه‌های گوناگون از دیگران، پول قرض بگیرنـد. این افراد به دلیل فزونی بـدهی‌ها، آسایش روحی و روانی خود را از دست می‌دهنـد و همیشه در انـدیشه بازپرداخت دَین‌های خود هسـتند و چه بسا آرزو می‌کننـد که کاش به این کار دست نمی‌زدنـد. اگر این اشـخاص بـا چشم‌پوشـی از زیـاده‌خواهی، به آنچه داشـتند، راضـی می‌شدنـد و زنـدگی خود را متناسب با دارایی خویش تنظیم می‌کردنـد، به چنین بلایـی گرفتار نمی‌شدنـد. رعایت اعتـدال در فراهم آوردن امکانات رفاهی زنـدگی سـبب خواهـد شـد افراد، بی‌دلیل زیر بار سـنگین قرض‌های متعدد فرو نروند. پیامبر اعظم صـلی الله علیه و آله، دَیْن و بدهی را به از دسـت دادن آزادی تعبیر کرده و فرموده است:

ص: ۱۶۶

اقِلَّ مِنَ الدَّیْنِ تَعِشْ حُرَّاً. (۱)

قرض کمتر بگیر، تا آزاد زندگی کنی.

قناعت

قناعت‌پیشگان در برابر حوادثی که به گونه‌ای شرف و عزّت آنان را به خطر می‌اندازد، پایدارند. قناعت، فرصت مناسبی را برای آدمی فراهم می‌کند تا جنبه‌های معنوی خویش را تقویت کند و به آسایش و خوشبختی جاودان برسد. قناعت از حرص و آزمندی انسان پیش‌گیری می‌کند و به او اعتدال می‌بخشد. فرد قانع، وقت گران‌بهای خود را صرف خواسته‌های نابجا نمی‌کند و آسان‌تر می‌تواند نردبان تعالی و تکامل را بپیماید. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به پیروان خود توصیه می‌کند که به این ویژگی پسندیده آراسته شوند:

عَلَیْکُمْ بِالقَناعَةِ فَانَّ الْقَناعَةَ مالٌ لایَنْفَدُ. (۲)

به قناعت خو کنید؛ که به راستی، قناعت مالی پایان‌ناپذیر است.

۱- نهج‌الفصاحه، ش ۴۳۲

۲- همان، ش ۱۹۸۰

ص: ۱۶۷

ک

کم حوصله بودن

کم حوصـله بودن یا نشانه بیماری جسمی است یا از ضعف روحی حکایت دارد. انسانی که از روح و جسمی سالم برخوردار است، توانِ رویارویی با مشکلات را دارد و هیچ‌گاه خود را نمی‌بازد و هیاهو به راه نمی‌اندازد. در مقابل، انسان‌های کم حوصله، به تدریج محبوبیت خویش را از دست می‌دهنـد و در مواقع حساس، از قضاوت و تصـمیم‌گیری درست باز می‌مانند. انسان‌های صـبور و مقاوم که از نعمت صبر و دقت نظر بهره‌مندنـد، هیچ‌گاه در کارها و اظهارنظرهای خود، شـتاب نمی‌کنند. به گفته پیامبر گرامی اسـلام، در امور مربوط به دنیا با حوصله و تأمل اقدام کنید، ولی در کارهای خیر و فراهم ساختن توشه آخرت، به خود تردید راه ندهید:

ص: ۱۶۸

التَّؤدَةُ فی کُلِّ شَیْ‌ءٍ خَیْرٌ الّا فِی عَمَلِ الآخرهْ. (۱)

حوصله کردن در همه چیز خوب است جز در کار آخرت.

کمک به نابینایان

هرچنـد انسان‌ها از نظر شخصـیتی با هم فرقی ندارنـد، ولی ممکن است افرادی به دلیل نداشـتن قدرت بینایی، در انجام دادن بعضـی کارهـا، نیازمنـد کمـک دیگران باشـند. انسان مسـلمان در این‌باره، وظیفه‌ای دارد و نبایـد آسوده خاطر باشـد. هر انسان با وجـدان و آزاده‌ای، وظیفه دارد به هم‌نوعان خود کمک کند.

شکرانه دست توانـا و نعمت‌های فراوان الهی، گرفتن دست ناتوان است. اگر ما بگوییم دیگران به او کمک می‌کننـد و به کمک من نیازی ندارد، ممکن است دیگران نیز چنین تصوری داشـته باشـند. در نتیجه، انتظارهای آن نیازمند بی‌پاسخ می‌ماند. پیامبر گرامی ما درباره کمک و یاری رساندن به نابینایان می‌فرماید:

۱- نهج‌الفصاحه، ش ۱۲۰۸

ص: ۱۶۹

مَنْ قادَ اعَمى أَرْبَعينَ خُطْوَةً غُفِرَلَهُ ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ. (۱)

هر کس، نابینایی را تا چهل قدم بکشد، گناهانی که تاکنون کرده است، آمرزیده خواهد شد.

کوچک شمردن مشکلات

اگر انسان اراده کند، می‌تواند به تدریج، به نیرویی دست یابد که تحمل مشکلات را آسان پندارد. این مسئله با قدرت تحمل آدمی، رابطه مستقیم دارد. اگر مشکلات را کوچک شمارد و با آن مبارزه کند، می‌تواند به راحتی بر مشکلات بزرگ نیز چیره شود.

این همه در سایه پشتکار و ایستادگی ممکن است و مهم این است که در برابر گرفتاری‌ها، خود را نبازد و از میدان به در نرود. گاهی انسان در رویایی با مشکلات، از آن معضل، تصویر نادرستی در ذهن خود ترسیم می‌کند؛ یعنی مشکل بسیار بزرگ‌نمایی می‌شود. در حالی که با کوچک شمردن مشکلات

۱- همان، ش ۲۹۱۶

ص: ۱۷۰

بزرگ، می‌توان بر آن چیره شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

لا سَهْلَ الّا ما جَعَلْتَ سَهْلًا. (۱)

هر قدر آسان بگیری، آسان می گذرد.

کیفیت بخشیدن به کار

برخی عادت کرده‌اند که با سهل‌انگاری کارهای خود را بدون کیفیت انجام دهند و پیش از انجام درست یک کار، به کار دیگری بپردازند. آشکار است که در این صورت، انسان نمی‌تواند از کارهای آنان بهره‌برداری کند. در مقابل، افراد نیکی هستند که به دلیل تعهد خویش، کارهایی که به آنان سپرده می‌شوند، به بهترین صورت انجام می‌دهند و محبوبیت مردمی و رضایت الهی را از آن خود می‌سازند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در توصیه به این مهم می‌فرماید:

یُحِبُّ اللَّهُ العامِلَ اذا عَمِلَ انْ یَحْسُنَ. (۲)

خداوند دوست دارد که انسان وقتی کاری انجام می‌دهد، آن را خوب و کامل کند.

۱- همان، ش ۲۴۹۸

۲- همان، ش ۳۲۱۷

ص: ۱۷۱

گ

گذشت

داشتن روحیه گذشت، نشانه همت بلند و قدرتِ استقامت فرد است. کسانی که روحیه گذشت دارند، افزون بر اینکه می‌توانند در برابر سختی‌های روزگار استقامت کنند، بر نیروی خشم خود نیز مسلط خواهند شد. چنین افرادی این قدرت را دارند تا در مقابل بی‌ادبی، آرامش خویش را حفظ و حتی در بعضی موارد، از تقصیر دیگران چشم‌پوشی کنند. از نظر اسلام، انسان‌های با گذشت در این جهان، به ناراحتی و ناملایمات گرفتار نمی‌شوند و در آخرت نیز از لطف و محبت خاص الهی بهره‌مند خواهند شد. در حقیقت، آنان بلند همتند و خداوند به دلیل عظمت وجودی‌شان، آنان را در پناه لطف و عنایت خاص خود قرار می‌دهد. پیامبر رحمت می‌فرماید:

ص: ۱۷۲

اسْمَحْ یُسْمَحْ لَکَ. (۱)

آسان‌گیر تا بر تو آسان گیرند.

ایشان در حدیث دیگری می‌فرماید:

خُلْقانِ یُحِبُّهُما اللَّهُ ... فَامَّا اللِّذانِ یُحِبُّهُما اللَّهُ فَالسَّخاءُ وَ السَّماحَةُ. (۲)

خدا، دو صفت را دوست دارد ... ولی آن دو چیزی که خدا دوست دارد، بخشش و گذشت است.

گردش ایام

انسان خردمند، از گردش روزگار و پیشامدها و حوادث غافل نیست و از همه آنها درس عبرت و سازندگی می‌آموزد. افراد بسیاری از بهترین امکانات مادی برخوردار بودند، ولی اینک به تکه‌ای نان محتاج شده‌اند یا چه بسا آدم‌هایی که آه در بساط نداشتند، ولی امروز صاحب مال و منال فراوانند. چه افراد توان‌مندی که نعمت سلامتی و قدرت

۱- نهج الفصاحه، ش ۲۹۳

۲- همان، ش ۱۴۵۴

ص: ۱۷۳

جسمانی داشتند، ولی اینک زمین گیر شده‌اند. آیا بهتر نیست انسان از آنچه در پیرامونش می‌گذرد، درس عبرت بگیرد و به قدرت جسمانی و مال و دارایی خود مغرور نشود؟

به یاد آوریم این سخن ظریف قائم مقام فراهانی را:

روزگار است این، که گه عزت دهد، گه خوار داردچرخ بازیگر از این بازیچه‌ها، بسیار دارد

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

کَفی بِالدَّهْرِ واعِظاً وَ بِالْمَوْتِ مُفَرِّقاً. (۱)

چه آموزگاری است روزگار و چه جماعت پراکنی است مرگ!

گشاده‌رویی

بسیار اتفاق می‌افتد که انسان حال مناسبی دارد، ولی در برخورد با افراد اخم‌آلود و در خود فرورفته، حال خوش خود را از دست می‌دهد. همچنین چه بسا از

۱- همان، ش ۲۱۲۶

ص: ۱۷۴

پیشامدی، انـدوهگین است، ولی بـا افرادی که چهره‌ای بشاش و خوش‌رو دارنـد، روبه‌رو می‌شود و غم و غصه‌های خویش را از یاد می‌برد. در حقیقت، گشادگی چهره یـا درهم کشیـدن آن، به اختیـار انسـان است؛ با خوش‌رویی، می‌توانـد توجه دیگران را به خود جلب کنـد و بـا اخم و نـاراحتی، دیگران را از خود خواهـد رانـد. پیـامبر گرامی‌اسـلام، گشاده‌رویی را نوعی صـدقه شـمرده است و می‌فرماید:

مِنَ الصَّدَقَةِ أنْ تُسَلِّمَ عَلَی النَّاسِ وَ أَنْتَ طَلِقُ الْوَجْهِ.(۱)

از جمله صدقات این است که با گشاده‌رویی به مردم سلام کنی.

گشایش در زندگی

خداونـد به هر کس به انـدازه مناسب، نعمت و روزی می‌دهد و دوست دارد بنده‌ای به اندازه گشایش در زندگی، برای خود و اهل و عیالش تسهیلاتی فراهم آورد. بعضی از انسان‌ها فکر می‌کنند هرچه آدمی

۱- همان، ش ۳۰۶۸

ص: ۱۷۵

ناچیزتر باشد و از امکانات مالی بهره نگیرد، رضایت الهی را بهتر به دست آورده است، در حالی که چنین اندیشه‌ای درست نیست. استفاده متعادل از زندگی متناسب با شأن آدمی، مطلوب خداوند و توصیه ائمه معصومین علیهم السلام است.

درست است که آدمی نباید برای به دست آوردن زندگی بهتر، از عزت و آبروی خود هزینه کند و دست نیاز به سوی این و آن بگشاید، ولی وقتی خداوند، گشایشی در زندگی او ایجاد کرد و نعمتی را به او ارزانی داشت، حق استفاده از آن را دارد. در این صورت، خداوند نیز راضی‌تر است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

انَّ اللَّهَ یُحِبُّ اذَا انْعَمَ عَلَی عَبْدٍ انْ یَری اثَرَ نِعْمَتِهِ عَلَیهِ وَ یُبْغِضُ الْبُؤْسَ وَ التَّبؤُّسَ. (۱)

هر وقت خداوند نعمتی به بنده‌ای داد، دوست دارد اثر آن نعمت را بر آن بنده ببیند و از فقر و حالت ناداری به خود گرفتن، بدش می‌آید.

۱- تحف العقول، ص ۵۶

ص: ۱۷۶

گوهرهای درخشان

دست‌یابی به اهداف انسانی در پرتو داشته‌های کمالی امکان‌پذیر خواهد بود. ایمان از عواملی است که آدمی را در برابر لغزش حفظ می‌کند و همچون سپری است محکم در برابر هجوم افکار شیطانی و حصاری است که سعادت و سلامت دنیوی و اخروی را در خود جای داده است. در کنار ایمان و پرهیزگاری، علمی که بتواند برای او و دیگران ثمربخش باشد و همچنین تدبری که وی را به نرم‌خویی فرا خواند تا با دیگران به مدارا رفتار کند، بسیار ارزشمند است. اگر آدمی، پرهیزگار باشد، خود را نیز به زیور دانش بیاراید و وسیله سنجش اعمالش، عقل و تدبیر باشد، می‌تواند منشأ عمل خیر باشد. رسول گرامی اسلام نیز بر این سه گوهر ارزشمند تأکید کرده است و می‌فرماید:

ثَلاثٌ مَنْ لَمْ یَکُنْ فِیهِ لَمْ یَقُمْ لَهُ عَمَلٌ: وَرَعٌ

ص: ۱۷۷

یَحْجُزُهُ عَنْ مَعَاصِی اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَ عِلْمٌ یَرُدُّ بِهِ جَهْلَ السَّفِیهِ وَ عَقْلٌ یُدارِی بِهِ النَّاسَ. (۱)

سه چیز است که اگر در کسی نباشد، عملی از او سر نمی‌زند: پرهیزگاری که او را از نافرمانی‌های خداوند متعال باز دارد؛ دانشی که با آن، نادانی آدم نادان را برطرف سازد؛ عقلی که به وسیله آن، با مردم به مدارا رفتار کند.

۱- همان، ص ۷

ص:۱۷۸

ص: ۱۷۹

ل

لبخند

بعضی چهره‌ای گرفته و خشن دارند، به گونه‌ای که آدمی با دیدن آنان به یاد گرفتاری‌های خویش می‌افتد.

بعضی نیز چهره‌ای تبسم‌آمیز و روحیه‌ای شاد دارند که دیگران با دیدن آنان، رنج و مصیبت خود را از یاد می‌برند و دوست دارند ساعت‌ها با آنان باشند. افراد خنده‌رو به سرعت در قلب دیگران، نفوذ و محبت آنان را به خود جلب می‌کنند. به گونه‌ای که انسان، ناخودآگاه احساس می‌کند سالیان درازی است با آنان آشنایی و صمیمت دارد. باری، اولیای الهی نیز همواره با چهره‌ای گشاده و شاد با مردم روبه‌رو می‌شوند که در این میان، پیامبر رحمت، زبانزد خاص و عام است. آن وجود نازنین می‌فرماید:

تَبَسُّمُکَ فِی وَجْهِ اخیکَ لَکَ صَدَقَةٌ. (۱)

لبخند تو بر روی برادرت، برای تو صدقه‌ای است.

۱- نهج‌الفصاحه، ش ۱۱۱۹

ص: ۱۸۰

لجاجت و ستیزه‌جویی

افراد ستیزه‌جو، انسان‌های خودخواه و بی‌گذشتی هستند که می‌کوشند با لجاجت و دشمنی با دیگران، رنج و ناراحتی درونی خویش را کاهش دهند. این در حالی است که هرچه میزان لجاجت و ستیزه‌جویی آنان بیشتر شود، فشار روحی و جسمی آنان نیز افزایش می‌یابد. برعکس، آدم‌های معتدل همواره می‌کوشند تحت تأثیر احساسات ناشی از خشم و غریزه قرار نگیرند و بی‌درنگ به ستیزه‌جویی و لجاجت نپردازند. بسیار اتفاق افتاده است که کنترل نفس و بردباری، نتیجه شیرین و خوشایندی چون مودت و دوستی به همراه داشته است و فردی که ممکن بود با یک برخورد تند و ناسنجیده، در شمار مخالفان و دشمنان انسان درآید، به یکی از دوستان و مریدان او تبدیل شده است. نه تنها افراد جامعه به انسان لجوج، بی‌اعتنا می‌شوند، بلکه خداوند نیز او را از عنایت خود محروم می‌کند.

ص: ۱۸۱

پیامبر عطوفت و مدارا می‌فرماید:

ابْغَضُ الرِّجالِ الیَ اللَّهِ الْالَدُّ الْخَصِمُ. (۱)

منفورترین مردان نزد خدا، مرد لجوج و ستیزه‌جوست.

۱- همان، ش ۱۸

ص:۱۸۲

ص: ۱۸۳

م

مبارزه با هوای نفس

به هر میزان که انسان خواهان امیال نفسانی باشد، به همان اندازه، از نیروی عقل و اراده فاصله می گیرد.

آدمی به دلیل افراط در هواپرستی، سست اراده و بی‌اختیار می‌شود و همه فضایل انسانی را از دست می‌دهد. از نظر اسلام، منشأ همه گناهان، پیروی بی‌چون و چرا از هوای نفس است و پرهیزگار کسـی است که از دام هوا و هوس رهیـده باشد. پیامبر اعظم صـلی الله علیه و آله، هوسْ گریزان را از شجاعان امت خویش می‌شمارد و می‌فرماید:

اشْجَعُ النّاسِ مَنْ غَلَبَ هَواهُ. (۱)

شجاع‌ترین مردم کسی است که بر خواسته‌های نفسانی چیره شود.

۱- همان، ش ۲۹۹

ص: ۱۸۴

مدارا با بدهکاران

چون برخی افراد، امکانـات مـالی بسـیاری ندارنـد، ممکن است در پاره‌ای موارد، وام بگیرنـد، ولی از بازپرداخت آن در زمان تعیین شده، ناتوان باشند. در این حال، برخورد وام دهندگان متفاوت است.

گروهی با سـعه‌صدر و واقع‌نگری، درصدد تمدید بازپرداخت برمی‌آیند یا حتی در پاره‌ای موارد، آن را می‌بخشند که البته از پاداش فراوانی برخوردار خواهند شد. گروهی دیگر با سرسختی و لجاجت بسیار تلاش می‌کنند که به هر شکل ممکن، حتی با آبروریزی و فشار و سـخت‌گیری بر بـدهکار، طلب خود را باز پس بگیرنـد که کار بسـیار نکوهیـده‌ای است. به یقین، اگر کسـی با بزرگواری و درک موقعیت طرف مقابل، با بدهکار مدارا کند، در پیش‌گاه خداوند روسپید خواهد بود. بر این اساس، رسول اللّه صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

مَنْ نَفَّسَ عَنْ غَریمِه أَوْ مَحی عَنْهُ کانَ فی ظِلِ

ص: ۱۸۵

الْعَرْشِ یَوْمَ الْقِیامَهِْ. (۱)

هر که به بدهکار خویش مهلت دهد یا قرض او را ببخشد، روز قیامت در سایه عرش الهی خواهد بود.

مدارای مشروط

تا آنجا که می‌توان و شریعت به ما اجازه داده، نرمش و مدارا با مردم پسندیده است. در حقوق شخصی و امور جاری، باید از لغزش دیگران چشم پوشید و با گذشت، باآنان روبه‌رو شد. البته مدارا با مردم آن‌گونه نیست که در صورت آسیب‌دیدن دین، حیثیت و عزت آدمی با دیگران کنار بیاییم؛ زیرا کوتاه آمدن در این موارد، رفته رفته از ارزش و اهمیتشان می‌کاهد و آنها را به اموری معمولی و ابتدایی تبدیل می‌کند. اگر قرار باشد آدمی در برابر حق‌کشی یا حق‌گریزی، در برابر دیگران کنار بیاید، چگونه می‌توان دوام و قوام ارزش‌ها را انتظار داشت.

۱- نهج الفصاحه، ش ۲۸۴۹

ص: ۱۸۶

ارزش‌ها حساسند و واکنش مدافعانه در برابر آنها لازم و ضروری است، ولی همان‌گونه که گفته شد، در برابر چیزهای کم‌ارزش و غیراصولی نباید سخت‌گیری نشان داد؛ زیرا با گذشت می‌توان دیگران را نسبت به شخصیت خود و دستورهای اخلاقی و ظریف پیامبر گرامی اسلام متمایل ساخت. حضرت محمد صلی الله علیه و آله درباره نوع مدارا با مردم می‌فرماید:

رَأسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْایمانِ بِاللّهِ مُداراةُ النّاسِ فِی غَیْرِ تَرْکِ حَقٍّ. (۱)

عاقلانه‌ترین کارها پس از ایمان به خداوند، مدارا کردن با مردم است، به گونه‌ای که حقی ضایع نشود.

مردم آزاری

مردم آزاری در اجتماع نمودهای گوناگونی دارد.

برای مثال، همسایه‌ای با بی‌مبالاتی و سر و صدای

۱- تحف العقول، ص ۴۲

ص: ۱۸۷

زیاد، کارمندی با بی‌پاسخ گذاشتن خواسته ارباب رجوع، راننده‌ای با بوق‌های‌زدن‌های ممتد و بی‌جا و نیز دیگران با صدها کردار خلاف و دور از نزاکت، سبب رنجش خاطر اطرافیان می‌شوند. از آن بدتر وقتی است که در برابر هرگونه اعتراض، خود را بی‌گناه و حتی صاحب حق می‌دانند. آیا پسندیده است که آسایش و آرامش دیگران را به هم بریزیم و خود را بی‌گناه نیز بدانیم؟ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در نکوهش این رفتار ناپسند می‌فرماید:

کُلُّ مُوذٍ فِی النّار.(۱)

هر آزارگری در دوزخ است.

مزد کارگر

بنا بر وظیفه اخلاقی و انسانی، انسان باید حق کارگر را با احترام به او بپردازد و حتی اگر پرداخت مزد بدون درخواست کارگر انجام گیرد، پسندیده‌تر است. بعضی افراد نه تنها پس از انجام کار، قدردانی.

۱- همان، ش ۲۱۷۱

ص: ۱۸۸

نمی‌کنند، بلکه با منّت نهادن، حقوق کارگر را می‌پردازند که اسلام، این کار را بسیار نکوهش کرده است. همچنین بسیار شایسته است اگر کارگری بیش از مقدار کارش، تلاش کرد و کار را به خوبی به پایان رساند، مزد بیشتری به او پرداخت شود.

پرداخت مزد نیز باید در زودترین وقت ممکن انجام شود. پیامبر گرامی اسلام، دست کارگران را می‌بوسید و به آنان بسیار احترام می‌گذاشت. ایشان می‌فرماید:

... اعْطِ الْاجیرَ حَقَّهُ قَبْلَ انْ یَجُفَّ عَرَقُهُ. (۱)

... پیش از اینکه عرق کارگر خشک شود، حق او را بپردازید.

مشورت

انسان در هر مرتبه از آگاهی و دانش قرار داشته باشد، هرگز از مشورت بی‌نیاز نخواهد شد. تجربه ثابت کرده است که گاهی انسان در مسائل ساده نیز

۱- همان، ش ۳۴۷

ص: ۱۸۹

دچـار اشـتباه و غفلت می‌شود، در حـالی که اگر بـا افراد آگاه و با تجربه مشورت می‌کرد، به این اشـتباه دچار نمی‌شـد. هنگامی که انسان با کسـی مشورت می‌کنـد، فکر او را با فکر خود شـریک می‌سازد. در حقیقت، نیروی فکری او قوی‌تر می‌شود و بدین ترتیب، از اشتباه در امان می‌ماند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در توصیه به مشورت می‌فرماید:

لا مُظاهَرَةَ اوْثَقُ مِنَ الْمُشاوَرَهِ. (۱)

پشتیبانی مطمئن‌تر از مشاوره نیست.

ملاحظه‌کاری

اخلاص و خدامحوری در انجام دادن کارها سـبب موفقیت و ذخیره‌سازی پاداش آن برای جهان آخرت می‌شود. اخلاص، اکسـیری است که در برخورد بـا کـار و تلاـش، آن را پربها و مانا می‌سازد و در جریـده عالم ثبت می‌کنـد؛ همان‌گونه که ریا و خودنمایی از ارزش کار می‌کاهد و آن را مانند کف

۱- نهج الفصاحه، ش ۲۵۰۶

ص: ۱۹۰

روی آب، زودگذر و بی‌دوام می‌سازد. بنابراین، مغز کارها، اخلاص و انجام عمل برای خداوند است و باید به کارها رنگ خدایی زد تا ماندگار شود. وقتی کاری مورد رضایت الهی است، هرگز نمی‌توان آن را برای ملاحظه یا خوشامد خلق رها کرد. چگونه می‌توان رضایت مخلوق را بر رضای خدا ترجیح داد یا بر اثر شرم و حیای نکوهش شده، از انجام کاری طفره رفت. از این رو اگر کسی در جمعی است که با او هم‌عقیده نیستند یا از آنها شرم دارد، باید با صلابت به پاخیزد و کارش را بدون شرم و ملاحظه کاری انجام دهد.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

لا تَعْمَلْ شَیْئاً مِنَ الْخَیْرِ رِیاءً وَ لا تَدَعْهُ حَیاءً. (۱)

هیچ کار خیری را برای ریا انجام مده و هیچ کار نیکی را به سبب خجالت کشیدن رها مکن.

۱- تحف العقول، ص ۵۸

ص: ۱۹۱

مهمان ناخوانده

برخی مردم بـا آنکه از وضع مالی خوبی برخوردارنـد، ولی می‌کوشـند بـدون دعوت به خانه این و آن برونـد و در این راه، چه بسـا اعضای خانواده یا دوستانشان را نیز با خود همراه می‌سازند.

این کـار پسـندیده نیست؛ زیرا صاحب‌خـانه را به زحمت می‌افکننـد و بی‌اطلاـع میزبـان، او را غافـل‌گیر و در برابر مهمان ناخوانـده، شرمسار می‌کنند.

بنابراین، بدون هماهنگی و دعوت، به خانه کسـی نرویم؛ چون این کار در هر مکتب و مرامی ناشایست و خلاف اخلاق است. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در یکی از هشدارهای شدید می‌فرماید:

مَنْ مَشی إِلی طَعامٍ لَمْ یُدْعَ إِلَیْهِ فَقَدْ دَخَلَ سارِقاً وَ خَرَجَ مُغَیِّراً. (۱)

هر که بی‌دعوت به مهمانی رود، دزد می‌رود و ننگین بیرون می‌آید.

۱- نهج الفصاحه، ش ۲۷۶۷

ص: ۱۹۲

میزان سنجش عقل

عقل چیست و عاقل کیست؟ هر کسی، عقل را بر اساس فهم و خرد خود معنی می‌کند. ازاین‌رو، ممکن است برداشت بعضی افراد، با تفسیری که پیشوایان دینی از عقل و خرد دارند، متفاوت باشد.

چه بسا کسانی از نظر افراد معمولی، عاقل شمرده می‌شوند، ولی بر اساس معیارهای معصومین علیهم السلام در شمار افراد عاقل قرار نگیرند.

آورده‌اند: مردی نصرانی از اهل نجران به مدینه آمد. او مردی خوش‌بیان، باوقار و با فضیلت بود.

مردم به رسول اللَّه صلی الله علیه و آله گفتند: این مرد نصرانی چقدر با عقل و خرد است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از شنیدن این سخنان، معیار داوری برای انسان خردمند را چنین بیان فرمود:

مَهْ انَّ العاقِلَ مَنْ وَحَّدَ اللَّهَ وَ عَمِلَ بِطاعَتِهِ. (۱)

دست نگه دار! خردمند کسی است که خدا را به یگانگی بشناسد و به فرمان او عمل کند.

۱- تحف العقول، ص ۵۴

ص: ۱۹۳

ن

نزدیک‌ترینان به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

رسول رحمت و هدایت آمد تا چراغ راه آدمیان به سوی خیر و نیک‌بختی باشد. ایشان برای رسیدن انسان به کمال و سعادت، دستورهایی داده است که انسان‌ها با عمل به آنها، خود را به خلق و خوی محمدی خواهند آراست.

انسان‌ها اگر چنین کنند، در سایه لطف پیامبر قرار می‌گیرند و از آسیب‌های روز واپسین در امان می‌مانند. در این صورت، در آخرت نیز از یاران و نزدیکان آن حضرت خواهند بود. در مقابل، کسانی که دستورهای نبوی را نادیده بیانگارند و در دنیا، خود را از نبی مکرم اسلام جدا سازند، در آخرت نیز از ایشان دور خواهند بود. بنابراین، چه خوب است که با آراسته شدن به اوصاف نبوی، خود را مشمول رحمت الهی و قرین عطوفت محمدی قرار

ص: ۱۹۴

دهیم که آن پیامبر مهرپرور می‌فرماید:

اقْرَبُکُمْ مِنّی غَداً فِی الْمَوْقِفِ اصْدَقُکُم لِلْحَدِیثِ وَ آداکُم لِلَامانَهِٔ وَ اوْفاکُم بِالْعَهْدِ وَ احْسَنُکُم خُلْقاً وَ اقْرَبُکم مِنَ النَّاسِ. (۱)

نزدیک‌ترین شما به من در فردای قیامت، آن کسی است که بیش از همه سخن راست بگوید، ادای امانت کند، به پیمان وفا کند و اخلاق وی نیکوتر و به مردم نزدیک‌تر باشد.

نفرین ستم‌دیدگان

مظلومان، دل‌های پراندوه و خاطری افسرده از ستم بیدادگران دارند و مباد که دست دعا به نفرین بلند کنند؛ زیرا آتش دل‌سوختگان، ویرانی‌ها به بار می‌آورد و از این آتش سوزان، گریزی نیست. اصولًا واژه‌ای زیباتر از عدالت وجود ندارد و این مهم، از اهداف عالی پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام بوده است. چگونه انسان می‌تواند گلبانگ عدالت را

۱- همان، ص ۴۶

ص: ۱۹۵

نشنیده انگارد و به سوی ستم و تعدی ره پوید.

منادی قسط و عدل و مبارزه با جور و ستم می‌فرماید:

اتَّقُوا دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ فَانَّها تَصْعَدُ الی السَّماءِ کَأَنَّها شَرارَةٌ. (۱)

از نفرین ستم‌دیده بترسید؛ که چون شعله آتش به آسمان می‌رود.

نماز

ترک نماز، بزرگ‌ترین گناه است. نماز برای تربیت و تکامل روحی انسان‌ها واجب شده است، ولی برخی افراد برای گریز از انجام تکلیف و پیروی از هوای نفس یا تنبلی و کسالت، آن را انجام نمی‌دهند.

این بندگان به جای شکرگزاری به درگاه حق و همراهی و هم‌نوایی با برگ درختان سبز و زمین و زمان و پرندگان و خزندگان در مدح خدای روزی‌رسان، به بهانه‌های گوناگون از زیر بار این

۱- نهج‌الفصاحه، ش ۴۷

ص: ۱۹۶

مسئولیت انسان‌ساز می‌گریزند. گاهی می‌گویند:

«خداوند به نماز ما احتیاج ندارد». در پاسخ باید گفت نخستین چیزی که در قیامت از مسلمان می‌پرسند، درباره ستون دین است و برای ترک‌کنندگان نماز، عذاب دردناکی مقرّر شده است.

آیا شایسته است انسان به دلیل تنبلی و کسالت، در دسته ناسپاسان قرار گیرد و از به جا آوردن نماز که وظیفه بندگی است، سرباز زند؟ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این‌باره می‌فرماید:

اوَّلُ ما یُحاسَبُ بِهِ الصَّلوهُ. (۱)

نخستین چیزی که از آن حساب‌رسی می‌کنند، نماز است.

نماز شب

اسلام به جز نمازهای واجب، بر ادای بعضی نمازها به دلیل آثار بسیار مهم تربیتی که در پی دارند، تأکید کرده است. در این میان، نماز شب از اهمیت

۱- همان، ش ۹۷۹

ص: ۱۹۷

بیشتری برخوردار است. وقت این نماز، از نیمه‌های شب تا نزدیک نماز صبح است و سحرخیزان و شب زنده‌داران با راز و نیازهای شبانه خود، به حال و هوای معنوی ویژه‌ای دست می‌یابند. اینان در خلوت ربانی خود، محو دیدار معشوق حقیقی می‌شوند و جز خدا، همه چیز را به فراموشی می‌سپارند. رمز موفقیت بسیاری از علما و اولیای الهی را در ادای نافله نماز شب دانسته‌اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ترغیب به ادای نماز شب می‌فرماید:

مَنْ کَثُرَتْ صَلوتُهُ بِالَّلیْلِ حَسُنَ وَجْهُهُ بِالنَّهارِ. (۱)

هر کس در شب، نماز بسیار بخواند، در روز، چهره‌اش نورانی می‌شود.

نماز صبح در مسجد

آن گاه که تاریکی همه جا را فرا گرفته و سکوتی سنگین بر زمین حاکم است، بندگان صالح خدا از

۱- همان، ش ۲۸۱۳

ص: ۱۹۸

بستر برمی‌خیزند و برای به جا آوردن نماز صبح، به سوی مسجد می‌روند. این حرکت و خیزش به سوی مساجد، صفای خاصی دارد. در فضای سراسر ملکوتی مساجد و در این تماشاگه راز، بندگان خاص خدا را در حالت‌های گوناگون می‌توان دید. یکی در حال رکوع، دیگری با چشمان گریان از خدا طلب عفو می‌کند و با او در راز و نیاز است و آن دیگر، غرق در تفکر و تعمق. چه زیباست همراه شدن با این جماعت عاشق. در آن سو می‌بینیم که گروهی بی‌خبر از عالم معنا در خوابی عمیق فرو رفته‌اند و به دور از این غوغای ملکوتی، تنها به این می‌اندیشند که پاسی از صبح گذشته از خواب برخیزند و زندگی تکراری فردا و فرداها را آغاز کنند. رسول اللَّه صلی الله علیه و آله در بشارتی نیکو به سحرخیزان می‌فرماید:

بَشِّرِ الْمَشّائینَ فِی ظُلَمِ اللَّیْلِ إِلَی المَساجِدِ بالنُّورِ التّامِ یَوْمَ القِیامَهِْ. (۱)

۱- نهج الفصاحه، ش ۱۰۹۰

ص: ۱۹۹

به آنان که در ظلمات شب به سوی مساجد می‌روند، بشارت بده که در روز رستاخیز، روشنی کامل دارند.

نیکوکاری

هر کاری می‌توانـد آثار مثبت یا منفی دربرداشـته باشد. خداوند بزرگ به انسان، حق انتخاب داده است و انسان‌های شایسـته کسانی هسـتند که راه‌هـای مفیـد را می‌پیماینـد. اینـان فرصت‌هـای الهی را از دست نمی‌دهنـد و بـا نیت خداپسـندانه، برای رفـع نیـاز خود و دیگران می‌کوشـند. بر عکس، انسان‌های ناسپاس، نعمت‌های الهی را به رایگان از دست می‌دهند و در برخورد با نیازمندان، آنان را به تمسـخر می‌گیرنـد. اینـان می‌گوینـد: «اگر خـدا می‌خـواست به فقیران روزی می‌داد و به کمـک مـا نیـازی نیست.» این‌گـونه افراد نمی‌داننـد که کمـک به نیازمنـدان، انسـان را از سـقوط به پستی‌هـا و حوادث نـاگوار و ناگهانی در امان نگاه می‌دارد. نیکوکاری و صدقه پنهانی و

ص: ۲۰۰

آشکار از کارهایی است که مایه سپیدرویی انسان در جهان آخرت خواهد شد. پیامبر گرامی اسلام در توصیه به این عمل پسندیده می‌فرماید:

صَنائِعُ الْمَعروفِ تَقِی مَصارِعَ السُّوءِ. (۱)

نیکوکاری، انسان را از مرگ‌های ناگوار در امان نگاه می‌دارد.

۱- همان، ش ۱۸۵۲

ص: ۲۰۱

و

وساطت در ازدواج

در فرهنگ اسلام این کار از ارزشمندترین وساطت‌ها به شمار آمده است. البته این کار به دلیل اهمیت و حقانیتش نیازمند تجربه و دقت و امانت‌داری است. فرد میانجی باید ویژگی‌های دو طرف را به خوبی و بدون کم و کاست برای یکدیگر بیان کند و زمینه شناخت آن دو را فراهم آورد. در این صورت است که می‌تواند زمینه سعادت و آرامش دو جوان را فراهم کند و فرد میانجی را نیز به پاداش الهی برساند. ازاین‌رو، پیامبر خدا، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

مِنْ افْضَلِ الشَّفاعَةِ أَنْ تَشْفَعَ بَیْنَ اثْنَیْنِ فِی‌النِّکاحِ. (۱)

از جمله بهترین وساطت‌ها این است که میان دو نفر در ازدواج، وساطت کنید.

۱- همان، ش ۳۰۷۳

ص: ۲۰۲

وصیت‌نامه

بی‌شک، همه موجودات، طعم تلخ مرگ را خواهند چشید جز ذات لایزال الهی که همیشه بوده و خواهد بود. مخلوقات دیر یا زود، از این جهان فانی خواهند رفت، ولی نیاز به سفارش پس از مرگ، بسیار ضروری است تا نظام خانوادگی و روابط اجتماعی دچار مشکل نگردد. چه بسا انسان‌هایی که بدون وصیت، از این جهان رفته‌اند و پس از مرگ آنان، اختلاف‌های شدید مالی میان اعضای خانواده اتفاق افتاده است یا اشخاص بیگانه، ادعای طلب‌کاری داشته‌اند. آیا بهتر نیست انسان با نوشتن وصیت‌نامه، از رخ دادن این غایله‌ها پیش‌گیری کند و خدای نکرده زیر دَین دیگران قرار نگیرد و سبب اختلاف خانواده نیز نشود. پیامبر اسلام می‌فرماید:

تَرْکُ الْوَصیَّةِ عارٌفِی الدُّنْیا وَ نارٌ وَ شَنارٌ فِی الْآخِرَةِ. (۱)

وصیت نکردن، مایه ننگ این جهان و مایه آتش و رسوایی آن جهان است.

۱- نهج الفصاحه، ش ۱۱۴۱

ص: ۲۰۳

۵

هدیه

هـدیه، محبت میـان انسان‌هـا را افزایش می‌دهـد. در حقیقت، هـدیه دهنـده با این کار، علاقه و محبت خود را بیان می‌کنـد. قیمت و ارزش بالای هـدیه، معیار و ملاک جلب محبت نیست؛ زیرا ممکن است هـدایای غیرمادی که نشان‌دهنده حسن نیت و صداقت اهدا کننـده است، بسیار کارسازتر باشـد. در اسـلام، نفس و اصـل عمـل مـورد توجه است. بنـابراین، تهیه هـدایای گران‌بهـای مـادی را خردمندانه نمی‌داند.

اصـالت هر هـدیه، مفیـد و معنوی بودن آن است و ارزش مـادی آن اهمیتی نـدارد. از سوی دیگر، اگر هـدیه پر قیمت باشـد، طرف مقابل نیز برای جبران آن گرفتار سـختی و دردسـر می‌شود. گاهی اوقات، تهیه هدیه‌ای هم‌سـنگ هدیه آشـنایان، از عهده فرد خارج است. ازاین‌رو، به ناچار از او فاصله می‌گیرد. در این حالت، هدیه نه تنها محبت را افزون نکرده، بلکه

ص: ۲۰۴

رشته‌های مودت و دوستی پیشین را نیز از هم گسیخته است. بر این اساس، برای تقویت رشته‌های محبت باید شئون و توانایی طرف مقابل در نظر گرفته شود. پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید:

تَهادَوْا تَحابُّوا. (۱)

به یکدیگر هدیه دهید تا رشته‌های محبت‌تان استوار گردد.

هدیه معنوی

گاهی افرادی را می‌بینیم که وقتی سخن خوبی را می‌شنوند یا مطلب سودمندی را در کتابی می‌خوانند و آن را سودمند می‌یابند، بی‌درنگ یادداشت می‌کنند تا در زمان مقتضی، به اطلاع دوستان و آشنایان و دیگران برسانند. این کار، شیوه بسیار پسندیده‌ای است و در طول تاریخ، بسیاری از انسان‌ها، از همین راه به آگاهی‌های بسیار ارزشمندی دست یافته‌اند.

چه بسا اگر این کار انجام نمی‌شد، امروز بسیاری از

۱- نهج الفصاحه، ش ۱۱۸۹

ص: ۲۰۵

دانستنی‌های ما وجود نداشت. پس بکوشیم سخنان و گفتار سودمند را به آگاهی همگان برسانیم تا با ثبت و ضبط آن در حافظه‌ها و عمل به آن، راه هدایت را بپیماییم. حضرت محمد صلی الله علیه و آله درباره هدایای کلامی می‌فرماید:

نِعْمَ العَطِیَّهُ کَلِمَهُ حَقٍّ تَسْمَعُها ثُمَّ تَحْمِلُها الی اخٍ لَکَ مُسْلِمٍ. (۱)

چه نیکو عطایی است کلمه حقی که آن را می‌شنوی، سپس به برادر مسلمانت می‌رسانی.

هم‌نشینی با فقیران

بعضی افراد همیشه از فقیران و نیازمندان فاصله می‌گیرند تا مبادا از ایشان چیزی بخواهند یا اینکه شأن خود را از آنان بالاتر می‌دانند. این در حالی است که ارزش هر کسی با تقوای او محک زده می‌شود و چه بسا فقیری با جامه مندرس، در پیش‌گاه الهی صاحب مقام و موقعیت والا باشد.

۱- همان، ش ۳۱۲۷

ص: ۲۰۶

هم‌نشینی بـا فقیران و رسیدگی به آنـان در سیره تابنـاک اولیای الهی کاملًا نمایان است. آنان همواره با فقیران نشست و برخاست داشتند و کسانی را که از فقیران فاصله می‌گرفتنـد، به شـدت نکوهش می‌کردند. پیامبر عظیم الشأن اسلام درباره دوستی با فقیران می‌فرماید:

اتَّخِذُوا عِنْدَ الْفُقَراءِ أَیادِیَ فَانَّ لَهُمْ دَوْلَةً یَوْمَ الْقِیامَةِ. (۱)

با فقیران دوستی کنید؛ زیرا آنان در روز قیامت، منزلت بزرگی دارند.

هم‌نشینی با نیکان

انسان همیشه نیازمند آموختن مسائل اخلاقی و تربیتی است تا راه کمال و پویایی را در پیش گیرد.

یکی از راه‌هایی که آدمی‌را در پیمودن نردبان قرب و تهذیب نفس یاری می‌کند، هم‌نشینی با خوبان است.

نیکان کسانی هستند که فضایل و تجربه کافی دارند

۱- همان، ش ۲۹

ص: ۲۰۷

و انسان با خیال آسوده می‌تواند به آنان اعتماد کند؛ از گفتار و رفتارشان، توشه سفر، فراهم آورد و روح و روان خویش را پالایش کند. آن‌گاه هم چون فرشته‌ای سبک‌بال، با عطر صفا و محبت، پروازی دل‌نشین را بیازماید و از لذت علم و عمل بهره‌مند شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره معاشرت با نیک‌منشان می‌فرماید:

جالِسُوا الْکُبراءَ وَ سائلِوُا الْعُلَمَاءَ وَ خالِطُوا الْحُکَماءَ. (۱)

با بزرگان هم‌نشین شوید، از دانشمندان بپرسید و با حکیمان ارتباط داشته باشید.

۱- نهج الفصاحه، ش ۱۳۰۰

ص:۲۰۸

ص: ۲۰۹

ی

یادداشت دانستنی‌ها

یکی از بهترین کارها این است که انسان، آموخته‌های خود را یادداشت کند. بعضی افراد به این مسئله توجهی ندارند و فکر می‌کنند که می‌توانند آن اندوخته‌ها را در حافظه خود نگه‌داری کنند، ولی به تدریج، معلومات خود را به فراموشی می‌سپارند. همه انسان‌ها ذهن قدرت‌مندی چون ابن‌سیناها ندارند و مانند ماشین حساب و رایانه نیز نیستند که اگر چنین هم بود به دلیل اختلال و نقص، همه حافظه خود را از دست می‌دادند. انسان برای نگه‌داری اندوخته‌های خود به ناچار باید آنها را ثبت و ضبط کند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نیز به این امر توجه کرده و فرموده است:

ص: ۲۱۰

قَیِّدوُا الْعِلْمَ بِالْکِتابِ. (۱)

دانش را با نوشتن ثبت کنید.

یاد کرد نیکی مردگان

چون انسان معصوم نیست، خواه ناخواه در طول زنـدگی مرتکب اشـتباه و خطا می‌شود. پس همه در پرونـده کار خود، رفتار نیک و بد دارند. با این حال شایسته است پس از درگذشت آنان، رفتارهای خوبشان را بازگو کنیم و از بدی‌های آنان سخنی نگوییم؛ زیرا:

۱. شاید خداوند، وی را به دلیل کارهای نیکش، آمرزیده باشد.

۲. اینک او درگذشته است و زنده نیست تا از خود دفاع می‌کند.

۳. این کار، بازماندگانش را بسیار ناراحت می‌کند.

۱- همان، ش ۲۱۰۵

ص: ۲۱۱

۴. در آموزه‌های اسلامی آمده است که از درگذشتگان به نیکی یاد کنیم.

پیامبر وارسته اسلام می‌فرماید:

اذکُروا محاسِنَ مَوْتاکُمْ وَ کُفُّوا عَنْ مَساویهِم. (۱)

نیکی‌های مردگانتان را یاد کنید و از بدی‌هایشان چشم بپوشید.

۱- همان، ش ۲۴۹

ص:۲۱۲

ص: ۲۱۳

کتابنامه

۱. اصفهانی، رضا، اخلاق برای همه (جلد ۱)، تهران، مؤسسه اطلاعات، چاپ دوم، ۱۳۷۴.

با پیامبر مهربانی ؛ ؛ ص۲۱۳

پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، انتشارات جاویدان.

۳. حرانی، ابومحمد حسن، تحف العقول، تهران، مکتبهٔ الصدوق، ۱۳۷۶ ه. ق.

۴. حکیم، سید محمد تقی، پیام پیامبر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.

۵. سجادی، محمد صادق و مرتضی فرید، اخلاق از دیدگاه قرآن و عترت، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۶۸.

۶. صالحی، عبدالله، زندگی و سخنان چهارده معصوم علیهم السلام، قم، دارالنشر، چاپ سوم، ۱۳۷۰.

۷. صبحی، صالح، نهج البلاغه، بیروت، چاپ اول،

ص: ۲۱۴

۱۳۸۷ ه. ق.

۸. صدوق، خصال، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ه. ق.

۹. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۹۲ ه. ق.

۱۰. فیض کاشانی، ملا محسن، المحجة البیضاء، تهران، چاپ‌خانه حیدری، ۱۳۴۰.

۱۱.–، وافی، اصفهان، ۱۳۲۴ ه. ق.

۱۲. قمی، شیخ عباس، سفینة البحار، تهران، چاپ افست مروی، بی‌تا.

۱۳. کلینی، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۸۸ ه. ق.

۱۴. متقی هندی، کنز العمال، بیروت، مؤسسة الرساله، ۱۴۰۹ ه. ق.

۱۵. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ه. ق.

۱۶. محصل، سید عبدالوهاب، سعدی در گلستان حدیث

ص: ۲۱۵

آل محمد صلی الله علیه و آله، قم، انتشارات محصل، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۱۷. مفید، الارشاد، تهران دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷ ه. ق.

۱۸. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۸ ه. ق.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹